

هفته

سال پانزدهم - پنجشنبه / ۱ دی ۱۴۰۱ / ۲۲ دسامبر ۲۰۲۲

بها: ۳٫۵ دلار
۷۱۰ www.hafteh.ca

عمر کوتاه جمهوری اسلامی در کمیسیون مقام زن سازمان ملل
عضویت با رأی پنهان، اخراج با اکثریت آرا



هفته بررسی کرد:

نقش کانادا در اخراج ج.ا. از کمیسیون مقام زن

تورنتو



تورنتو در واکنش به اعدام‌ها: ایران
به خاطر این جوانان زنده است

مونترال



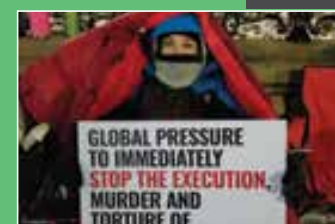
در تجمع اعتراضی ایرانیان
مونترال: «طناب‌ها را ببرید»

ونکوور



ماجرای شغل مدیریتی سینا
لاریجانی در ونکوور چیست؟

اتاوا



سه روز تحصن در برابر پارلمان در
سرمای زیر صفر اتاوا برای ایران

آرش و شیرین شکور

کارشان رسمی املاک مکونن و تجاری شما
در مونترال و حومه

پیش فروش های ویژه

Pointe Claire

دو خوابه، سه خوابه
تاریخ تحویل: تابستان ۲۰۲۴
شروع قیمت از: \$4,580,000 Tax

پارکینگ سربوشیده و روباز
استخر روباز و سربوشیده
تراس مشترک روی سقف
باشگاه مجهز و مدرن
پارک کودک

De la Savane

استودیو، یک خوابه، دو خوابه، سه خوابه
تاریخ تحویل: زمستان ۲۰۲۳، بهار ۲۰۲۴
شروع قیمت از: \$4,295,000 Tax

پارکینگ سربوشیده و انباری
به همراه وسایل برقی آشپزخانه
سیستم سرمایش و گرمایش مدرن
لابی نورگیر و چشم نواز
باشگاه مجهز و مدرن

LaSalle

یک خوابه، دو خوابه، سه خوابه، پنت هاوس
تاریخ تحویل: تابستان ۲۰۲۴
شروع قیمت از: \$4,345,000 Tax

پارکینگ سربوشیده و انباری
وسایل برقی آشپزخانه+ ماشین لباسشویی/خشک کن
سیستم سرمایش و گرمایش مدرن
لابی نورگیر و چشم نواز
باشگاه مجهز و مدرن

REALTOR
LONDONO

سال نو میلادی مبارک

MERRY
Christmas
& HAPPY NEW YEAR

جهت کسب اطلاعات بیشتر با ما تماس بگیرید

۵۱۴-۷۳۰۳۹۰۹



دکتر شریف
دکتر البزال
دکتر دالیوال
دکتر لیندا عطار

Dr. Sharif
Dr. Albazzal
Dr. Dhaliwal
Dr. Linda Attar

تخفیف ویژه برای

دانشجویان ۲۰٪ الی ۳۰٪
بیماران جدید ۱۰٪

Montreal

(514) 731 1443

5450, Ch. de la Côte-des-Neiges,
Suite 308, Montréal, QC, H3T 1Y6

Clinique.Dentaire.Soleil

www.cliniquedentairesoleil.com

info@cliniquedentairesoleil.com

Brossard

(450) 926 2622

7801-2 Taschereau Blvd
Brossard QC, J4Y1A3

info@cliniquedentaire
soleil-brossard.com



RE/MAX
3000

Tranquillité **بی‌همه منحصر به فرد**

هایک هارتونیان MBA

مشاور و متخصص املاک مسکونی و درآمدزا در استان کبک

(514) 574 6162

موفقیت ما محصول رضایت شماست



- مشاوره رایگان حضوری و تلفنی
- ارزیابی رایگان ملک شما
- تهیه وام با بهترین بهره و شرایط بانکی
- خرید، فروش، اجاره
- **پروژه رایگان برای خریداران**

Hayk Hartounian MBA Residential Real Estate Broker

Haykhartounian@yahoo.com

9280 Boul. de l'Acadie, Montréal, QC, H4N 3C5

کازم تهرانی

Kazem Partow Tehrani
Real Estate Broker

مشاور رسمی املاک در کبک
خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری



سالن تجاری برای فروش یا اجاره

مساحت: ۱۴۰ مترمربع
در منطقه شلوغ Jean-Talon.

واقع در ساختمان تجاری، مسکونی، در میان ۳۰۰ کانادو،
دارای تهویه مطبوع سرد و گرم، انباری، اتاق برق، برق سه فاز،
سال ساخت ۲۰۱۷

برای مشاغل چون فروشگاه (دارای cold room)، دفتر کار،
کلینیک، آتلیه و غیره
این ملک با ملکی دیگر در تهران و یا شمال هم معاوضه می‌شود

قیمت فروش: ۶۷۹ هزار دلار (بعلاوه مالیات)

قیمت اجاره: ۶۱۰۰ دلار (بعلاوه مالیات)

Centris No: 25599944



- پیش فروش املاک در تمام مونترال
- مشاوره رایگان برای املاک درآمدزا
- ارزیابی رایگان منزل شما

۱۵۰۰ دلار هزینه محضر
هدیه ما برای خریدارن ملک

با ۴۵ سال سابقه زندگی در مونترال و ۱۵ سال سابقه در املاک به همراه یک تیم حرفه‌ای

Sutton®

514 - 971 - 7407

Sutton



آرزو گتمیری مشاور املاک

AREZOU GATMIRI
Courtier Immobilier Résidentiel

agtmiri@sutton.com

- مشاوره تلفنی / حضوری و ارزیابی رایگان ملک شما
- شرایط مناسب برای تازه واردین بدون درآمد
- همکاری با مشاورین بانک ها جهت دریافت وام مسکن
- خدمات ۱۰۰٪ رایگان برای خریداران تا پایان پروسه خرید

Cell: (514) 561-3-561

Groupe Sutton-Sur L'île
38, Place du Commerce #280, Île Des Soeurs (Verdun), QC H3E 1T8
Bureau: (514) 769-7010



Mojgan Rajabi

Senior financial
security adviser

- bimeh.ca
- bimeh.ca
- 514-296-7306
- bimeh.ca@gmail.com

مژگان رجبی

مشاور و مدرس بیمه
طرف قرارداد با بزرگترین کمپانی های کانادا

- بیمه عمر Life insurance
- بیمه وام مسکن Mortgage insurance
- انواع بیمه های مسافرتی Travel insurance (دانشجویی-ویزیتوری-سوپرویزا)
- حساب پس انداز بازنشستگی - RRSP
- حساب تحصیلی فرزندان RESP
- حساب معاف از مالیات TFSA
- بیمه از کار افتادگی Disability insurance
- بیمه بیماریهای خاص Critical illnesses
- تدریس و آماده سازی برای لایسنس بیمه

بیمه همیشه ضامن آرامش است.



داستان: نویسنده: الیزابت بوون
مترجم: مریم حسینی
می صورتی

فرهنگ و هنر: نیما قاسمی
گفت و گوی اختصاصی هفته با زینب موحد
هنرمند نقاش

معرفی کتاب: فرزانه صفایی
۱) ایران بین دو انقلاب
۲) بنویس من زن عرب نیستم



مونترال: مهدیس مختاری
در تجمع ایرانیان مونترال: طناب‌ها را ببرید

تورتو: پگاه نیایی
ایرانیان تورتو در واکنش به اعدام‌ها: ایران
به خاطر این جوانان زنده است

اتاوا: سپیده صالحی
سه روز تحصن در برابر پارلمان در سرمای
زیر صفر ااتاوا برای ایران



پگاه شریفی

عمر کوتاه جمهوری اسلامی در کمیسیون مقام زن
سازمان ملل
عضویت با رأی پنهان، اخراج با اکثریت
آرا
هفته بررسی کرد: نقش کانادا در اخراج ج.ا. از
کمیسیون مقام زن

(5 1 4) 8 3 4 - 7 2 5 4
www.hafteh.ca
info@hafteh.ca
news@hafteh.ca
ad@hafteh.ca
ISSN 1918-4379 HafteH

Montreal office:
1980 Sherbrooke St. W. Suite: 900
Montreal, Quebec, H3H 1E8

Toronto office:
6012A Yonge St. North York, ON M2M 3V9

■ هفته از همه علاقه‌مندان دعوت به همکاری می‌کند.
■ لطفا مطالب خود را زیر هزار واژه (برمبنای واژه شمار ورد) نگاه دارید.
■ هفته در استفاده، ویرایش و کوتاه کردن مطالب‌های رسیده آزاد است.
■ استفاده از طرح‌ها و آگهی‌های هفته نیاز به کسب اجازه دارد.
■ درباره مضمون آگهی‌های منتشر شده، هیچ گونه مسئولیتی متوجه هفته نیست.

صورت آواز مرغ است آن گل‌ام
غافل است از حال مرغان مردخام

ناشر: مجله‌ی هفته

هفته - سال پانزدهم - شماره ۷۱۰
پنجشنبه ۱ دی ۱۴۰۱ / ۲۲ دسامبر ۲۰۲۲

بها: ۲/۵ دلار

اشتراک سالانه: ۱۶۰ دلار / دانشجویی: ۹۰ دلار
اشتراک سالانه برای موسسه‌ها: ۳۲۰ دلار

تعطیلات هفته در سال ۲۰۲۲ میلادی:
پنجشنبه ۶ ژانویه، پنجشنبه ۲۴ مارچ
پنجشنبه ۷ جولای، پنجشنبه ۱۳ اکتبر

۶۲ آریانا



آریانا: نرگس هاشمی
درگذشت میرمن قمرگل؛ آوازخوان
شناخته شده‌ی افغانستان در کانادا

آریانا، داستان: جمیله هاشمی
کابوس مرگ

۵۶ جامعه

سیاست، ونکوور؛ گروه ترجمه هفته
کارزار ایرانیان کانادا: نمایندگان مجلس با
کفالت سیاسی مانع اعدام معترضان شوند

جامعه؛ گروه ترجمه هفته
تلاش دانشجویان ایرانی در کانادا برای
پیوستن همسرانشان به آنها

جامعه؛ گروه ترجمه هفته
پناه‌جویان زبان یاد بگیرند و حقوق دریافت
کنند؛ برنامه جدید دولت کبک

۶۸ خانواده و سرگرمی

آشپزی؛ مهسا عباس پور
سالاد یلدایی
سخن ستارگان، برای تفنن
سرگرمی؛ خاطره تحویل‌داری یکتا
طنز و حکایت و سرگرمی

۴۸ سیاست، اقتصاد و جامعه



سیاست؛ کامران ملک پور
ماجرای شغل مدیریتی سینا لاریجانی در
ونکوور چیست؟
لاریجانی‌ها و رویال بانک کانادا

اقتصاد؛ گروه ترجمه هفته
کانادایی‌ها برای مقابله با هزینه‌های زندگی
چه می‌کنند؟

اقتصاد؛ آرمین آریان پور
وضعیت اقتصادی کانادایی‌ها در آستانه
سال جدید میلادی چگونه است؟

سیاست؛ گروه ترجمه هفته
لوگو: تروودو به جای ابراز نگرانی درباره
افول زبان فرانسه، بهتر است کاری انجام
دهد

۲۴ گفتگوی ویژه



خسرو شمیرانی
با شاهین خلیلی، از کادرهای کومه‌له‌ی
حزب کمونیست
دیدگاه‌های فعالان سیاسی در کانادا درباره تحولات
ایران

۴۲ گزارش ویژه



سعید میرزایی
۲۲ مقام تازه تحریم‌شده جمهوری اسلامی
توسط کانادا
(بخش دوم)

سردبیر: خسرو شمیرانی

سردبیر آنلاین: آرشد مجیدی

مدیر بازرگانی: محمد پرونده

طراح و صفحه‌آرا: آتلیه هفته
کاریکاتوربست: سیروس یحیی‌آبادی
عکاس: مهناز زنجیرزنی

اخبار کانادا: گروه خبر هفته

اخبار باهمستان: سیده صالحی

آریانا: نرگس هاشمی

مهاجرت: معصومه علی‌محمدی

ادبیات: گروه ادبیات هفته

سلامت: دکتر الهام گرامی

حقوق: نیوشا ریاحی

اقتصاد: آرمین آریان پور

گروه ترجمه: فیروزه مسیحا، نگین پرونده

مدیر فنی وب سایت: بهمن عسگری‌پور

گاو گندچاله دهان ها به اعدام نور گشوده اند، سکوت نکنیم

روز که دیو شب، مهسای جوان را به خون نشانند و ما دست در دست هم از جا برخاستیم، دست‌های درهم‌نهادی ما پیمان‌مان بود. فراموشی تاریکی‌ست و اگر پیمان خود را فراموش کنیم ایزد مهر را در جدال با تاریکی تنها گذاشته‌ایم و خود تنها مانده‌ایم.

جوانان در بند، این سربازان خط مقدم جبهه‌ی «زن زندگی آزادی» شایسته وفاداری ما به پیمانی که با ایشان بستیم، هستند. خاموشی ما تنگ‌تر شدن بندها به دست و پا و سر و گردن آنهاست.

اعدام‌ها باید متوقف شوند و زندانیان باید آزاد شوند و تا لحظه‌ی آزادی آخرین جوان‌مان سکوت جایز نخواهد بود.

فراموشی دور باد! سرمای سکوت دور باد!

*عبارت «گاو گندچاله دهان» برگرفته از شعر «با چشم‌ها» از شاملو است: هر گاو گند چاله دهانی آتشفشان روشن خشمی شد...

کند. دستگاه عریض و طویل روحانیت شیعه نیز، از چند صدای جسته و گریخته که بگذریم، در خاموشی مرگ است. بی‌تردید روحانیون شیعه می‌دانند که احکام صادره، بویژه احکام اعدام، نه با شرع و نه با قانون، قابل توجیه نیستند اما به خاطر نان یا از ترس جان خفقان گرفته‌اند. و دستگاه قضای سرپا فاسد جمهوری اسلامی که تار و پودش به خون جوانان این سرزمین آغشته است لگام گسیخته و برای دختران و پسران سرزمین‌مان احکام ضدانسانی صادر می‌کند. به اصطلاح «قضاتی» که روح‌شان را به شیطان فروخته‌اند به خوش‌رقصی در برابر رهبر مشغول هستند. پرستاران مردمی زیر شکنجه کشته می‌شوند و خوش‌نام‌ترین پزشکان به اعدام محکوم می‌شوند.

کهن‌دیوار اسیر تاریکی‌ست اما می‌دانیم که یلدا را نیز پایانی‌ست؛ ایزد مهر متولد می‌شود تا از پیمانی که با نور بسته‌ایم نگهبانی کند. یادمان باشد ما نیز پیمان بسته‌ایم؛ همان



گاو گندچاله دهان‌ها* گشوده‌اند؛ در مجلس اسلامی، و رسانه‌های جیره‌خوار که در صدرشان کیهان شریعتمداری قرار دارد، آنچه وارد مستراح بیت رهبری می‌شود بالا می‌آورند. از نمایندگانی که کرسی‌شان را نه به اعتبار رأی مردم بلکه از قبیل سرسپردگی به دستگاه زر و زور دارند، انتظار دیگری نمی‌رود. تکلیف شریعتمداری کیهان، این هیزم‌کش حقیر شیطان نیز روشن است. «روزی‌نامه»ی او حتی یک روز هم بدون تزریق پول خون ملت دوام نمی‌آورد، پس باید برای اعدام کودکان و جوانان و بهترین‌های این سرزمین سینه‌چاک

سیروس یحیی آبادی

طرح هفته

زن زندگی آزادی



مهاجرت رشد جمعیت کبک را مثبت کرد؛ ۸.۷ میلیون نفر

کرد که طبق داده‌های جمع‌آوری‌شده مربوط به شش‌ماهه ابتدایی امسال، تعداد ساکنان کبک که طی این مدت از استان کبک به دیگر استان‌ها یا سرزمین‌های کانادا نقل‌مکان کردند به همان اندازه بود که از استان‌ها یا سرزمین‌های دیگر به استان زیبا آمدند. چنین وضعیتی در گذشته کمتر مشاهده شده بود.

طبق گزارش اداره آمار کبک، در ماه‌های ابتدایی سال ۲۰۲۱ میزان مرگ‌ومیر در استان کاهش و میزان زادوولد افزایش یافت. ارزیابی‌های جمعیت شناختی در استان نشان می‌دهد که این روند در ماه‌های ابتدایی امسال به شکلی خفیف حالت معکوس پیدا کرد اما در ادامه جبران شد.

بررسی داده‌های جمعیتی استان کبک همچنین نشان می‌دهد که تعداد شهروندان ۶۵ سال به بالا برای اولین بار در استان از تعداد افراد زیر بیست سال بیشتر شده است.

گروه سنی ۶۵ سال به بالا در حال حاضر ۲۰.۸ درصد جمعیت استان و رده سنی زیر ۲۰ سال ۲۰.۶ درصد جمعیت استان را تشکیل می‌دهند.

منبع: وبسایت شبکه خبری لودووار

در نیمه اول امسال ۵۸ هزار نفر به جمعیت استان اضافه شده است.

اصلی‌ترین عامل افزایش رشد جمعیت کبک، مهاجرت اعلام شده است.

موسسه آمار کبک در گزارش خود تصریح کرد که رشد فعلی جمعیت استان اساساً ناشی از مهاجرت بین‌المللی است. طبق همین گزارش، در سال ۲۰۲۱ در مجموع ۵۰ هزار و ۳۰۰ مهاجر دائمی در استان کبک مستقر شدند که تقریباً دو برابر بیشتر از آمار سال ۲۰۲۰ است. شمار مهاجران دائمی در استان کبک از ابتدای سال ۲۰۲۲ نیز به‌طور مستمر افزایش یافته است.

موسسه آمار کبک همچنین در گزارش خود خاطر نشان کرد که از نظر مهاجرت‌های بین استانی نیز کبک در سال ۲۰۲۱ آمار خوبی را ثبت کرده است. سال گذشته ۲۲۰۰ نفر استان کبک را ترک کرده و به دیگر استان‌ها یا سرزمین‌های کانادا مهاجرت کردند. این پایین‌ترین تلفات مهاجرت بین استانی است که کبک در سال‌های اخیر ثبت کرده است.

موسسه آمار کبک در گزارش خود همچنین اعلام



تازه‌ترین گزارشی که موسسه آمار کبک منتشر کرده، حاکی از آن است که تا اول ژوئیه امسال جمعیت استان زیبا به ۸.۷ میلیون نفر رسیده است.

آمار و ارقام نشان می‌دهد که رشد جمعیت کبک که در دوره همه‌گیری کووید ۱۹ کند شده بود، دوباره افزایش‌یافته و افزایش جمعیت استان در شش‌ماهه ابتدایی سال ۲۰۲۲ نه‌تنها به سطح پیش از پاندمی رسیده بلکه حتی اندکی نیز از آن فراتر رفته است. طبق همین داده‌ها که موسسه آمار کبک ISQ امروز پنجشنبه منتشر کرده است، جمعیت استان کبک تا اول ژوئیه امسال به ۸.۷ میلیون نفر رسید.

موسسه آمار کبک در گزارش جدید خود اعلام کرد جمعیت استان در سال گذشته ۵۸ هزار و ۶۰۰ نفر افزایش یافت این در حالی است که فقط

پیش‌بینی ۳۵ سانتیمتر برف در کبک: کریسمس سفید در راه است

برای ایام تعطیلات نیز «سالنامه کشاورزان» برای بسیاری از مناطق، کریسمس سفید را پیش‌بینی کرده و اعلام کرده است که اکثر مناطق کانادا از جمله جنوب انتاریو، جنوب استان کبک، پربی و جنوب بریتیش کلمبیا و همچنین شمال یوکان و سرزمین‌های شمال غرب در روز کریسمس شاهد بارش برف باشند یا این که دست‌کم بر روی زمین پوششی از برف داشته باشند.

شاید طی روزهای اخیر در بسیاری از مناطق کبک منظره‌ای که از پنجره خانه یا محل کار شما پیداست، یادآور روزهای پایانی پاییز باشد اما اگر عاشق تعطیلات برفی هستید اطمینان داشته باشید که طبق پیش‌بینی‌های بلندمدت هواشناسی، تا شروع فصل تعطیلات بسیاری از مناطق استان سفیدپوش خواهد شد. این‌حال، نباید انتظار بارش برف گسترده و سنگین مطابق با آنچه در فیلم‌ها را دیده‌اید، داشته باشید.

منبع: پایگاه اینترنتی نارسیتی

پیش‌بینی می‌شود نزدیک به ۳۵ سانتیمتر برف یا حتی بیشتر در گسپزی بیارد. این سامانه آب و هوایی قسمت‌هایی از به-سن-لوران و کوت-نورد را نیز تحت تأثیر قرار خواهد داد و در بخش‌هایی مثل ریموسکی و شمال سگنه تا ۱۵ سانتیمتر برف خواهد بارید. همچنین انتظار می‌رود بادهایی شدید با سرعت بیش از ۹۰ کیلومتر بر ساعت این بخش‌ها را درنوردد.

سازمان هواشناسی هشدار داد که ممکن است در برخی مناطق شعاع دید بسیار محدود شود و حتی گاهی به صفر برسد بنابراین رانندگان باید کاملاً محتاط باشند.

گفته می‌شود سامانه بارشی دیگری نیز از کلرادو به سمت استان کبک به حرکت درآمده که ممکن است کل استان کبک را تحت تأثیر قرار دهد.

مونترالی‌ها نیز احتمالاً از ۱۹ تا ۲۵ دسامبر شاهد بارش پراکنده و ملایم برف خواهند بود اما این بارش‌ها در روزهای بعد سنگین‌تر خواهد شد.



مثل همیشه امسال نیز دسامبر با سرما و برف برای کبکی‌ها آغاز شده است. پیش‌بینی‌های هواشناسی MétéoMédia حکایت از آن دارد که از ۱۲ تا ۱۸ دسامبر یک سامانه ساحلی مناطق شرقی کبک را تحت تأثیر قرار خواهد داد و بارش‌های قابل توجه و بادهای شدیدی که سرعت آن‌ها گاه از ۹۰ کیلومتر بر ساعت نیز فراتر می‌رود، به همراه خواهد آورد.

پیش‌بینی‌های متئومدیا نشان می‌دهد که بارش ملایم برف در استان کبک از روز دوشنبه آغاز خواهد شد اما از روز سه‌شنبه ۱۳ دسامبر این سامانه در شرق کبک تشدید خواهد شد و تا روز پنجشنبه ۱۵ دسامبر ادامه خواهد یافت.

در تجمع ایرانیان مونترال: طنابها را ببرید



فضاست و در ایران جوایز علمی متعددی کسب کرده حالا کمتر از یک سال است که به مونترال مهاجرت کرده. او از زاویه نگاه خودش به شرح اتفاقاتی که در حال حاضر در ایران در حال رخ دادن است پرداخت. پوریا گفت که همشهری و هم محله‌ای مجیدرضا رهنورد بود و اعدام او شوک بزرگی برایش بود. پوریا به شرایط دوستان معترضش در ایران و شکنجه و آسیب‌هایی که در اعتراضات به آنها تحمیل شده اشاره کرد و در پایان صحبت‌هایش با امیدواری گفت آزادی همیشه بوی خون می‌دهد! اما از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است و ما به آن دست خواهیم یافت. گفت‌وگوی او با خبرنگار هفته و بخش‌هایی از اجرای «ما پیروزیم» را در اینستاگرام و سایت هفته می‌توانید ببینید.

تماس مستقیم با یکی از معترضان داخل ایران برقرار کرد و او از حال و هوای این روزهای ایران گفت. همین‌طور یکی از هنرمندان به نام هادی بیگلی یک قطعه اپرا اجرا کرد. در بخش نهایی نیز گروه هنری «صبا مدیاز» به اجرای پرفورمنس خود به نام «ما پیروزیم» پرداختند. در پایان مراسم نیز یکی از داوطلبان طنابی که نماد طناب دار بود را پاره کرد. اما در حاشیه این مراسم خبرنگار هفته مصاحبه‌ای داشت با یک جوان خوش فکر از دانشجویان دانشگاه کنکور دیا. او آنقدر حرف و سخن نگفته داشت که نمی‌دانست از کجا و از چه چیزی بگوید تا بتواند حق مطلب این روزها و آنچه بر او و دوستانش در ایران می‌گذرد را ادا کند. پوریا که تحصیلاتش در زمینه علوم هوا و

پوریا: آزادی همیشه بوی خون می‌دهد! اما از رگ گردن به ما نزدیک‌تر است و ما به آن دست خواهیم یافت

شنبه ۱۷ دسامبر جمععی با عنوان «طنابها را ببرید» در اعتراض به خشونت و فشار حداکثری به جمهوری اسلامی برای توقف اعدام‌ها به همت گروه انجمن زنان، کمیته یادمان و تعدادی از فعالان مستقل در خیابان سنت کترین برگزار شد. به گزارش خبرنگار هفته، این رویداد در حالی که برف شدید می‌بارید و دمای هوا منفی ۳ درجه بود با حضور جمعی از ایرانیان مونترال، برای ایران و به خاطر همدلی با ایرانیان با استقبال رو به رو شد. در بخشی از این برنامه یکی از برنامه‌گذاران

ایرانیان تورنتو در واکنش به اعدام‌ها: ایران به خاطر این جوانان زنده است



خودشان را از این اعدام نشان دهند. از روز قبل این گروه با انتشار مطالبی در کانال تلگرامشان از شرکت کنندگان خواسته بودند که ۳ آهنگ برای، شروین حاجی پور، سوگند به عاشقان ایران، وای ایران را آماده داشته باشند تا بتوانند جمع یکدستی باشند. بنابراین در میدان دانداس هر سه آهنگ را اجرا کردند. در ادامه اسامی افرادی که در معرض اعدام هستند، خوانده شد بعد از هر اسم جمعیت یک صدا فریاد زنده باد سر می دادند.

شعار: Mahsa amini thought me women, life, lib- erty از جمله شعارهایی بود به انگلیسی فریاد شد به معنی: «مهسا امینی زن زندگی آزادی را به من آموخت». متن برخی از از پلاکاردهای تقاضای ائتلاف بود که در تجمع‌های قبلی دیده نمی‌شد. برنامه ساعت سه و نیم با طنین شعار- stop execu- tion و مرگ بر خامنه‌ای به پایان رسید.

غیرایرانی هم مشاهده می‌شد. در ادامه دو نفر از خانواده‌های جان‌باختگان هواپیمایی اوکراینی صحبت کردند و دوباره خواستار مطالبات و دادخواهی شدند که در قالب انجمن بارها از آن یاد کرده‌اند. رضا مریدی، وزیر علوم سابق انتاریو هم از تمامی اعضای جوانی که این گردهمایی‌ها را برگزار می‌کنند تشکر کرد و گفت ایران به خاطر تمام جوانانش زنده است. مریدی گفت ملت ایران به همت همین جوانان این حکومت ننگین را از بین خواهد برد. او همچنین در این تجمع خامنه‌ای را مخاطب قرار داد و گفت ۴۳ سال است مردم ایران را زجر داده‌اید دست از سر مردم ایران بردارید.

در تمام این تجمع شاهد طناب‌های دار و پرفورمنس‌هایی بودیم که افراد شرکت کننده و گروه عاشقان ایرانی تدارک دیده بودند تا انزجار

در اعتراض به اعدام محسن شکاری یکی از دستگیرشدگان اعتراضات در ایران، و صدور حکم‌های قریب‌الوقوع برای بسیاری از جوانان بی‌گناه در ایران، ۱۱ دسامبر ایرانیان در سراسر دنیا فراخوان عمومی برای حمایت و اعتراض به این اعمال غیرانسانی داده‌اند.

به گزارش هفته، در تورنتو هم با همکاری گروه عاشقان ایرانی که جمعی از جوانان مستقل از هر گروه و دسته‌ای هستند، تجمعی در میدان کوپینزپارک و در ادامه راهپیمایی تا میدان دانداس ساعت یک برگزار شد.

با وجود برف و هوای سرد این روزهای تورنتو جمعیت قابل توجهی در این تجمع شرکت کرده بودند. در میدان کوپینز پارک یکی از برگزارکنندگان با خواندن مطالبی به زبان انگلیسی به شرح اتفاقی‌هایی پرداخت که بر سر جوانان ایرانی آمده. در جمعیت تعداد زیادی

پگاه نیکی

جشنواره سینما دیاسپورا در تورنتو پژواک صدای سینماگران جوان ایرانی در کانادا

چقدر می‌تواند به این خیزش سراسری در ایران کمک کند گفت: به دلیل اینکه پروسه تولید فیلم، پروسه‌ای زمان‌بر است این فیلم‌ها مشخصاً به مسائل الان ایران ربط ندارد اما در مورد مسائلی است که باعث پایه‌های تشکیل این خیزش شده‌اند.

آتوسا مشعشعی، فیلم‌ساز که در این جشنواره هم با فیلم «مردان واجد شرایط» شرکت کرده بود در مورد دغدغه‌های خودش به‌عنوان یک فیلم‌ساز زن گفت و اشاره کرد که فیلمش تنها یک انعکاس کوچک از این سرکوب‌هاست. برای دیدن فیلم آتوسا می‌توانید به لینک زیر (در سایت هفته) مراجعه کنید:

<https://vimeo.com/739752185>

www.diasporafilmfest.com

اختصاص داده شده است. او با این توضیح که جشنواره هرساله هفته اول نوامبر برگزار می‌شود، گفت: امسال به خاطر این تغییرات و انتخاب فیلم‌ها با یک ماه تأخیر برگزار شده‌اند.

در بخش دیگر با مصطفی عزیزی، خبرنگار و عضو کانون فیلم‌سازان مستقل ایران صحبت کردیم. اکران فیلم‌های سینماگران ایرانی پیشنهاد عزیزی بوده. او می‌گوید امسال بعد از اینکه سینماگران جوان ایرانی جشنواره فیلم کوتاه را به خاطر اتفاقات ایران تحریم کردند، ما فکر کردیم بهتر است در فضایی دیگر فیلم‌های این افراد نمایش داده شود که با وجود سختی ارسال به دلایل مشکلات اینترنتی موفق شدیم برخی از آن‌ها را برای اکران آماده کنیم.

او در پاسخ به این سؤال که اکران این فیلم‌ها



بیست و دومین سالگرد جشنواره دیاسپورا امسال در شهر تورنتو با محوریت سینمای ایران از ۱۰ تا ۱۴ دسامبر برگزار شد.

به گزارش هفته، این جشنواره که هرسال (به‌غیر از سال‌های کووید) برگزار شده به اکران فیلم‌هایی می‌پردازد که حول محور مهاجرت و هم‌نشینی فرهنگ‌ها با یکدیگر است.

به گفته شهرام تابع محمدی، مدیر جشنواره دیاسپورا این جشنواره بین‌المللی هرساله از سراسر دنیا فیلم‌هایی را دریافت می‌کند اما به خاطر خیزش سراسری که در ایران در جریان است فیلم‌های امسال جشنواره به سینمای ایران

باهمستان؛ اتاوا

سپیده صالحی

سه روز تحصن در برابر پارلمان در سرمای زیر صفر اتاوا برای ایران



میزبانی و استقبال ایرانیان اتاوا همراه بود. لازم به ذکر است که این رویداد در رسانه‌های کانادایی و فارسی‌زبان بازتاب گسترده‌ای داشت. منبع عکس‌ها: صفحه جنبش و همبستگی «زن، زندگی، آزادی» در مونترال

شدید در اتاوا مقابل پارلمان کانادا به تحصن و اعتصاب غذا پرداختند و امروز ۱۷ دسامبر به‌عنوان روز پایانی همان‌جا تجمع کردند.

گفتنی است این برنامه در اعتراض به سرکوب اعتراضات و احکام اعدام اخیر در ایران و همین‌طور اعتراض به بی‌عملی جامعه جهانی در برابر جنایات جمهوری اسلامی شکل گرفت و با همراهی،

جمعی از ایرانیان مونترال از تاریخ ۱۵ تا ۱۷ دسامبر به اتاوا رفتند و در مقابل پارلمان کانادا دست به اعتصاب غذا، تحصن و تجمع زدند.

به گزارش هفته، جمعی از ایرانیان مونترال در پی فراخوان جنبش و همبستگی «زن، زندگی، آزادی» سه روز گذشته را با وجود برف و سرمای



کانون «هنرمندان ایرانی فیلم و تئاتر، برون مرز» تشکیل شد؛ هدف: حمایت از حقوق هنرمندان معترض

هنری و آکادمیک در سراسر جهان با نهادهای حکومتی جمهوری اسلامی، فشارهای گسترده‌ی بین‌المللی به جمهوری اسلامی برای توقف سریع صدور احکام اعدام و پاسخگو بودن نسبت به جنایات غیرانسانی‌اش» برشمرده‌اند.

در این نخستین بیانیه‌ی کانون همچنین اسامی برخی از هنرمندان بازداشتی و زندانی حوزه‌ی تئاتر و فیلم چنین ذکر شده است: حسین اسماعیلی (حوزه‌ی تئاتر)، علیرضا ایزدی (فیلم‌ساز)، علی‌رضا ایزدی (حوزه‌ی تئاتر)، مژگان اینانلو (مستندساز)، سمیرامیس بابایی (حوزه‌ی تئاتر)، الهه بایرامیان (حوزه‌ی تئاتر)، امیرحسین بریمانی (فیلم‌ساز)، جعفر پناهی (فیلم‌ساز)، فاطمه حبیبی (بازیگر تئاتر)، کیوان حسینی (حوزه‌ی تئاتر)، سید محمد حسینی (سازنده کلیپ)، مهدی حسینی (حوزه‌ی تئاتر)، نوشین جعفری (عکاس)، حسام حسن‌آبادی (فیلم‌پرداز)، بهنام حیدری (حوزه‌ی تئاتر)، سیاوش خادم‌حسینی (بازیگر)، آزاده دهقانی (فیلم‌ساز و انیماتور)، مهدخت رحمانی (حوزه‌ی تئاتر)، امیرعلی رحمتی (حوزه‌ی تئاتر)، امیرحسین رحیمی (حوزه‌ی تئاتر)، محمد رسول‌اف (فیلم‌ساز)، محمد رزایان (مستندساز)، محمد رضانی (عکاس)، فرامرز رضانیان (فیلم‌ساز)، پوریا رنجبر (حوزه‌ی تئاتر)، فرهنگ روشنی (کارگردان تئاتر)، محمد زارعی (نمایشنامه‌نویس)، محمد ساجدی (حوزه‌ی تئاتر)، کرم‌الله سلیمانی (نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر)، کریم سلیمانی (نمایشنامه‌نویس و کارگردان تئاتر)، شیوا شعبانی (سینماگر)، دانیال صفدری (حوزه‌ی تئاتر)، شیرین صمدی (هنرمند حوزه تئاتر و مجری سابق تلویزیون)، ترانه عبداللهی (دانشجوی تئاتر)، علیرضا عموزاده (حوزه‌ی تئاتر)، سجاد فتاح‌پور (حوزه‌ی تئاتر)، عادل کریمی (فیلم‌ساز)، توماج نورائی (سینماگر)، علی یزدالی (حوزه‌ی تئاتر) و نیک یوسفی (فیلم‌ساز).

لیست کامل امضاکنندگان بیانیه روی سایت «هفته» موجود است.

اعتراض کرده‌اند تا آن‌جا که برخی از آن‌ها زندانی و شماری دیگر تحت فشار مداوم ناچار به سکوت شده‌اند، نوشته‌اند: «دشمنی جمهوری اسلامی با هنرمندان مستقل و مستندسازی جنایاتش به حدی است که شیرین عزیزاده و غزاله چلاوی را در حین ثبت تصویری خشونت حکومتی در خیابان با شلیک مستقیم گلوله به قتل می‌رساند. در میان نام‌های بیش از ۴۵۰ نفر کشته‌شده به نام سپهر شریفی (فیلم‌پرداز) نیز برمی‌خوریم که در حین اعتراضات خیابانی به قتل رسیده است. تاکنون بیش از ۱۸۰۰۰ نفر از معترضین، از جمله تعدادی از هنرمندان تئاتر و سینما در جریان این جنبش انقلابی بازداشت شده‌اند. بسیاری از هنرمندان مورد بازجویی قرار گرفته‌اند، بسیاری از آن‌ها با قرار وثیقه‌های سنگین به صورت موقت آزاد شده‌اند و منتظر برگزاری دادگاه هستند و یا برای مدت نامعلومی ممنوع‌الخروج و ممنوع‌الکار شده‌اند. همچنین برای حسین محمدی، بازیگر ۲۶ ساله‌ی تئاتر حکم اعدام صادر شده است.» گفتنی است، مانیا اکبری (هنرمند، فیلم‌ساز)، محمدعلی بهبودی (بازیگر، کارگردان)، نیلوفر بیضایی (نمایشنامه‌نویس، کارگردان تئاتر)، مهران تمدن (فیلم‌ساز)، عاطفه خادم‌الرضا (فیلم‌ساز)، حسین خندان (نویسنده، فیلم‌ساز)، دیدار رزاقی شیرازی (بازیگر، کارگردان)، مازیار رزاقی (صدابردار)، سحر سلحشوری (فیلم‌ساز)، محمدرضا شمس (فیلم‌ساز، آکادمیک)، کاوه عباسیان (فیلم‌ساز، آکادمیک)، شبنم فرشادجو (بازیگر)، یعقوب کشاورز (نویسنده، کارگردان)، آیدا کیخایی (بازیگر، کارگردان)، سودابه مرادیان (فیلم‌ساز)، کامران ملک‌مطیعی (بازیگر) و محمد یعقوبی (نمایشنامه‌نویس، کارگردان تئاتر) ۱۷ هنرمندی‌اند که این کانون را بنیان گذاشته‌اند.

امضاءکنندگان بیانیه هم که شمارشان به بیش از ۱۰۰ تن می‌رسد، خواسته‌های خود را «آزادی هر چه سریع‌تر تمامی زندانیان سیاسی و هنرمندان در بند، قطع همکاری هنرمندان تئاتر و فیلم با دستگاه‌های امنیتی حکومت و سپاه، قطع هرگونه همکاری فستیوال‌ها، مؤسسات فرهنگی و نهادهای

بخشی از هنرمندان فعال در عرصه‌ی تئاتر و سینما با انتشار بیانیه‌ای تشکیل کانون «هنرمندان ایرانی فیلم و تئاتر، برون مرز» برای حمایت از حقوق زندانیان سیاسی، هنرمندان معترض تحت فشار، آسیب‌دیده و زندانی تئاتر و فیلم را اعلام کردند.

به پایه‌ی این بیانیه که نسخه‌ای از آن به «هفته» رسیده است، این هنرمندان راهکار خود برای چنین حمایتی را این‌گونه عنوان داشته‌اند: «ما برای جلب حمایت گسترده‌تر هنرمندان تئاتر و فیلم جهان از جنبش انقلابی، تلاش می‌کنیم تا با روشنگری درباره‌ی سیاست‌های تبلیغاتی جمهوری اسلامی در فستیوال‌ها و مجامع هنری جهانی، از حضور و نفوذ نهادهای حکومتی جمهوری اسلامی جلوگیری کرده و حامی هنرمندان مستقل باشیم. ما برای اعتراض به خشونت دولتی نهادینه‌شده، زن‌ستیزی، انواع تبعیض و نقض حقوق شهروندی در کنار هم ایستاده‌ایم و خود را متعهد می‌دانیم تا تحقق آرمان‌های مشترکمان «آزادی و برابری» بازتاب‌دهنده‌ی صدای مردم باشیم.»

بنیان این کانون که به علت نبود امنیت لازم برای زندگی و کار خلاقه ناچار به ترک ایران شده‌اند و در کشورهای گوناگون زندگی و کار می‌کنند، درباره وضعیت امروز در ایران چنین نوشته‌اند: «دستگیری‌های گسترده‌ی هزاران تن از معترضان، اعدام دو تن از معترضین به نام‌های محسن شکاری و مجیدرضا رهنورد در روزهای اخیر، صدور حکم اعدام برای تعداد دیگری از زندانیان سیاسی، تیراندازی مستقیم به مردم، دستگیری و قتل کودکان زیر هجده سال، تجاوز جنسی به برخی از زندانیان و معترضان در تهران و شهرهای دیگر ایران و تحت فشار قرار دادن خانواده‌های قربانیان، نشان از تداوم رویه‌ی چهل‌وسه‌ساله‌ی حکومت اسلامی در سرکوب دارد.» این هنرمندان برون‌مرز با اشاره به بخشی از هنرمندان تئاتر و فیلم در ایران که هم‌صدا با مردم حجاب خود را کنار گذاشته‌اند و علناً به سرکوب و کشتار رژیم

عبدالله صفوی
مشاور مالی
بیمه و سرمایه‌گذاری

مشاوره رایگان
امروز تماس بگیرید
(514) 467-8491

بیمه عمر، از کار افتادگی
بیماری‌های خاص و...
پس انداز تحصیلی
برنامه‌ریزی بازنشستگی و...
بیمه مسافرتی و سوپرویزا

ABDOLLAH SAFAVI
Financial Security Advisor
Office:
(514) 931-4242 ext. 2567
abdollah.safavi@canadalife.com
www.safavifinancial.com

scan me for
free ebook!




Sahar Samadaei
Courtier immobilier résidentiel
sahar.samadaei@gmail.com
Cell: 514.625.2525

سحر صمدایی
مشاور رسمی املاک مسکونی
موتترال

- مهندس فارغ التحصیل دانشکده فنی دانشگاه تهران
- مسلط به زبان فرانسه
- اخذ وام بانکی و همراه شما در تمامی مراحل خرید و فروش
- ارزیابی رایگان ملک شما
- مشاوره سرمایه‌گذاری املاک در آمریکا

L'AGENCE IMMOBILIERE INC.
Real Estate Agency
550 - 1 Pl. du Commerce,
Be-des-Coeurs, Quebec H0E 1A1

cin L'Agence



EQUIPE
AMY ASSAAD
QUALITY IMMIGRATION AGENTS | QUALIFIED REAL ESTATE BROKERS

مشاوره تخصصی انواع ملک، با ۲۷ عضو مسلط به ۱۸ زبان
خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی و تجاری و درآمدزا
اخذ وام مسکونی و تجاری از بانکها و موسسات مالی

**10% PREMIER DES COURTIERS
AU CANADA**
AVEC NOTRE L'EPAGE
در زمره ۱۰٪ مشاورین برتر املاک در کانادا

AMYASSAAD.CA

امی اسد
مانیا نیازی

AMY ASSAAD
INFO@AMYASSAAD.CA
514 884 8000

MANYA NIAZI
MANYA@AMYASSAAD.CA
514 222 2293



AMY ASSAAD INC. 1465 AV. 381KUR, MONTRÉAL, H3H 5C4 | ROYAL LEPAGE DU QUARTIER - AGENCE IMMOBILIERE

Sutton

مینو اسلامی
مشاور املاک در موتترال بزرگ
مسکونی و تجاری

- تهیه وام مسکن برای دانشجویان و تازه واردان
- مشاوره و ارزیابی رایگان
- همکاری با یک تیم متخصصان حقوقی و بازرسی فنی و تهیه وام

Minoo Eslami Real estate broker
meslami@sutton.com
514 967 5743



پگاه شریفی

عمر کوتاه جمهوری اسلامی در کمیسیون مقام زن سازمان ملل
عضویت با رأی پنهان، اخراج با اکثریت آرا
هفته بررسی کرد: نقش کانادا در اخراج ج.ا. از کمیسیون مقام زن



پرونده
هفته

اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد را هفته گذشته (۱۴ دسامبر) هیچ رسانه‌ای فراموش نکرد. تصمیم به اخراج به دنبال درخواست و پیش‌نویس قطعنامه‌ای بود که آمریکا تنظیم کرده بود و در طی آن تأکید بر این داشت که «جمهوری اسلامی به خاطر نقض گسترده و سیستماتیک حقوق زنان ایران، نباید در این کمیسیون عضویت داشته باشد.»

کشورهای بریتانیا، نیوزیلند، آلبانی، پاناما، آمریکا، استرالیا، کانادا، گواتمالا، مقدونیه شمالی، لیبریا و اسرائیل از جمله طرفداران این طرح و روسیه، ونزوئلا، چین و سوریه، بولیوی، قزاقستان، عمان و نیجریه از مخالفان اخراج ایران بودند و هر دو گروه در این باره سخنرانی داشتند اما در نهایت و بر اساس گزارش وبسایت سازمان ملل متحد، از ۵۴ کشور عضو این شورا، ۲۹ کشور موافق اخراج ایران، هشت کشور مخالف و ۱۸ کشور هم رأی ممتنع دادند.

در پرونده پیش رو ضمن بررسی این موضوع نگاهی داریم به چگونگی پیوستن پرسروصدای جمهوری اسلامی به کمیسیون مقام زن سازمان ملل؛ تلاش دولتمردان کانادایی در اخراج ایران، انعکاس این خبر در میان ایرانیان و... حاشیه‌هایی که بعد از آن به وجود آمد.

مدت چهار سال (مانند دیگر کشورها) عضویتش را حفظ می‌کند اما با شدت گرفتن اعتراضات و روبرو شدن دنیا با رفتاری که حکومت با مردمش و خصوصاً زنان دارد؛ راهی نماند جز تصمیم‌گیری دوباره و کوتاه شدن عمر عضویت در کمیسیونی که یک سال و نیم بیشتر، ادامه نداشت.

جمهوری اسلامی در «کمیسیون مقام زن» چه کرد؟

«خدیجه کریمی» مدیرکل امور بین‌الملل معاونت ریاست جمهوری در امور زنان و خانواده است. کسی که در نشست کمیسیون مقام زن سازمان ملل، در دفاع از ایران هم سخنرانی داشت و البته یک برگ از سخنرانی‌اش را گم کرد و فیلم این صحنه بسیار پر بازدید شد.

کریمی اوایل امسال در مصاحبه‌ای با یکی از رسانه‌های دولتی به موفقیت چشم‌گیر جمهوری اسلامی ایران در انتخابات این کمیسیون اشاره می‌کند و می‌گوید: «برخلاف باور و تمایل بسیاری از کشورهای هم‌جهت با سیاست‌های غربی، به عضویت چهارساله در این نهاد دست پیدا کردیم و بلاشک فرصت مغتنمی در اختیار داریم تا به شکل پویا مواضع بر حق نظام در مسئله زن و خانواده را در عرصه جهانی، مطرح نماییم.»

اتحادیه اروپا خواستند که عضویت ایران را محکوم کنند.

هیلل نویر، حتی خواهان علنی شدن آرای کشورها شد؛ چراکه، رأی‌گیری به شکل مخفی و کاغذی بوده است و با توجه به ۴۳ رأی از ۵۴ کشور عضو که جمهوری اسلامی آورده بود تنها یازده کشور به آن‌ها رأی نداده بودند.

این موضوع نشان می‌داد که از ۱۵ کشور اروپایی و غربی؛ حدود چهار کشور باید از عضویت این رژیم حمایت کرده باشد.

سازمان دیدبان سازمان ملل درخواست داشت تا مشخص شود؛ استرالیا، اتریش، بلغارستان، کانادا، فنلاند، فرانسه، آلمان، لتونی، لوگزامبورگ، هلند، نروژ، سوئیس، پرتغال، بریتانیا و آمریکا، رأی‌شان چه بوده است.

مسیح علی‌نژاد، روزنامه‌نگار و فعال حقوق زنان رأی به عضویت جمهوری اسلامی را همبستگی و همدستی با یک حکومت داعشی و عملی شرم‌آور دانست.

البته اشاره به این نکته هم بد نیست که در همان دوره، رأی‌هایی که به ایران داده شد (۴۳ رأی)؛ از چین (۴۸ رأی) و پاکستان (۵۰ رأی) کمتر بود. با همه این‌ها جمهوری اسلامی، آوریل سال ۲۰۲۱، به این کمیسیون وارد شد با این ذهنیت که به

هیلل نویر کانادایی: عضویت ج.ا. در کمیسیون مقام زن، روزی سیاه برای حقوق بشر!

اما چطور جمهوری اسلامی با توجه به پیشینه‌ای که در زمینه حقوق زنان داشت توانست عضو کمیسیون مقام زن شود؟ این موضوع از ابتدا مورد سؤال، تعجب، اعتراض و حتی خشم بسیاری از فعالان اجتماعی و حقوق زنان شد، آن هم در حالی که گزارشگر ویژه سازمان ملل، دو ماه پیش از این تصمیم نه‌تنها از رفتار جمهوری اسلامی با زنان ابراز نگرانی کرده بود که در گزارش خود آورده بود: «در ایران با زنان مانند شهروندان درجه‌دو رفتار می‌شود.»

هیلل نویر، مدیر اجرایی «دیده‌بان سازمان ملل متحد»، که یک وکیل بین‌المللی و فعال حقوق بشر کانادایی است، همان زمان، انتخاب جمهوری اسلامی را از نظر اخلاقی غیرقابل قبول و چنین روزی را، روزی سیاه برای حقوق زنان و حقوق بشر دانست.

او فهرست بلند بالایی از اسامی زنان در بند جمهوری اسلامی را مطرح و پرسید: «چرا سازمان ملل یکی از بدترین ستمگران به زنان را به‌عنوان قاضی و نگهبان برابری جنسیتی و توانمندسازی زنان انتخاب کرده است؟» و از سفیر آمریکا و

او عضویت جمهوری اسلامی در این کمیسیون، را فرصتی برای ارائه دستاوردها و ابتکارات کشور در حوزه زنان و خانواده و «البته» مقابله با سیاه‌نمایی‌های رسانه‌ای برای نظام مقدس جمهوری اسلامی می‌داند.

کریمی همچنین به تشریح حضور انسیه خزعلی، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده در این کمیسیون هم می‌پردازد و درباره فعالیت‌های او - که این روزها خصوصاً برای ایرانیان کانادا نامی آشنا شده - مواردی را مطرح می‌کند، از جمله اینک:

- هیئت عالی‌رتبه کشورمان به ریاست انسیه خزعلی، معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، با حضور فعال در هفته اول اجلاس با ارائه سخنرانی‌ها و انجام ملاقات‌های متعدد در سطح عالی موفقیت ارزشمندی را برای نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران رقم زدند.

- در ملاقات‌ها ایشان به تشریح پیشرفت‌ها و دستاوردهای جمهوری اسلامی در عرصه توانمندسازی زنان و خانواده، و برخی چالش‌های موجود به‌ویژه آثار و تبعات منفی تحریم‌های غیرقانونی و یک‌جانبه پرداختند. در این ملاقات‌ها در خصوص طرح ابتکاری معاونت امور زنان و خانواده تحت عنوان «نقش زنان در مبارزه با فساد» ریزنی‌های لازم توسط هیئت کشور صورت پذیرفت.

- دکتر خزعلی همچنین در ملاقات با ایرانیان، ضمن تشریح عزم و سیاست دولت نسبت به تسهیل تردد ایرانیان و تقویت ارتباطات با ایرانیان مقیم خارج از کشور، حل مشکلات ایشان را از موارد در دستور کار دولت برشمردند.

مواردی که نشان می‌دهد، گروه نماینده جمهوری اسلامی بیشتر از همه بر ارائه دستاوردها و موفقیت‌هایش در زمینه زنان، تمرکز داشته تا همکاری و یا تغییر سیاست‌ها بر اساس تصمیم‌گیری‌هایی که در کمیسیون‌ها می‌شود.

جمهوری اسلامی؛ چگونه اخراج شد؟! بی‌اعتباری کمیسیون مقام زن با جمهوری اسلامی

عضویت پرسروصدا و اما و اگر دار جمهوری اسلامی در کمیسیون مقام زن سازمان ملل، با کشته شدن مهسا امینی، دور تازه سرکوب‌های شدید و تصاویر تکان‌دهنده از رفتار با معترضان و البته «زنان» و کشتن کودکان؛ موجب شد تا در اکتبر سال جاری؛ «دیدهبان سازمان ملل متحد»؛ که از ابتدا مخالف سرسخت حضور جمهوری اسلامی در این کمیسیون بود؛ پیش‌نویس قطعنامه‌ای را تهیه و خواستار اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن شد.

همچنین گروهی از زنان شناخته‌شده ایرانی و غیر ایرانی، هم ضمن فعالیت در این زمینه و طی

نامه‌ای همین موضوع را مطرح کردند: «به دلیل سابقه هولناک جمهوری اسلامی در نقض حقوق زنان و با توجه به پافشاری حکومت در سرکوب وحشیانه معترضان، اصرار داریم که عضویت ایران در کمیسیون مقام زن لغو شود. این کمیسیون در هر روزی که جمهوری اسلامی عضو آن است اعتبار خود را از دست می‌دهد.»

ملانی جولی (وزیر امور خارجه کانادا)، شیرین عبادی (حقوق‌دان و کنشگر حقوق بشر) ملاله یوسف‌زی (فعال حقوق بشر و حقوق کودکان)؛ نادیا مراد (برنده جایزه صلح نوبل) و هیلاری کلینتون، میشل اوباما، لورا بوش (بانوان اول سابق آمریکا) از جمله کسانی بودند که امضای خود را پای این نامه زده بودند.

علاوه بر این، سیزده نهاد حقوق بشری هم، طی بیانیه‌ای مشترک که به شورای اقتصادی اجتماعی سازمان ملل نوشته شده بود، همین درخواست را مطرح کردند.

در بیانیه آن‌ها می‌خوانیم: «لغو عضویت جمهوری اسلامی به ایرانیان این پیام را می‌دهد که جامعه بین‌الملل بستری برای جمهوری اسلامی؛ فراهم نمی‌کند تا نگرش‌های ضد حقوق بشری خود را به‌طور بی‌شرم‌آورانه‌ای ترویج و سابقه ضعیف حقوق بشری خود را پنهان کند.»

مرکز اسناد حقوق بشر ایران، بنیاد عبدالرحمن برومند، کمپین فعالان بلوچ، انجمن حقوق بشر



خدیجه کریمی، مبارزه با سیاه‌نمایی علیه جمهوری اسلامی و ارائه مواضع بر حق نظام در مورد مسئله زن و خانواده را از اهداف حضور در این کمیسیون اعلام کرده بود

انتخاب شما از ابتدا، عملی شنیع بود؛ دکتر هیلن نویر؛ وکیل بین‌المللی و فعال حقوق بشر کانادایی و از اولین کسانی که به عضویت جمهوری اسلامی در کمیسیون مقام زن، شدیداً تاخته بود؛ در روز رأی‌گیری برای ماندن و یا اخراج ایران از کمیسیون با خطاب دادن رهبر جمهوری اسلامی در توئیتر و انتشار این عکس از او؛ نوشت: «امروز قرار است شما را از کمیسیون حقوق زنان سازمان ملل اخراج کنیم؛ هر چند از ابتدا هم انتخاب شما عملی شنیع بود. قدم بعدی هم استواری جهان آزاد است برای کمک به ایرانیان و پایان دادن به رژیم شما که کودککش و شکنجه‌گر زنان است.»

- نماینده گواتمالا: نابرابری و تبعیض جنسیتی علیه زنان و دختران در چارچوب حقوقی و قانونی ایران ادامه دارد. جمهوری اسلامی در این زمان استحقاق عضویت در کمیسیون مقام زن سازمان ملل را ندارد.
- نماینده مقدونیه شمالی: هزاران نفر دستگیر شده‌اند و این انقلاب زنان در ایران همه گروه‌های قومی و اقشار جامعه را در برمی‌گیرد. جمهوری اسلامی هر کاری که بتواند علیه زنان و معترضان انجام می‌دهد. کمترین کاری که ما می‌توانیم بکنیم جلوگیری از این سوءاستفاده از قدرت است.
- نماینده پاناما: امیدواریم تصمیم امروز نه تنها به حقوق زنان در ایران بلکه به حقوق زنان در کشورهای دیگر کمک کند.
- نماینده آلبانی: در این ماه‌ها جمهوری اسلامی کاملاً مخالف ذات و ارزش‌های کمیسیون مقام زن سازمان ملل عمل کرده است.
- نماینده نیوزیلند: دیگر درست نیست؛ جمهوری اسلامی عضو کمیسیون مقام زن سازمان ملل باشد.
- نماینده سوریه: اخراج جمهوری اسلامی، سابقه خطرناکی برای این نهاد خواهد بود.
- نماینده روسیه: این جلسه برای چه تشکیل شده است؟ پاسخ آن این است که آمریکا و برخی اعضای دیگر که خود ناقض حقوق بشر هستند،

جمهوری اسلامی با تظاهرکنندگان و خبرنگاران در ایران با خشونت رفتار کرد. مقامات ایرانی معترضان و ازجمله آن‌ها زنان در این کشور را به مجازات اعدام تهدید می‌کنند. این فرصت ما برای حمایت از زنان ایران است. رژیم ایران به ترفندهای پلیدی برای فرار از پاسخگو شدن متوسل می‌شود. عضویت ایران لکه ننگی بر اعتبار این کمیسیون است. بیا بید برای «زن زندگی آزادی»، جمهوری اسلامی را از کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد اخراج کنیم.

- گیلاد اردان، نماینده اسرائیل: رژیم جمهوری اسلامی اعمال وحشیانه‌ای علیه مخالفان و معترضان انجام می‌دهد، هرکسی که به قطعنامه اخراج ایران از کمیسیون مقام زن سازمان ملل رأی مثبت ندهد شریک جرم این رژیم قاتل است.
- باربار وودوارد، نماینده بریتانیا: مردم ایران از زمان کشته‌شدن مهسا امینی پیام روشنی داشته‌اند که دیگر سرکوب و خشونت حکومت را تحمل نخواهند کرد. جمهوری اسلامی شروع به اعدام افراد کرده تنها به این دلیل که حق خود را فریاد زدند.
- میچ فیفیلد، نماینده استرالیا: ادامه عضویت حکومت ایران که از خشونت جنسی به‌عنوان سلاحی علیه معترضان استفاده کرده و آشکارا حقوق زنان را نقض و نادیده می‌گیرد در کمیسیون مقام زن سازمان ملل غیرقابل قبول است.

کردستان و سازمان حقوق بشری کردپا و بنیاد سیامک پورزند (روزنامه‌نگار ایرانی که مدت‌ها در خانه خودش زندانی بود و نهایتاً گفته شد که خودکشی کرده)، ازجمله این نهادها بودند.

فریاد دادخواهی زنان از پشت میله‌های زندان

گروه دیگری که درخواست اخراج جمهوری اسلامی را از عضویت در کمیسیون حقوق زنان داشتند، عبارت بودند از صبا کردافشاری (فعال مدنی و از مخالفان حجاب اجباری)، عالیه مطلبزاده (عکاس، روزنامه‌نگار و فعال حقوق بشر)، بهاره هدایت (فعال سیاسی)، سپیده قلیان (فعال مدنی)، گلرخ ایرایی (فعال مدنی) و نرگس محمدی (فعال حقوق بشر)، زنانی که از پشت میله زندان‌های جمهوری اسلامی؛ خواهان اخراج نماینده این رژیم شده بودند.

اخراج جمهوری اسلامی، سنتی خطرناک یا شراکت با رژیمی قاتل؟

درنهایت ماندن و یا اخراج جمهوری اسلامی در روزهایی که داشت با بزرگ‌ترین و طولانی‌مدت‌ترین اعتراضات دست و پنجه نرم می‌کرد؛ به رأی گذاشته شد و موافقان و مخالفان فرصت یافتند تا دلایل خود را مطرح کنند.

- لیندا توماس گرین‌فیلد، نماینده آمریکا: رژیم



گروهی از زنان شناخته‌شده ایرانی و غیرایرانی خواستار اخراج جمهوری اسلامی شدند



دور تازه سرکوب‌های وحشیانه و کشتن کودکان بحث اخراج جمهوری اسلامی را داغ کرد

را «آپارتاید و اشغالگر» و کانادا را متهم به «نقض حقوق بومیان» کرد.

همه‌اش زیر سر خارجی‌هاست از اعتراض ایرانیان تا کشتن مردم

خارجی‌ها باعث اغتشاش، حملات تروریستی و کشتن ایرانی‌ها شده‌اند. این خلاصه‌ای از سخنرانی خدیجه کریمی در دفاع از عملکرد نظام بود. او همچنین شورای حقوق بشر را مورد سوءاستفاده گروهی از دولت‌های سرکش دانست و ابراز نگرانی از وضعیت حقوق بشر در ایران و برگزاری جلسه ویژه را عملی فریبنده و کلاهبرداری توصیف کرد. او گریزی به زمان جنگ ایران و عراق، زد و دولت آلمان را مسئول کشتن ۱۳ هزار شهروند ایرانی با سلاح‌های شیمیایی برشمرد. کریمی عملکرد کشورهای غربی را باعث تحریک احساسات و عواطف عمومی مردم در مورد «حادثه تأسف‌بار درگذشت دختر جوان ایرانی به نام مهسا (ژینا) امینی» - نقل از عبارات به‌کاربرده - دانست که باعث اغتشاش و حملات تروریستی در کشور شده است.

او همچنین شبکه‌های فارسی‌زبان مستقر در انگلیس و آمریکا را باعث کشته شدن ده‌ها و زخمی شدن صدها مأمور ایرانی و تخریب هزاران فقره از اموال عمومی و املاک شخصی دانست ولی در نهایت تصریح کرد «ملت ایران با حضور در صحنه، دشمنان انقلاب را نا امید کردند.»

آمریکا، زندان زنان است... و در نهایت انسبیه خزعلی معاون امور زنان و خانواده رئیس‌جمهوری،

دست ندادن عضویت در این کمیسیون خبر داد. آرزویی که محقق نشد و خشم مقامات جمهوری اسلامی را به همراه داشت.

امیر سعید ایروانی، سفير و نماینده دائم جمهوری اسلامی ایران در سازمان ملل متحد؛ این تصمیم‌گیری را ناشی از «سیاست‌های خصمانه آمریکا و شرکایش» دانست که بارها تلاش کرده‌اند از طریق کودتا دولت‌های مشروع را سرنگون و دولت‌های دست‌نشانده خود را به روی کار بیاورند و چون جمهوری اسلامی تسلیم سیاست‌های مستکبرانه آن‌ها نمی‌شود؛ از سیاست‌های فشار حداکثری و تحریم‌های ظالمانه مانند تحریم دارو؛ استفاده می‌کنند.

او تلاش برای اخراج از نهادها را، سیاست این کشورها دانست که می‌خواهند جلوی پیشرفت زنان و دختران را بگیرند. ایروانی؛ انتخاب جمهوری اسلامی برای این کمیسیون را بر اساس یک انتخابات دموکراتیک دانست و درخواست اخراج را عملی انتقام جویانه، براساس ادعاهای بی‌پایه و اساس تحلیل کرد.

ایروانی، مانند همیشه در حمایت از حقوق مردم ایران، به درد و رنج مردم فلسطین هم که تحت اشغال اسرائیل هستند؛ اشاره و از کشورها تقاضا کرد؛ با اخراج ایران مخالفت کنند.

نماینده جمهوری اسلامی؛ نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی را مبتنی بر «ادعاهای بی‌مبنا و ساختگی» و خودشان را متعهد به حقوق زنان دانست.

ایروانی رویدادهای اخیر ایران را از مصادیق «حق اعتراض مسالمت‌آمیز» دانست و حکومت اسرائیل

در تلاش هستند که یک کشور مستقل و دارای حاکمیت را از کمیسیون مقام زن حذف کنند.

• نماینده پاکستان: هیچ قانونی برای اخراج اعضا وجود ندارد. او گفت که عضویت ایران با رأی اعضای همین شورا در سال ۲۰۲۱ و برای یک دوره چهارساله بوده و نباید اکنون به پایان برسد.

• نماینده برزیل: وضعیت زنان و دختران در ایران موضوعی موردتوجه جامعه بین‌الملل است اما اخراج یک کشور از چنین کمیسیونی سابقه ندارد و در طرح پیشنهادی آمریکا هم مشخص نیست که اخراج ایران چه طور کمکی به بهبود وضعیت می‌کند.

• نماینده ونزوئلا: این کار، به «سنتی خطرناک» تبدیل و چنین کاری، به تضعیف نهادهای بین‌المللی منجر خواهد شد.

واکنش جمهوری اسلامی به اخراج از کمیسیون مقام زن:

به درد و رنج مردم فلسطین فکر کنید!

جمهوری اسلامی، با وجود اینکه، پیش‌بینی می‌کرد با توجه به شرایط امکان حذفش بسیار بیشتر از ماندنش باشد، دست به تلاش‌های زیادی زد تا جلوی رأی‌گیری را از راه‌های غیرمستقیم بگیرد.

نامه‌نگاری با اعضای شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد؛ تماس تلفنی با رئیس کمیسیون مقام زن، ارسال نامه به اعضای کنونی کمیسیون مقام زن، برگزاری پویش ملی و جمع‌آوری امضاهای مردمی و استفاده از ظرفیت دیپلماسی عمومی و خارجی از جمله این راه‌ها بودند که خدیجه کریمی از انجام آن‌ها برای از



سفير و نماینده دائم جمهوری اسلامی این تصمیم‌گیری را نتیجه سیاست‌های خصمانه آمریکا و شرکایش دانست



زنان زندانی هم از پشت میله‌ها؛ خواهان اخراج نماینده این رژیم شدند

- مفتخرم که ایرانی کانادایی هستم. از حمایت شما متشکرم.

- مردم ایران از شما تشکر می‌کنند، اما رهبران حقوق بشر؛ از فاجعه واقعی که در ایران رخ می‌دهد، خبر دارند؟ از اینکه به زنان زندانی تجاوز می‌شود، آن‌ها را می‌کشند و اجساد آن‌ها را بدون اطلاع خانواده‌هایشان دفن می‌کنند. آیا فاجعه‌ای بزرگ‌تر از این وجود دارد؟

- می‌خواهم بارها و بارها به سخنرانی شما گوش کنم! تو تنها کسی در سازمان ملل هستی که واقعیت و حقیقت را گفتی! تو برای قلب میلیون‌ها ایرانی صحبت کردی! خدا نگهدار باشد.

- او چنین درخشان است و معترضان در ایران فراتر از شجاع هستند. آن‌ها قهرمانان واقعی‌اند و من نمی‌دانم چگونه می‌توانیم به غیر صحبت کردن به آن‌ها کمک کنیم.

- سپاس برای ایستادگی شما، صدای زنان ایرانی بودن و حمایتتان! برای ما زنان ایرانی بمانید!

- من در اوایل دهه ۹۰ در انتاریو دانشجوی بودم و از رانه متنفر بودم. اما او الان در جای مناسبی قرار دارد و بهتر از او کسی نیست که بتواند نماینده کانادا در سازمان ملل باشد. عالیجناب پراوو!

- شما برای حقوق همه زنان و خصوصاً زنان شجاع ایران پایداری کردید. اعتقاد شما به این باور که این زنان لایق زندگی بهتری هستند برای همیشه در یادها باقی خواهد ماند.

- ما در اینجا در خطر جدی هستیم. ما هر روز بدون دلیل کشته، دستگیر و شکنجه می‌شویم. ما به اقدامات جدی سازمان ملل نیاز داریم، لطفاً بازهم صدای ما باشید.

سیاس‌گذاری ایرانی از سیاست‌مدار کانادایی

ماچ پس کله مردی که فرشته است!

اما همان‌طور که اسماعیلیون هم اشاره کرده بود؛ «باب ری» نماینده کانادا در این تصمیم‌گیری نقش مهمی را داشت. او در جلسه بررسی اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن، در بخشی از صحبت‌های خود؛ چهره حکومت جمهوری اسلامی را قابل توصیف با دو صفت خشونت و تروریسم دانست که آن را به جهان نشان داده است. باب ری، جمهوری اسلامی را متعلق به کمیسیون مقام زن ندانست و خواستار اخراج ایران در حمایت از زنان شد.

سخنرانی او مورد توجه بسیاری از ایرانیان قرار گرفت و صفحه توئیترش؛ آماج پیام‌هایی به زبان انگلیسی که ایرانیان نوشته بودند. ترجمه برخی از آن‌ها را می‌خوانید:

- من به‌عنوان یک زن ایرانی در ایران از صدها VPN برای وصل شدن به اینترنت استفاده کردم... صحبت‌های او را تماشا کردم و از اینکه بالاخره مردم دنیا بعد از ۴۳ سال بی‌رحمی و ظلم به صدای واقعی ما گوش می‌دهند، گریه می‌کردم. این مرد انگار یک فرشته است.

- با تشکر از سخنرانی عالی‌تان، زن، زندگی، آزادی. - ممنون که صدای ما هستید. ممنون که صدای عدالت و آزادی هستید. زحمات شما را فراموش نخواهیم کرد.

- چه گفتار زیبا و از دل برآمده‌ای! به ایرانی-کانادایی بودنم افتخار می‌کنم. تو قهرمان من هستی!

که پیش از اعتراضات به‌واسطه حضور پسرش در کانادا-ونکوور و کار در زمینه فیلترشکن خیرساز شده بود؛ در صفحه توئیترش، با خطاب قرار دادن؛ «کمیسیون مقام زن» هرچه فریاد داشت بر سر آمریکا کشید: «پیشنهاددهنده قطعنامه (آمریکا) خود بیشترین سهم از آمار جهانی زنان زندانی را دارد. کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا به‌عنوان بزرگ‌ترین ناقض حقوق زنان، صلاحیت تصمیم‌گیری ندارند.»

شادی مردم بعد از اخراج دشمنان «زن، زندگی و آزادی» از کمیسیون مقام زن

بعد از این خبر، تصاویری از شهر سقر منتشر شد که شادی مردم و آتش‌بازی‌شان را نشان می‌داد. گروهی از ایرانیان خارج از کشور هم مقابل مقر سازمان ملل در وین تجمع کردند و با فریاد «زن، زندگی آزادی»، شادمانی خود از این خبر را نشان دادند.

حامد اسماعیلیون، سخنگوی انجمن خانواده‌های کشته‌شدگان هواپیمای اوکراینی هم از حمایت نماینده کانادا در سازمان ملل، قدردانی کرد و در توئیتر خود نوشت: «دشمنان زن، زندگی و آزادی را از کمیسیون مقام زن در سازمان ملل اخراج کردند.»

البته خبرگزاری آناتولی (از معدود رسانه‌های خارجی که در ایران اجازه حضور دارد) عکسی را منتشر کرد از زنانی با چادرهای سیاه که مقابل دفتر نمایندگی سازمان ملل تجمع کرده بود تا به این تصمیم‌گیری اعتراض کنند.



شادی گروهی از ایرانیان خارج از کشور مقابل مقر سازمان ملل در وین



انسبیه خزعلی آمریکا را بزرگ‌ترین ناقض حقوق زنان دانست که صلاحیت تصمیم‌گیری ندارند

- من از ایران پیام می‌دهم. ممنون که از مردم بی‌گناه ایران حمایت کردی. کلمات نمی‌توانند احساسات من را توضیح دهند. و البته شاید بد نباشد یکی از کامنت‌هایی که به فارسی نوشته شده و زبان بیان احساس خاص خودش و البته طنز را در خودش دارد، اضافه کنیم: «ماچ پسی کلت!»

باب ری از طرفداری جنبش سبز تا اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن

باب ری، نماینده دائم کانادا در سازمان ملل متحد و عضو حزب لیبرال است. او البته در توییترش، در مقابل اسمش، نویسنده و معلم را هم نوشته است. آشنایی او با وضعیت ایران و شناخت جمهوری اسلامی؛ تنها به این دوران و خیزش مردمی محدود نمی‌شود.

او در سال ۲۰۱۳ در نشنال پست مقاله‌ای با این تیتر نوشت: «یک ایرانی خودی، یک فعال و اکنون یک زندانی» که به وضعیت «ابراهیم یزدی» دبیرکل نهضت آزادی ایران می‌پرداخت.

یزدی در ابتدا و زمان تبعید خمینی از محبوبان او بود (اشاره باب به کلمه خودی) و مدتی بعد از انقلاب از منتقدان حکومت شد که پایش به زندان‌های جمهوری اسلامی باز شد و در نهایت بعد از زندان‌های متعدد به بیماری قلبی، آلزایمر و سرطان پانکراس مبتلا شد.

در بخش‌هایی از این مقاله باب ری می‌خوانیم: «رژیم ایران از قدرت شهروندان خود می‌ترسد و به همین دلیل در میان آن‌ها ترس ایجاد می‌کند تا به وسیله آن، جلوی همه منتقدان و حتی وزرای سابق خودش را هم بگیرد. دکتر یزدی یکی از

آن‌هاست که آزار و شکنجه‌اش تا هشتادسالگی بدون وقفه ادامه داشت. او به ایستادگی در برابر (عملکردهای) افراطی رژیم ادامه داد، زیرا نقش رهبری را در حزب نهضت آزادی ایران به عهده گرفت و از دفاع در برابر نقض قانون اساسی و جامعه مدنی دفاع کرد. او به دنبال فرصت‌هایی برای رشد دموکراسی و نظام چندحزبی بود.

او مانند تعداد بی‌شماری از ایرانیان قربانی سرکوب و حشیانه رژیم علیه جنبش سبز در سال ۲۰۰۹ شد و با دستگیری‌های مداوم روبرو شد. او در اکتبر ۲۰۱۰ در یک مراسم تشییع جنازه در یک منزل شخصی به اتهام «شرکت در نمازهای غیرقانونی» دستگیر و به زندان بدنام اوین ایران فرستاده شد. شناخت او از جنبش ایرانیان و آنچه زیرپوست این کشور می‌گذرد؛ آن قدر ریشه‌دار است که حتی با سرکوب جنبش سبز، این تحلیل را دارد که: «مردان و زنان شجاع جنبش سبز به مبارزه خود برای آزادی و دموکراسی در خط مقدم ادامه می‌دهند. با نزدیک شدن به انتخابات ریاست جمهوری ایران در ژوئن، جامعه جهانی نیز باید شجاعت و تعهد عمیق ما را نشان دهد و در همستگی با آرمان آن‌ها هوشیار باشد. ما باید قوی‌تر واضح‌تر از آن‌ها حمایت کنیم.»

ری، یکی از اعضای پروژه جهانی «حمایت از زندانیان سیاسی ایرانی» هم بوده است. «ما باید تا آزادی فوری و بدون قید و شرط زندانیان سیاسی؛ در هر دیدار با نمایندگان ایران نام آن‌ها را با صدای بلند به زبان بیاوریم و سرکوب گسترده داخلی را محکوم کنیم. ما باید به رژیم یادآوری کنیم که جهان نظاره‌گر است و آن‌ها باید پاسخگو باشند.» او از اولین سیاستمداران کانادایی بود که درخواست قرار دادن کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در

فهرست گروه‌های تروریستی داشت. «ما موظفیم از تدابیر و قانونی بین‌المللی استفاده کنیم و رژیم (جمهوری اسلامی) را به خاطر نسل‌کشی و نقض حقوق بشر پاسخگو کنیم. کانادا باید کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی را در فهرست یک‌نهاد تروریستی قرار دهد تا به مرکز رژیم ضربه بزند.» این سیاستمدار کانادایی همچنین از کسانی بود که پرونده پرواز ps752 را دنبال و با حامد اسماعیلیون دیدار و گفت‌وگو داشت.

ری همچنین در ماه نوامبر به سی‌بی‌سی از راه‌اندازی یک کمیته حقیقت‌یاب در ایران خبر داد که شواهد موجود و داده‌ها در زمینه نقض حقوق بشر توسط جمهوری اسلامی را جمع‌آوری می‌کند. پیش‌بینی شده؛ این تیم در اواسط سال ۲۰۲۳ گزارش را کامل و به شورای امنیت سازمان ملل تحویل دهد.

شورای امنیت سازمان ملل دیگر کار نمی‌کند

باب ری، که یکی از تأثیرگذارترین افراد در اخراج جمهوری اسلامی از کمیسیون مقام زن سازمان بود؛ همواره در این سال‌ها (مانند بسیاری) منتقد شورای امنیت سازمان ملل هم بوده است. او به نشنال پست در این‌باره گفته بود: «این شورا؛ هفتادو هفت سال پس از تأسیس، دیگر کار نمی‌کند. عمیقاً از هم پاشیده شده و در حالیکه تلاش می‌کند تا در مورد بحران‌های بین‌المللی امروزی اقدام کند، اغلب با شکست مواجه می‌شود. نماینده دائم کانادا در سازمان ملل متحد، یکی از دلایل اصلی این ناکارآمدی را حق و تو می‌داند که از همان ابتدای تصویب، منبع تنش دائمی بین اعضای شده است.»



🔗 دکتر نویر؛ وکیل بین‌المللی و فعال حقوق بشر کانادایی تویییتی خطاب به رهبر جمهوری اسلامی زد



🔗 سخنرانی باب ری مورد توجه بسیاری از ایرانیان قرار گرفت. علی‌احساسی هم در کنار او حضور داشت.



🔗 خبرگزاری آنتولی عکسی را منتشر کرد از زانی با چادرهای سیاه که مقابل دفتر نمایندگی سازمان ملل تجمع اعتراضی برپا کردند



فریبا علیزاده

مشاور ارشد امنیت مالی و بیمه
Financial Security Advisor

سالها تجربه موفق در زمینه مالی و بیمه
فارغ التحصیل ارشد مدیریت از
John Molson Concordia

Sun Life Financial

ارائه خدمات مالی و بیمه برای:

- اشخاص، شرکت ها، مشاغل آزاد و حرفه ها
- بیمه عمر، از کار افتادگی و بیماریهای خاص
- بیمه دانشجویی، بیمه سفر و بیمه سلامت
- بیمه وام مسکن
- انواع سرمایه گذاری

KRSP, RESP, TFSA, RRIF, LIF, GIA

همکاری با بیش از ۲۵ موسسه مالی و بانکیها به منظور ارائه بهترین خدمات

<https://www.sunlife.ca/beriba/alizadeh>

به همراه گروه مجرب خود ارائه کننده کلیه خدمات مربوط به اخذ مجوزهای اقامت دائم و یا موقت کانادا برای کلیه برنامه های مهاجرتی فدرالی و استانی از طریق سرمایه گذاری، استارت آپ، تخصصی، کار آفرینی، خوشاوندی، دانشجویی... و همچنین مشاوره و تایید رسمی مدارک، تهیه سوگند نامه و دعوتنامه رسمی می باشد.

معصومه علیمحمدی
مشاور رسمی
مهاجرت

info@icpimmigration.com
icpimmigrationtocanada
icpimmigrationtocanada
@ICPimmigrationTOCANADA
WWW.ICPIMMIGRATION.COM

CA PIC Canadian Association of Professional Immigration Consultants
ACIC Association Canadienne des Conseillers Professionnels en Immigration
عضو انجمن مشاوران متخصص مهاجرت و شهروندی کانادا

CICC CCIC
Canadian Immigration Consultants and Consulting Corporation
Collège International d'Immigration et de Développement
عضو رسمی انجمن مشاوران رسمی مهاجرت و شهروندی کانادا

Tehran
Office: 021-2288-1684
Mobile: 0937-489-6676

جهت مشاوره و تعیین وقت
فبلی با دفتر ما در مونترال
تماس حاصل فرمایید.

Montreal
Office: 514-289-9011 / 514-289-9044
WhatsApp: 514-778-9011
Address: 1117 Ste. Catherine West,
511# Montreal, Qc. H3B 1H9

EXPERTFX

Bureau de Change
Currency Exchange



ارائه خدمات ارزی:

- سریعترین و مطمئن ترین روش انتقال ارز
- با استفاده از کارتهای شبکه بانکی ایران (شتاب)
- خرید و فروش انواع ارز با بهترین نرخ روز و بدون کارمزد

1405 Boul DE Maisonneuve O, Montréal H3G 1M6
info@expertfx.ca www.expertfx.ca
(514) 844 - 4492

Residential Real Estate Broker

شهره شهبان

مشاور املاک در کلان شهر مونترال

- ◆ خرید، فروش و اجاره املاک مسکونی
- ◆ مشاوره تخصصی جهت سرمایه گذاری
- ◆ ارزیابی رایگان ملک و آنالیز مناطق مختلف مونترال جهت خرید
- ◆ هزینه محضر هدیه من به خریداران

514-290-2210
shahrianrealtor@gmail.com

شاهین خلیلی، از کادرهای «کومه‌له»ی حزب کمونیست:

هرگونه تلاش نظامی علیه رژیم برای انقلاب جاری سم است

دیدگاه‌های فعالان سیاسی در کانادا درباره تحولات ایران



گفت‌وگوی «هفته» با آقای حسن شریعتمداری،
فعال سیاسی پیش‌کسوت در شماره بعدی
در همین صفحات ارایه خواهد شد.
با آقای شریعتمداری درباره طرحی که او
برای ایجاد یک ائتلاف گسترده از
نیروهای اپوزیسیون تدارک دیده صحبت کردیم.

گفت‌وگوی
ویژه

خسرو شمیرانی

جریان چپ و کمونیست تشکیل شد که کوم‌ه‌ل به دلیل پایگاه توده‌ای و اجتماعی‌اش در کردستان ستون فقرات این حزب بود و کماکان هم هست.

آیا ساختار کومه‌له دمکراتیک است؟ مثلاً رهبر و مرکزیت حزب طی چه فرآیندی به جایگاه‌های خود می‌رسند؟

ما در سیستم سیاسی و تشکیلاتمان به سانترالیزم دموکراتیک باور داریم. مطابق اساسنامه حزبی کمیته مرکزی و تمام ارگان‌های رهبری تشکیلات انتخابی هستند. هر دو سال یک‌بار کنگره حزب کمونیست یا کوم‌ه‌ل برگزار می‌شود.

آقای ابراهیم علیزاده، رهبر فعلی کومه‌له کی و چگونه انتخاب شد؟ در سال ۱۳۶۲ کنگره کمیته مرکزی آن زمان را انتخاب کرد و اعضای کمیته مرکزی هم دبیر اول و بقیه ارگان‌ها را انتخاب کردند. از آن به بعد طبق اساسنامه در هر کنگره کمیته مرکزی دوباره انتخاب‌شده و رفیق ابراهیم علیزاده نیز به‌عنوان دبیر اول توسط کمیته مرکزی جدید به دبیر اولی برگزیده شده است.

نظر حزب شما درباره اصل یکپارچگی ایران چیست؟ آیا به تمامیت ارضی باور دارید؟

با نگاهی گذرا بر اساسنامه حزب و برنامه کومه‌له برای حاکمیت توده‌ای در کردستان حوزه کار و فعالیت سیاسی ما در سطح سراسری و محلی کاملاً آشکار و قابل ارزیابی است. ما در چهارچوب فعالیت‌های سیاسی و تشکیلاتی خود هر نوع تغییر در ساختار سیاسی و مبارزه طبقاتی بدون تغییر در سیستم سیاسی در مرکز را زودگذر و ضربه‌پذیر می‌دانیم و بر این باور هستیم که حکومتی که برخواسته و نمایندگی کننده مطالبات تمامی اقشار جامعه خصوصاً کارگران و زحمتکش‌ان زنان تحت ستم باشد می‌تواند تضمین‌کننده حفظ اتحاد و یکپارچگی مبارزات و زندگی سرشار از آزادی، برابری و حقوق یکسان برای شهروندان تمامی ایران باشد.

این تئوری است. اما در عمل شما جدایی کردستان از ایران را می‌خواهید یا نه؟

به باز بودن و امن بودن مرزها بود. در نتیجه دیگر کردستان عراق نمی‌توانست پشت جبهه مبارزه نظامی باشد. به همین جهت کومه‌له در عین اینکه به‌عنوان یک سازمان مسلح موقعیت خود را حفظ کرده اما تقریباً از همان سال‌ها عملیات نظامی از طریق مرزهای کردستان عراق و ایران را متوقف کرده است.

آخرین بار کی در ایران یا منطقه بودید؟ آیا رفت‌وآمد دارید؟ مثلاً در کنگره‌های کومه‌له در ایران یا عراق شرکت می‌کنید؟

تا ۲۰۱۵ در کردستان عراق بودم و در کنگره ۱۶ کومه‌له در سال ۲۰۱۴ به‌عنوان نماینده شرکت کردم.

تا جایی که می‌دانم تاریخچه نه‌چندان طولانی حزب، پیچیده، و شامل اتحاد و انشعابات متعدد است. قدری درباره تاریخچه و ایدئولوژی حزب توضیح می‌دهید؟

از بدو تأسیس کومه‌له در سال ۱۳۴۸ خورشیدی تاکنون فعالیت‌های فکری، سیاسی و تشکیلاتمان در چهارچوب جهان‌بینی مارکسیستی بوده. در سال ۱۳۶۲ حزب کمونیست ایران از چندین سازمان

گفت‌وگو با شاهین خلیلی، از کادرهای کومه‌له‌ی حزب کمونیست، چهارمین از سری گفت‌وگوهای «هفته» با شخصیت‌ها و فعالان سیاسی است، درباره تحولات جاری ایران. حسن زرهی، روزنامه‌نگار، رضا مریدی، وزیر سابق در انتاریو، و بابک یزدی، از رهبران حزب کمونیست کارگری سه شخصیتی هستند که پیش‌تر با آنها درباره مسیر فعلی و آینده جنبش «زن زندگی آزادی» مصاحبه کردیم.

در مصاحبه با شاهین خلیلی به کومه‌له و دیدگاه‌های آن درباره تمامیت ارضی ایران، جنگ مسلحانه با حکومت، و تحولات جاری ایران پرداخته‌ایم.

آقای شاهین خلیلی گرامی! می‌خواهیم درباره تحولات جاری ایران صحبت کنیم اما در ابتدا یک سؤال درباره خودتان. آیا هیچ‌وقت در کومه‌له فعالیت نظامی کرده‌اید؟

من به خاطر رشته تحصیلی‌ام که برق است در حوزه تخصصی خودم و برای سال‌های متمادی در امور فنی مربوط به مراکز تبلیغاتی حزب کار کردم. اما مهم است بدانید که کومه‌له از حدود سال ۱۹۹۰ جنگ مسلحانه را متوقف کرده است.

مجموعه‌های مختلفی در کردستان با نام «کومه‌له» فعالیت می‌کنند و تاجایی که من می‌دانم برخی مبارزه مسلحانه هم می‌کنند. شما با کدام «کومه‌له» کار می‌کنید که مبارزه مسلحانه ندارد؟ اسم کامل و رسمی ما «کومه‌له، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران» است. در سال ۲۰۰۰ بخشی به رهبری آقای عبدالله مهتدی از این تشکیلات جدا شد که الان «حزب کومه‌له کردستان ایران» نام دارد که رسماً آرمان کمونیستی را کنار گذاشته و کم‌وبیش خود را سوسیال‌دموکرات می‌نامد. «کومه‌له، سازمان کردستان حزب کمونیست ایران»، یکی از بزرگ‌ترین سازمان‌های سیاسی فعال در کردستان ایران است.

گفتید گروه شما جنگ مسلحانه را در سال ۱۹۹۰ متوقف کرد، چرا؟

در سال ۱۹۹۰، در پی حمله عراق به کویت، تغییر و تحولاتی در منطقه ایجاد شد. کردستان عراق به‌طور نسبی مستقل شد و تأمین نیازهای اولیه مردم وابسته

من به خاطر رشته تحصیلی‌ام که برق است در حوزه تخصصی خودم و برای سال‌های متمادی در امور فنی مربوط به مراکز تبلیغاتی حزب کار کردم. اما مهم است بدانید که کومه‌له از حدود سال ۱۹۹۰ جنگ مسلحانه را متوقف کرده است.

ما جدائی از ایران را تبلیغ و ترویج نمی‌کنیم و به مردم کردستان می‌گوئیم که به شرط تحقق برنامه کومه‌له برای حاکمیت مردمی در کردستان در چهارچوب کشور ایران باقی‌مانند.

درباره شاهین خلیلی

شاهین خلیلی در سال ۱۳۵۶ در تهران به دنیا آمد. اواخر سال ۱۳۵۸ به دلیل فعالیت‌های سیاسی خانواده ناگزیر به ترک تهران، و در سنندج ساکن شدند. او در هنرستان فنی معلم در سنندج در رشته برق تحصیل کرد. یک‌بار دیگر خانواده او در پاییز سال ۱۳۷۵ از ایران به کردستان عراق متواری شدند. سال ۲۰۱۵ او به کانادا مهاجرت کرد و در تورنتو ساکن شد. به گفته خودش از سن ۱۸ سالگی فعالیت‌های سازمانی خود را آغاز کرد. همراهی او با کومه‌له تا به امروز ادامه دارد. شاهین خلیلی آخرین بار در سال ۲۰۱۴ به‌عنوان نماینده در کنگره سالیانه این حزب شرکت کرد.



چه کارگری همیشه روی این تأکید داشتیم و سعی کردیم این بخش اصلی از جامعه که سطح علمی آن را بالا می‌برد و می‌تواند افق‌هایی را خیلی روشن‌تر نشان دهد بزرگ کنیم تا مبارزات مسلحانه‌ای که شاید در یک مقطع کوتاه جواب یک نیاز را بدهد ولی به دلیل حجم بزرگ نیروی‌های مسلح رژیم هیچ‌وقت نمی‌تواند دستاورد عظیمی داشته باشد.

جمهوری اسلامی و رسانه‌های رسمی ایران، همیشه بر اینکه حزب‌ها و سازمان‌های کرد وابسته هستند و از اسرائیل بودجه و کمک می‌گیرند تأکید دارند؛ آیا کومه‌له با اسرائیل رابطه دارد و از اسرائیل یا هر کشور خارجی دیگری کمک مالی دریافت می‌کند؟ به‌صراحت و با تأکید می‌گویم که هرگز. ما به دلیل موقعیت و جایگاه اجتماعی و توده‌ای که در جامعه داریم همیشه با این سؤال‌ها مواجهیم و عملاً حتی در کنگره‌ها در مورد منبع درآمدمان صحبت کردیم. و به جامعه در مورد منابع مالی خود گزارش داده‌ایم. تا الآن که من با شما صحبت می‌کنم با هیچ‌کدام از این دولت‌هایی که فعلاً در خاورمیانه و حتی در جهان به نحوی اپوزیسیون ایرانی و نیروهای مخالف را از لحاظ مالی شارژ می‌کنند جز حکومت اقلیم کردستان ارتباط چه سیاسی و چه مالی نداشتیم.

آیا کومه‌له در هیچ کشوری به‌عنوان یک

سازمان تروریست شناخته شده است؟ نه خوشبختانه؛ جمهوری اسلامی خیلی سعی کرده ولی با تأییدیه‌ای که رفقای ما از تشکیلات کومه‌له گرفته‌اند توانسته‌اند در همه کشورهای اروپایی پناهندگی بگیرند و طبیعتاً اگر در این چارچوب قرار داشت دچار مشکل می‌شدند. ولی ما فعالیت می‌کنیم، دفتر نمایندگی داریم، مراسم سیاسی می‌گیریم و با پرچم خودمان حضور داریم و به‌هیچ‌وجه با چنین مسائلی درگیر نبوده‌ایم.

ما در صحبت‌هایی که پیش‌تر داشتیم به منازعات بین احزاب کرد و حتی جنگ نظامی بسیار طولانی که بین آن‌ها بود اشاره کردیم؛ در حال حاضر آیا امکان دارد باز هم این منازعات در قالب نظامی در آنجا شکل بگیرد؟ یا روند دیگری دارد طی می‌شود؟

بینید ما همیشه با یک دید انتقادی به این موضوعات نگاه کردیم و چون خودمان را در درجه اول قربانی این وضع می‌دانستیم تکرار چنین موضعی را برای جامعه

کار کرده‌ایم و این اقدام در پی فراخوان ۲۸ مرداد سال ۵۸ به فرمان خمینی برای حمله به کردستان سازمان یافته و ادامه دارد.

پس کومه‌له در شرایط کنونی در هیچ فعالیت مسلحانه‌ای علیه رژیم حضور ندارد؟

به‌هیچ‌وجه، اگر هم توجه کنید تا الآن هیچ فعالیت مسلحانه‌ای علیه رژیم مخصوصاً طی چند ماه گذشته انجام نشده است، حتی در جامعه کردستان که به طریقی سنتی بالاخره مسئله مبارزه مسلحانه علیه رژیم مطرح بوده است. هم ما و هم سایر احزاب کردستان ایران در یک توافق جمعی سیاسی به این نتیجه رسیدیم و سعی کردیم که این طرز فکر را در جامعه هم نهادینه کنیم که به‌هیچ‌وجه و در شرایط کنونی نباید از این ابزار استفاده شود چون رژیم منتظر چنین غفلتی از سوی احزاب است.

این یک تاکتیک است یا یک تصمیم استراتژیک؟

نگاه استراتژیک ما همیشه این بوده که بتوانیم با مبارزات توده‌ای که از دل جامعه برخاسته این رژیم را ساقط کنیم. باز هم تأکید می‌کنم ما هیچ‌گاه مبارزه مسلحانه را در اولویت قرار نداده‌ایم و مبارزات توده‌ای ما همیشه برای سازمان دادن و ایجاد تشکل بین مردم در بخش‌های مختلف بوده است. چه در تشکل‌های مربوط به زنان و دفاع از حقوقشان، چه جوانان و

تا وقتی که حقوق همه مردم و ملت‌های ایران رعایت شود نیازی به جدایی نیست، ما جدایی از ایران را تبلیغ و ترویج نمی‌کنیم و به مردم کردستان می‌گوئیم که به‌شرط تحقق برنامه کومه‌له برای حاکمیت مردمی در کردستان در چهارچوب کشور ایران باقی بمانند. این برنامه جامع و مدون است و بر اساس منافع کارگران و زحمتکشان کردستان و ایران تهیه شده است و مبنی بر استراتژی و تاکتیک ما قرار دارد.

حال که رعایت نمی‌شود چه؟

کلاً ما جدایی را برای مبارزه‌ی توده طبقه کارگر و زحمتکش مثبت نمی‌دانیم و به همین دلیل هم خودمان را بخشی از حزب کمونیست ایرانی می‌دانیم که برای تمامی مردم ایران مبارزه می‌کند. اما بر حقوق ملی مردم کرد پافشاری می‌کنیم و تحقق برنامه ما امکان وحدت ملیت‌ها را در ایران فراهم می‌کند.

از نظر شما جنگ مسلحانه تا چه حد برای آزادی ایران و کردستان راه مناسبی است؟ در شرایط حال حاضر ایران چقدر به این روش بها می‌دهید؟ ما در شرایط کنونی هر نوع دخالت نظامی در جامعه ایران را هم از سوی اپوزیسیون ایرانی و همه توسط دول خارجی، سم کشنده‌ای بر مبارزات توده‌ای کنونی جامعه ایران می‌دانیم. نکته دیگر این است که اساساً دست بردن به اسلحه خواست ما نبوده و به ما تحمیل شده است و برای حفاظت از خودمان این

هستیم. جریان ما در خارج کردستان هم طرفدار و گوش شنوا برای حرف‌هایمان دارد.

در ایران دموکراتیک آینده رابطه کردستان را با دولت مرکزی چطور می‌بینید؟ با مدل فدرال کانادا یا با مدل جاری در عراق موافق هستید؟

اولاً به اعتقاد ما هر نوع مدل حکومتی در آینده پس از رژیم اسلامی باید توسط خود مردم خصوصاً کارگران، زحمتکشان و زنان تحت ستم و جوانانی که امروز در صحنه عملی این مبارزه هستند تعیین گردد. بدین دلیل از تعیین شکل و قواره‌ای خارج از دخالت آنان حمایت نخواهیم کرد. ما از مدل حکومتی شورایی که نمایندگی مستقیم نظرات، خواسته‌ها و مطالبات تمامی اقشار جامعه و همان‌گونه که پیش‌تر گفتیم کارگران و زحمتکشان باشد حمایت تمام‌قد می‌نماییم. اما، در نهایت نوع حکومت موجود در مرکز است که چگونگی رابطه ما همچون یک حزب سیاسی با آن را تعیین خواهد کرد. دوماً و بخصوص مسئله مدل فدرال، مدل‌های متعدد در جهان وجود دارد که هیچ‌کدام مشابه نیستند و هر حکومت فدرالی به ماهیت تشکیل دهنده دولت بستگی دارد، از جمله مدل کانادا و عراق که در عنوان یکی هستند اما در ماهیت سیاسی بسیار متفاوت. برای ایران بر این اعتقاد هستیم که این مدل همان‌گونه که در عراق به‌درستی به‌نقد آن پرداخته‌ایم جوابگو خواهد بود. یک سیستم فدرال با ماهیت دولت مرکزی سرکوبگر، مرکز‌گرا و فاقد انگیزه برای به رسمیت نشناختن حق ملت‌های تحت ستم، مدلی ناموفق و شکست خورد خواهد بود. به باور ما در این مدل که رکن‌های مهمی از جمله اقتصاد، سیاست خارجی و نیروهای مسلح و کنترل مرزها در دست نیروی حاکم در مرکز است و در صورت نادمکرات بودن، از این ارکان حکومت به‌عنوان ابزار برای تشدید فشارها بر دولت‌های فدرال استانی در جهت تحمیل سیاست‌های خود استفاده خواهد کرد، همچنانکه دولت فدرال عراق تا کنون با اتکا به اصل‌های یاد شد، چندین بار به کردستان یورش برد و خون‌های زیادی ریخته شد، مدل موفق نیست و در ایران هم نخواهد بود. در نهایت باید گفت وضعیت اسفبار زندگی و معیشت میلیون‌ها تن از مردم شهرهای مختلف کردستان عراق که از سوی دولت مرکزی که برخاسته از نیاز و قدرت گروه‌های مسلح، فرقه‌های ملی و مذهبی و حتی تحت نفوذ رژیم‌هایی همچون حکومت اسلامی ایران است، نمونه بارز این نظر و دلیل مخالفت با آن است.

آقای شاهین خلیلی از شما سپاسگزاریم.

در سال ۱۳۶۲ کنگره داشتیم و رفیق ابراهیم علیزاده به عنوان دبیر اول برگزیده شد و بعد هم در هر کنگره این انتخاب تجدید شده است و تا به امروز هم ایشان دبیر اول حزب و کومه‌له است.

من معتقدم آنچه در ایران جاریست یک انقلاب است که دیر یا زود به نتیجه خواهد رسید.

از تحولات درونی جامعه، سطح مبارزات، پیوستگی و ترکیب حاضر در میدان این مبارزه، وضعیت درونی رژیم در ابعاد مختلف از جمله عدم توانایی آن برای بهبود شرایط اقتصادی، تأمین کار و معیشت دهها میلیون انسان زجرکشیده و تحت ستم این جامعه، تشدید ستم مضاعف بر زنان که امروز پیش‌قراولان و رهبران اصلی این حرکت انقلابی هستند، عدم توجه و برآورده نکردن خواست و مطالبات برحق طبقاتی، ملی، مذهبی و جنسیتی و از سوی دیگر تحولات سیاسی جهانی و اقدامات مشترک بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی و مهم‌تر از همه تعهد مردم کف خیابان به ادامه این مبارزه تا سرنگونی، نشان‌دهنده این امر است، آنچه در ایران در جریان است، یک انقلاب برای تغییر بنیادی و جارو کردن کل سیستم سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی است. من معتقدم این یک انقلاب است که دیر یا زود به نتیجه خواهد رسید.

حزب شما چه نقشی در تحولات جاری ایران داشته و دارد؟

در فدای قتل دولتی زنده‌یاد مهسا ژینا امینی بنابر شناخت و تجربیات تاکونوی از جایگاه و اتوریته سیاسی تشکیلات کومه‌له در رهبری کردن چندین مورد اعتصاب عمومی در کردستان، با توجه به خشم و انزجار شدید مردم کردستان از جنایت هولناک قتل مهسا توسط نیروهای سرکوبگر رژیم، ما مبتکر و پیشنهاددهنده برپایی یک اعتصاب عمومی دیگر در کردستان در واکنش به این جنایت بودیم. درواقع ما خود را بخش جدایی‌ناپذیر از این جنبش که سال‌ها با از خودگذشتگی و جانبازی دهها هزار انسان مبارز و انقلابی و حتی جان‌باختن بیش از ۲۵۰۰ تن از بهترین رفقا و رهبرانمان در جریان بوده می‌دانیم و تا سرنگونی رژیم اسلامی متعهد به ادامه این راه

ایران و مشخصاً کردستان واقعاً خواستار نیستیم. به همین دلیل سعی کردیم در همه فراز و فرودهای که در اوضاع سیاسی جامعه ایران و کردستان پیش آمده همیشه اصل را بر این بگذاریم که باید با گفت‌وگو، تعامل و اتکا بر مبارزات توده‌ای در درون جامعه و در نهایت سپردن اداره جامعه به دست توده‌های کارگر و زحمتکشی که در جامعه ستون اصلی انقلاب هستند، بتوانیم جامعه را هدایت کنیم.

نظر حزب شما درباره اوجالان چیست؟

از دیدگاه ما شخص عبدالله اوجالان رهبر حزب کارگران کردستان ترکیه است که از ۲۳ سال پیش در دام فاشیست‌های حاکم بر ترکیه اسیر است. وی در یک اقدام آدم‌ربایی و دسیسه منطقه‌ای و حتی جهانی از کشور کنیا ربوده و به رژیم ترکیه تحویل داده شده، کمترین حقوق یک زندانی در مورد ایشان رعایت نمی‌شود. در بسیاری از نشست‌ها و کنگره‌هایی که در سال‌های اخیر در حمایت از جنبش‌های آزادی‌خواهانه در هر چهار بخش کردستان برپا گردیده، خواست آزادی فوری «اوجالان» از زندان مطرح شده و مورد تأیید قرار گرفته و ما همواره از این خواست حمایت کرده‌ایم.

حزب شما از دل جریان کمونیست کارگری بیرون آمد، رابطه کنونی شما با این حزب چیست؟

اجاره بدهید این پرسش شما را این‌گونه پاسخ دهم که درواقع «حزب کمونیست کارگری» از درون تشکیلات کومه‌له و حزب کمونیست ایران، در دهه ۹۰ میلادی و در جریان‌های مرتبط به تحولات سیاسی جهان، منطقه و ایران در آن دوران شکل گرفت و به عنوان «حزب کمونیست کارگری ایران» آغاز به فعالیت کرد. به‌طور ویژه و در شرایط کنونی ما بر ادامه فعالیت‌های مشترک نه‌تنها با این رفقا بلکه با سایر احزاب، سازمان و جریان‌های چپ ایران و کردستان برای تقویت جنبش سرنگونی‌طلبانه و انقلابی این روزها تأکید ویژه داریم.

برسیم به تحولات جاری: کومه‌له اوضاع فعلی را چگونه ارزیابی می‌کند: جنبش اعتراضی؟ شرایط انقلابی؟ یا یک انقلاب کامل؟

درواقع بحث بر سر عنوان و القاب نیست. ببینید در خصوص تحولات سیاسی این دوره ما بر این باور هستیم که این شرایط سیاسی منجر به وقوع انقلاب در ایران خواهد شد. حداقل تمامی نشانه‌های



www.ravadid.ca

info@ravadid.ca

تماس در واتس آپ

امتارت آپ ویزای کانادا با شرایط بسیار مناسب
اخذ پذیرش و خدمات ویزای دانشجویی در کلیه مقاطع تحصیلی
سرمایه گذاری و کار آفرینی
خرید بیزینس و دریافت مجوز کار
اکسپرس انتری
ویزای توریستی
تمدید مجوز تحصیل و مجوز کار در کانادا
امپانسرشیپ همسر والدین
خدمات اسکان اولیه
و -



تماس رایگان در آمریکای شمالی:

Free Tel & fax:

1-833-RAVADID (728-2343)

تماس در واتس آپ با هماهنگی قبلی

+1(514) 638-8258

ALIREZA MANSOURI

RCIC, R533715



سیامک شکیبی

مشاور رسمی املاک در تورنتو



خرید

فروش

اجاره

یاری رسان در

مسائل اساسی سال های اول مهاجرت

WWW.SIAMAK-SHAKIBIKENARSARI.C21.CA

(416) 302-1106

SSHAKIBI1974@YAHOO.COM

عبداله صفوی

مشاور رسمی امنیت مالی در کبک

بیمه عمر، از کار افتادگی، مسافرتی و بیماری های خاص

● چقدر برای بازنشستگی نیاز دارید؟

● چرا فقط ۳۹٪ از کانادایی ها به برنامه بازنشستگی خود اعتماد دارند؟

● برنامه ریزی برای دوران طلایی بازنشستگی را از امروز شروع کنید

● با بکارگیری جدیدترین نرم افزارهای تایید شده

● کاملاً رایگان (بدون هرگونه تعهد)

فقط با یک تماس نوبت خود را رزرو کنید!



Financial Security Advisor
Investment Representative

✉ Abdollah.safavi@canadalife.com

🌐 www.safavifinancial.com



Mobile: 514-467-8491

Office: 514-931-4242 ext. 2567



داروخانه World در تورن هیل

World Pharmacy

- مشاوره دارونی و درمانی رایگان
- تهیه داروهای شما با نسخه و بدون نسخه (OTC)
- قبول تمام بیمه‌ها
- پارکینگ رایگان
- بلیستر پک رایگان

تحويل رایگان

☎ (905) 597-5150
☎ (905) 597-5153
✉ Parvaneh.vali@gmail.com

Unit 128, 7163 Yonge St, Thornhill, ON. L3T 0C6




خدمات کامپیوتری

Advanced Computer

بامدیریت بایک یزی

- تعمیر ✂
- فروش 📦
- نصب ⚙️
- آموزش 📖
- ویروس یابی 🛡️


(416) 226-6939 (416) 471-7138

babakyazdi2@gmail.com advancecomputer@rogers.com

6012A Yonge St. North York ON. M2M 3V9

کتاب فروشی سرای بامداد

کتاب «رودخانه سنت لوران»
را می‌توانید از کتاب‌فروشی سرای بامداد تهیه نمایید.



Tel: (647) 680-6462
7181 Yonge Street, Unit 127, Vaughan, ON L3T 0C7

برشین سیرکل تقدیم می‌کند

رسیا

سی چهره؛ جدیدترین کتاب
دکتر عباس میلانی




اروپا - سوئد: نشر باران	آمریکا: پارس	تورنتو: سرای بامداد	کانادا: برشین سیرکل
Storgatan 76B lgh 1301 Tel: 706011204	1434 Westwood, #1 Tel: 310-441-1015	7181 Yonge, #127 Tel: 647-680-6462	30 Kern Rd, #104 Tel: 647-225-9200

خرید آنلاین: www.milanibooks.com



گفت وگو و
فرهنگ
و هنر



می صورتی

نقد داستان:

داستان کوتاه «می صورتی» در زمان جنگ اتفاق می‌افتد و داستان زندگی خصوصی زنی است که یک روح او را تسخیر می‌کند. می صورتی داستان توهم است. این توهم که به شکل روح ظاهر می‌شود به دلیل بروز جنگ و تغییرات روانشناسی است که در طول جنگ اتفاق می‌افتد و نشان‌دهنده ظلمی است که جنگ به مردم کرده است. این تغییرات روانشناسی باعث تغییر در روابط عاشقانه افراد شده است. اشباح و ارواح در ذهن شخصیت و تحت تأثیر رابطه او با محیط زندگی‌اش خلق می‌شود.

ما نمی‌توانیم آن خانه حتی برای دو نفر هم کوچک بود.»

- «خیلی کوچک بود؟»

- «بله، خیلی کوچک، ارزان قیمت و بی‌کیفیت بود. یکی از آن خانه‌های قدیمی بود که داخلش را بازسازی کرده بودند. ولی می‌دانی که خانه‌ای که مال کس دیگری باشد، چه وضعیتی دارد-هرگز نمی‌توان با خیال راحت از آن استفاده کرد، آدم همیشه فکر می‌کند آن‌ها پیوسته مراقبش هستند و نگاهش می‌کنند. نه این که اقامت ما در آن خانه اشکالی داشت-چطور می‌توانستیم آن جا ساکن شویم در حالی که هر دو ما تمام روز را بیرون خانه می‌گذرانیم. تازه در آغاز ماه جون، ما دوباره از آن جا نقل مکان کردیم.»

- «به خاطر همان...»

- آه نه، اصلن به خاطر آن نبود.

زن سیگاری روشن کرد، دو پک به آن زد. انگار در اندیشه فرو رفته بود. بعد گفت: «چیزی که می‌خواهم به تو به گویم به روح مربوط می‌شود.»

- «خوب بگو.»

- داشتم می‌گفتم. خیلی خنده‌دار بود که باید به سرعت در طبقه بالای یک خانه خالی لباس

کامل اجاره کرده بودیم. با شرایط این روزهای اجاره خانه‌ها، قیمت آن خانه از قیمت یک آپارتمان کمتر می‌شد. به قول آن‌ها، خانه دردسرش بیشتر است، ولی آن خانه هیچ دردسری نداشت، چون می‌دانی... برای ما مثل یک آپارتمان بود. منظورم این است که در عمل ما هیچ وقت توی خانه نبودیم. من دنبال پیشخدمت نگشتم چون می‌دانستم که پیدا نمی‌شود. وقتی نویل صبح‌ها از خواب پا می‌شد، قهوه را در قهوه جوش می‌ریخت؛ من به انبار می‌رفتم و یک نظافتچی روزمزد می‌آمد تا خانه را تمیز کند. ما با سرایدار خانه بغلی هماهنگ کرده بودیم که مراقب آب گرم کن باشد تا حمام‌ها خوب گرم شوند. تخت‌ها هم راحت بودند. صاحبان آن خانه، زندگی خوب و موفقی داشتند.»

- «هیچ وقت با آن‌ها ملاقات نکردید؟»

- «نه، هیچ وقت-چرا باید این کار را می‌کردیم؟ ما طبق روال، همه امور مربوطه را از طریق نمایندگی انجام دادیم. من فکر می‌کنم که مرد خانه در نقطه‌ای از کشور مشغول گذراندن دوره سربازی بوده و زنش، رفته تا نزدیک او باشد. نمی‌توانسته‌اند بچه داشته باشند، همان طور که

- «بله این کار روح خیلی جالب بود. عادت داشت وقتی که من لباس می‌پوشیدم تا برای خوردن شام بروم، وارد اتاق خواب من بشود-یعنی وقتی لباس می‌پوشیدم تا از خانه بیرون بروم.»

- «نمی‌ترسیدی؟»

- من آن قدر عجله داشتم که هیچ وقت مجالی برای ترسیدن پیش نمی‌آمد. وقتی فرصت کم باشد و ناچار باشی تا کسی سر نرسیده با عجله لباس بپوشی و بیرون بروی، به جز آن یک کار به هیچ چیز دیگری نمی‌توانی فکر کنی. تازه آن اتاق در زمانی که من از آن صحبت می‌کنم همیشه هنگام غروب روشن بود. اتاق دو در شیشه‌ای خیلی بزرگ داشت که با نوک درختان می‌که در میدان مقابل خانه روپیده بود، هم سطح بودند. درختان می آن سال پر از گل‌های صورتی رنگ بودند. در آفتاب گرم و گرفته هنگام غروب، درختان می شبیه یک تماشاخانه بودند و وقتی از خانه بیرون می‌رفتم، بخشی از احساسات مرا تشکیل می‌دادند... آن بهترین ماه زندگی من بود.»

- «کدام ماه؟»

- «همان ماهی که ما در آن خانه زندگی می‌کردیم. به تو گفته بودم، یک خانه با وسایل

می پوشیدم در حالی که خورشید در بیرون خانه غروب می کرد. به نظرم می آید همه آن شبها خیلی دوست داشتنی بودند. عادت داشتم موقع برگشتن از انبار تاکسی بگیرم. این روزها اگر قرار باشد دیر نکنی و لازم باشد حمام کنی و همه لباس هایت را هم از سر تا پا عوض کنی، باید پول خرج کنی. تو نمی دانی آدم بعد از این که تمام روز را مشغول بسته بندی محموله ها بوده آخر وقت چه حسی پیدا می کند! من مثل دخترهای دیگری که باهم در انبار کار می کردیم نبودم. بعضی از آنها پس از ترک انبار، یک راست می رفتند سر قرار. من نمی توانم بروم و کسی را ببینم مگر این که حس و حال به خصوصی داشته باشم. به همین خاطر عادت داشتم بدو به خانه برگردم. هیچ گاه وقتی من می رسیدم، نویل خانه نبود.

- «اتفاق می خواستم همین را ببرم...»

- «نه، نویل باید تا آخر وقت کار می کرد، یا حداقل باید همان حوالی می ماند تا در صورت بروز هر اتفاق در محل باشد. برای همین او عادت داشت در راه بازگشت به خانه توی ماشینش شام بخورد. پس زمانی که او آن جا رسیده، باید بیشتر غذاها خراب شده باشند. می توانم به جرات بگویم که همین بیشتر باعث عصبانیتش شده است.»

- «ولی تو عصبی نبودی؟»

- «به تو می گویم. من خوش حال بودم. دیوانه وار خوش حال بودم. شاید تا حدی به حالت عصبی خوش حال بودم. این روزها در هر حالی که باشی، نسبتن شدیدتر از آن چیزی است که خودت حس می کنی. این چیزی است که من در مورد این جنگ کشف کرده ام.»

- «پس تو خوش حال بودی...»

- «من برای این خوش حالی دلایل خودم را داشتم - که ربطی به داستان ندارد.»

زن بعد از این که دو یا سه دقیقه تند تند سیگار کشید، به جلو خم شد تا سیگارش را در زیر سیگاری خاموش کند. بعد با لحن متفاوتی پرسید: «کجا بودیم؟»

- «لباس پوشیدن...»

- خوب، اولین کاری که پس از ورود به خانه انجام می دادم این بود که همیشه یک راست می رفتم به سمت مقابل و پنجره های اتاق خوابم را باز می کردم، چون به نظرم می رسید بوی زغال لباس های آن نظافتچی در اتاق پر شده بود. به این ترتیب، من همیشه این کارها را به نوبت

انجام می دادم و بعد حمام را روشن می کردم. همیشه انعکاس نور خورشید روی برگ درختها چشمانم را می زد و رایحه تند و غلیظ گل های می وارد خانه می شد. هیچ وقت مطمئن نبودم که از این بو خوشم می آید یا نه، ولی با استشمام آن حس می کردم که مست شده ام. بگذار فردا هر اتفاقی که می خواهد بیفتد، امشب که سرخوش هستم. تو این احساس را می شناسی؟ بعد حمام را روشن می کردم. حمام در اتاق دیگری در همان طبقه قرار داشت و دری از یک سمت تخت به سوی حمام باز می شد. من عادت داشتم وقتی حمام می کردم آن در را باز بگذارم تا حمام روشن باشد. وقتی حمام تاریک باشد، خیلی طول می کشد تا آماده بشود. تا حمام گرم شود، عادت داشتم خودم را به کاری مشغول کنم. مثلن شروع می کردم به درآوردن لباس هایی که برتن داشتم یا آرایش قدیمی صورتم را با کرم پاک می کردم یا کارهایی از این قبیل. می گویم خودم را سرگرم می کردم برای این که نمی شود در حمام کردن عجله کرد. همین طور عیبی ندارد به تو بگویم که گاهی هم سوت می زدم. خوب، چه اشکالی دارد که کسی خوش حال باشد؟ این که فکر کنیم دیگر دنیا به آخر رسیده، به پیروزی در جنگ کمک نخواهد کرد. وقتی به خاطراتم در آن ماه فکر می کنم، می بینم که اکثر اوقات در حال سوت زدن بوده ام. آن ها در انبار یک طوری به من نگاه می کردند! چیزی که عجیب به نظر می رسد این است که یادم هست که سوت می زدم ولی یادم نیست کی دیگر این کار را کنار گذاشتم. باید این کار را کنار گذاشته باشم چون بعد از آن بود که آن صدا را شنیدم.»

- «چی شنیدی؟»

زن دوباره بلند شد و در حالی که کمی اخم کرده بود ادامه داد: «آن چه که ابتدا شنیدم چه بود؟ همان بار اول؟ گمان کنم، سکوت بود. پس باید سوت زدن را قطع کرده باشم، درست است؟ من روی تختم دراز کشیده بودم و در پشت سرم باز بود، ولی ناگهان سکوت وادارم کرد سر جایم راست بنشینم. بعد به خودم گفتم: دختر، این که چیز عجیبی نیست. پس دیگر انتظار داشتی توی یک خانه خالی سوت و کور چه صدایی بشنوی؟ به هر حال، همان سکوت وادارم کرد وقتی در حمام بودم به پهلوی دیگر بچرخم تا بتوانم یک چشم خودم را به در بدوزم. بعد از یک دقیقه چیزی شنیدم که دیگر سکوت

نمود - چیزی که ناگهان باعث شد فکر کنم نویل زود به خانه برگشته است، و عیبی ندارد، بگذار به تو بگویم که فریاد زدم: لعنتی.»

- «آه...»

- وقتی از تو می پرسند کجا داری می روی این برایت یک جور مزاحمت است، ولی این که بگویی کجا بوده ای، هیچ مزاحمتی نیست. اگر نویل در خانه بود، مطمئنم که خانه را می گشت، بنابراین من سعی کردم ترس را کنار بگذارم و فریاد زدم: آهای! ولی او جواب نداد، چون اصلن او نبود.»

- «؟»

- نه او نبود، و هر چه که در اتاق خواب من بوده باید مدت طولانی همان جا بوده باشد. فکر کردم، نسیمی وزیده و وارد آن خانه خرابه لعنتی شده! خشکی همیشه بی قرارم می کند. گاهی وقتها خسته و نا امیدم می کند. به همین خاطر از حمام بیرون آمدم و حوله بزرگ را دور خودم پیچیدم و رفتم تا پنجره های اتاقم را ببندم. ولی وقتی سایه درخت های می را دیدم متعجب شدم - همه شاخه های شان صاف و بی حرکت ایستاده بود. عجیب بود. همزمان، دری که من از درونش گذشته بودم تا از حمام بیرون بیایم، محکم به دیوار خورد و بسته شد و در یکی از قوطی های کرم صورت من افتاد روی میز آرایش که یک رویه شیشه ای داشت.

نه راستش ندیدم چه بود. مسئله این است که آن هر چه که بود، مرا دیده بوده است.

آن بار اول، همه چیز خیلی به کندی گذشت. اگر فقط همان یک شب بود، به جرات می گویم که دیگر هرگز به آن واقعه فکر نمی کردم. فقط چیزهایی روی تو اثر می گذارند که پی در پی اتفاق می افتند. ولی کارهای من از یک لحاظ همیشه خنده دار بود - من به خصوص اصلن خوشم نمی آید که کسی نگاهم کند. شاید رفتارم این را نشان ندهد، ولی واقعن دوست ندارم از من انتقاد بشود. من فکر نمی کنم هیچ وقت بتوانم چاقویم را در بدن کسی فرو کنم، پس دیگران چرا باید چاقویشان را در بدن من فرو کنند؟ وقتی تا بناگوشم گر می گیرد، اصلن خوشم نمی آید.

رفتم که در قوطی کرم را سرچایش بگذارم و چراغ های روبه روی آینه را روشن کنم. چون چراغ های بین دو تا پنجره، هیچ وقت آنقدر که لازم بود نور نمی دادند. فکر کردم چهره ام تو آینه خیلی عجیب و غریب شده بود - درب و

بود. می‌توانستم همه چراغ‌ها را روشن کنم و کفش‌هایم را در بیاورم و قفسه‌ها را باز کنم و ببندم—او مثل یک مرده در خواب بود. فکر می‌کنم خوابیدنش غیرطبیعی بود. و آن اتاق، یک اتاق خیلی ساده، مثل همه اتاق‌های دیگر در همه خانه‌های دیگر بود و صبح‌ها که عادت داشت از روی تخت غلط بزند و پائین بیاد و تلپ تلپ برود و بدون این که حرفی بزند، قهوه درست کند، درست مثل خوابگردها بود و آن اتاق هیچ چیز دیگری نبود به جز اتاقی که تو در آن از خواب بیدار شده‌ای. درخت می که در خارج از خانه بود در آفتاب اول صبح مثل مروارید صورتی رنگ می‌درخشید و چند پرده روی آن آواز می‌خواندند. زیبا بود. دوست داشتم آن جا دراز بکشم و در اندیشه فرو بروم و منتظر بمانم تا نویل قهوه بیاورد.

اگر پیش از آن که از خانه بیرون بروم بیدار بودم، که به ندرت پیش می‌آمد، من و او چند کلمه خیلی دوستانه با هم حرف می‌زدیم. من اصلن احساس نمی‌کردم که ناگهان ممکن است انفجاری رخ دهد. اگر اجازه دادم این احساس در او به وجود بیاید که من شب‌ها با دخترانی که در انبار با آن‌ها دوست می‌شدم برای دیدن فیلم می‌رفتیم و بعد به آپارتمان دخترها باز می‌گشتیم تا اوالتین‌ها را مخلوط کنیم—خوب برای این بود که این کار به نظرم کاری عاقلانه می‌آمد و باید ملاحظه او را می‌کردم. کاش او هم کمی بیشتر علاقه نشان می‌داد که بداند من چه می‌کنم—ولی او به هیچ چیز غیر از کار خودش علاقه‌ای نداشت. من هیچ گاه به خاطر این از او انتقاد نکردم و با او بد رفتاری نمی‌کردم—لازم است بگویم خوب می‌دانم چه وقت می‌گوییم جنگ در گرفته است. مردها خیلی با هم تفاوت دارند. می‌بینی؟ آن مرد دیگر هم به اندازه نویل سخت کار می‌کرد ولی به من علاقه داشت. یک بار به من گفت به نظرش من خیلی آرام هستم ولی نویل هرگز به من چنین حرفی نزد. در واقع در تمام مدت یک ماهی که ما در آن خانه بودیم، به خاطر نمی‌آورم که نویل اصلن با من حرف زده باشد.

نه، آن روح نمی‌توانست تحمل کند که من به آن صورت که عادت داشتم هر شب از خانه بیرون بروم. او با یک پروتستان بود، که روی شانه‌اش یک علامت داشت، یا این که یک بار شانه‌اش ضربه خورده بوده. من بیشتر فکر می‌کنم که شانه‌اش ضربه خورده بوده—با این که نمی‌توانم

بگویم چرا. نه، نمی‌توانم بگویم چرا. من هرگز آدم زیرک و موشکافی نبوده‌ام. نمی‌دانم برای این تاسف بخورم یا نه. باید بگویم که از آدم‌های دقیق و ریزین اصلن خوشم نمی‌آید—سببه طور غریزی فکر می‌کنم که باید چنین آدم‌هایی را از زندگی‌ات کنار بگذاری. و در کل باید بگویم که من در این کار موفق بوده‌ام. ولی همان طور که می‌بینی، این یکی از مزیت‌های آن روح محسوب می‌شد. نمی‌توانستی او را... خوب، من نتوانستم او را از زندگی‌ام بیرون کنم. او آن جا بود. و هدفش این بود که مرا احاطه کند.

گاهی فکر می‌کنم که او یک همدست داشته که آن را همراه خودش می‌آورده است. بلاهای کوچکی که بر سر وسایل من می‌آمد... هر شب وقتی که در آن اتاق لباس می‌پوشیدم پنج دقیقه وقت از دست می‌دادم—منظورم این است که هر شب، پنج دقیقه بیشتر طول می‌کشید تا من لباس بپوشم. ولی همه این‌ها کمتر از آن چیزی بود که او واقعاً قادر بود انجام دهد. این فقط یک جور شروع عملیات برای از پا در آوردن من بود، پیش از آن که او فنون اصلی خود را رو کند. چیزی که واقعاً محیلانه بود، شیوه‌ای بود که رفتارش را تغییر داد. آن اولین باری (همان طور که به تو گفتم) که من احساس کردم او از من بدش می‌آید—خوب در واقع وقتی می‌گویم از من بدش می‌آمد، دارم سعی می‌کنم از شدت رفتارش کم کنم و آن را خیلی با ملایمت بیان کنم. ولی پس از یک هفته یا دو هفته او تا آخر خط رفت. لعنتی این حس را منتقل کرد که کاملن دست و پای مرا بسته و واقعاً برایم متاسف است. او برای هر تکه لباسی که من به تن می‌کردم ابزار تاسف می‌کرد و اصلن نمی‌توانست کلاه‌هایم را تحمل کند. او برای روشی که من صورتم را آرایش می‌کردم هم متاسف بود—عادت داشت وقتی من لوازم آرایشم را در می‌آوردم درست کنار بازویم بایستد و در نهایت ناامیدی به طور مطلق سکوت می‌کرد. او متاسف بود که من دیگر هرگز سی سالگی را نمی‌دیدم و متاسف بود که من باید برای همین به خودم دلداری می‌دادم... منظورم این است که او شروع کرده بود به تاسف خوردن برای من. می‌دانی وقتی می‌گویم رفتارش می‌توانست کاملن مسری بشود، منظورم چیست؟ و این تمام چیزی نبود که او به خاطرش برای من متاسف می‌شد. می‌خواهم بگویم چیزهای

داغان بودم. به خودم گفتم: خوب، با یک نفر یک کاری کرده‌ای؟ ولی آن یک نفر که بود؟ به جز نویل، به هیچ کس دیگری دقیقاً نمی‌توانستم فکر کنم. به هر حال، دیگر وقتی باقی نمانده بود—وقتی ساعت مچی‌ام را برداشتم، گفتم: خدایا! بعد درحالی که لباس می‌پوشیدم فرار کردم. یا بهتر است بگویم، سعی داشتم فرار کنم ولی انگار کسی یا چیزی سر راهم را گرفته بود و نمی‌گذاشت بگریزم. این همه چیزی است که از آن بار اول می‌توانم به خاطر بیاورم... فکر کنم. آه، بله، متوجه شدم که تور روی کلاه سفیدم آن طور که باید باشد، نبود. وقتی آن کلاه را پیش از حمام کردن روی سرم گذاشتم، همه چیز ترد و لطیف به نظر می‌رسید، مثل گل مینا—گل مینایی که همین امروز باز شده باشد.

می‌دانی چه حسی دارد که همه چیزهای خوب با هم در یک شب اتفاق بیفتند—به هیچ وجه قادر نخواهی بود جلوی خوشی‌ات را بگیری. بنابراین وقتی که به طبقه پائین می‌رفتم سعی می‌کردم از آن فکر فرار کنم. به خودم گفتم: خودت را از این وضع رها کن. تو شخصیت داری. عیبی ندارد اگر یکی دو تا لکه روی تور کلاهت افتاده باشد.

وقتی که به رستوران رفتم—به محض این که او را دیدم—همه هراس‌ها از ذهنم پاک شد. حالم دو برابر بهتر از همیشه شد. و همه چیز تغییر کرد...

حدود یک هفته بعد بود که دیگر باید با واقعیت روبه رو می‌شدم. باید با آن مقابله می‌کردم. هر چقدر بقیه امور زندگی‌ام بهتر و بهتر می‌شد، آن وقت از شب که فرا می‌رسید، هر شب بدتر و بدتر می‌شد. بهتر است بگویم می‌خواست که این طور بشود ولی من اجازه نمی‌دادم. وقتی همه چیزهای دیگر خوب و کامل باشند—خوب چه طور می‌توانی اجازه دهی یک چیز بد همه چیزهای خوب دیگر را خراب کند؟ یک چیز هیجان‌انگیز یعنی یک نوع چالش در این آگاهی وجود دارد که بدانی یک نفر هست که قصد دارد تو را از پا در بیاورد. و وقتی آن یک نفر یک زن دیگر باشد، تو خیلی زود راهی برای مقابله با دسیسه‌های او پیدا می‌کنی. آن زن حسود بود، تنها مشکلی که داشت همین بود.

برای این که همه وقت‌های دیگر آن اتاق فقط یک اتاق ساده بود. هیچ کس از من و نویل ایراد نمی‌گرفت و به ما اعتراض نمی‌کرد. وقتی من آخر شب‌ها به درون خانه می‌خزیدم، نویل خواب

به خصوصی هستند که زنی که شاد بوده است، سعی می‌کند از ذهنش دور نگه دارد. (یعنی وقتی زنی برای داشتن یک مرد خوش حال است.) و چیزهای دیگری هم هست که وقتی شوهرت آن مردی نباشد که تو به خاطرش خوش حالی، سعی می‌کنی از ذهن خودت دورشان کنی. چیزهای به‌خصوصی هست که از خودت نمی‌پرسی و چیزهای به‌خصوصی هم هست که تو ممکن است سعی کنی آن‌ها را به یاد نیآوری. حالا این‌ها دقیقن همان چیزهایی بودند که آن روح مرتب یاد آوری می‌کرد. او دوست داشت این چیزهای به‌خصوص را بیش از هر چیز دیگری مطرح کند.

آن چه که من نمی‌دانم، و هنوز هم نمی‌دانم این است که همه این چیزها با کسی که خوش حال است چه می‌کنند؟ با کسی که بهترین ماه زندگی‌اش را سپری می‌کند، در حالی که می‌گل داده است و همه چیز خوب و مرتب است. مگر من چه بدی به آن روح کرده‌ام؟ او مرده بود-گمان می‌کنم؟! ...بله، حالا می‌توانم ببینم، باید به او ضربه زده باشم.»

- «چه چیزی باعث می‌شود که تو چنین فکری بکنی؟»

- «حالا می‌دانم که ضربه خوردن چه حسی دارد.»

- «او...»

- «این طور مسخره به من نگاه نکن. من تغییری نکرده‌ام. تغییر کرده‌ام؟ تو نمی‌توانستی متوجه چیزی بشوی؟ ...انتظار دارم که فقط در این زمان از سال این طور باشد: ماه اوت ماه نسبتن خسته‌کننده‌ای است و ماجراها بی‌خبر به آخر می‌رسند، پیش از آن که بفهمی کجا هستی. امیدوارم جنگ تا بهار سال آینده تمام شود. می‌خواهم به خارج بروم، اگر بتوانم. می‌خواهم به جایی بروم که هیچ چیز به جز کاج و نخل نباشد. دیگر دلم نمی‌خواهد درخت می‌لندن را ببینم که گل‌های صورتی داده است-هرگز.»

- «نویل چطور؟»

- «نویل؟ آه... تو واقعن نفهمیدی؟ من نگفتم...؟ او، من، ما... می‌خواهم بگویم که ما از هم جدا شده‌ایم.»

زن برخاست و زیر سیگاری پراز خاکستر را که از آن دود بلند می‌شد برداشت و روی میز دیگر گذاشت، اندکی صبر کرد، بعد یک زیر سیگاری خالی آورد. بعد گفت: «از وقتی که از آن خانه رفتیم. به تو گفتم که از آن خانه رفتیم.

به خاطر همین بود. ما از هم جدا شدیم. این دومین چیزی بود که خراب شد. اگر ذهن من هنوز درگیر فکر نویل بود، او و من دیگر نیازی نداشتیم که-یعنی، ازدواج تو زندگی یک نفر مسئله مهمی است... من همیشه فکر می‌کردم با وجود تمام اتفاقاتی که ممکن بود بیفتند، من ازدواج می‌کنم. باید آن لحظه می‌فهمیدم که نویل تو حالت عصبی است. مثل یک احمق از کوره در رفتم و به نویل پریدم. صبرم را از دست دادم و در آن وقت، دیگر اصلن کنترل دست خودم نبود. وقتی تنها چیزی که برایش زنده بودهای، جلوی چشمت خرد و ریز ریز بشود...

این که می‌گویم همه چیز خرد و نابود شد، فقط یک کلمه است. حالا هنوز دارم می‌بینم، واقعن، مدت‌ها بود که همه چیز داشت رو به ویرانی می‌رفت. در زمانی که من ندیدم ولی حس کردم که درخت می‌در آن میدان پژمرد و از بین رفت-تا این که یک روز هوا به هم ریخت و من دیدم که رنگ می‌قهوه‌ای شده است. همه شادی‌ها متوقف شدند، مثل سوت زدن من که قطع شد-ولی این که در چه زمان خاصی این اتفاق افتاد، من هرگز مطمئن نیستم.

پایان یافتن آن روزها خیلی سریع آغاز شد. مثل من که هر شب که همدیگر را می‌دیدیم اندکی وقت ناشناس‌تر از قبل می‌شدم. همین باعث شد که ما میز خود را در همه رستوران‌ها از دست بدهیم-تو که میدانی این روزها رستوران‌ها چقدر شلوغ‌اند. بعد به طریقی اعتقاد پیدا کردم که هیچ کدام از لباس‌هایم به من نمی‌آیند؛ این فکر به سرم زد که آن مرد نامهربانانه به کلاه‌هایم نگاه می‌کند و این فکرها بی‌قرارم کرد و حالم بدتر شد. بعد نسبت به هر دختری که او درباره‌اش حرف می‌زد احساس احمقانه‌ای پیدا می‌کردم-دوست نداشتم هیچ کسی از من جوان‌تر باشد. بعد، در زمانی که یکی از خوش‌ترین و کامل‌ترین لحظات ما را تشکیل می‌داد، شروع کردم از خودم بپرسم که آیا واقعن خوش حال ام. تا این که به او گفتم-و

این حرف کشنده و مصیبت بار بود-این خیلی برایت مهم است؟... باید چراغ قرمزهای بیشتری را دیده باشم-وقتی مثلن او گفت: «میدانی... داری عصبی می‌شوی.» و اغلب اوقات او عادت داشت با حالتی خسته بپرسد: «خسته‌ای؟» من معمولن می‌گفتم، نه همه‌اش به خاطر این است که باید با عجله لباس می‌پوشیدم. ولی واقعیت این است که یک مرد از این که یک زن عجله

داشته باشد متفتر است. یک شب می‌دانم که شلوغش کردم، گفتم: «لعتنی یک روح توی اتاق من هست!» او یک تاکسی گرفت و مرا یک راست به خانه فرستاد-نه این که مرا به خانه برساند.

بعد از این ماجرا چندین بار دیگر او را دیدم. پس نامه‌اش-نامه‌اش یک سورپریز کامل بود... مسئله خنده‌دار این بود که، آن شبی که من دیر به خانه آمدم و نامه او را دیدم، واقعن با یک دختر بیرون رفته بودم.

اگر وقتی که من نامه را برداشتم، نویل آن جا نبود، نویل و من هنوز-گمان کنم-زن و شوهر بودیم. از طرف دیگر-همیشه همه اتفاق‌ها را می‌توان از دو زاویه نگاه کنی-اگر نویل آن جا نبود، من دیوانه شده بودم...

زن در حالی که لحنش تغییر کرده بود گفت: «پس حالا در یک هتل اقامت می‌کنم تا ببینم اوضاع چطور پیش می‌رود. تا این که جنگ تمام شود یا یک اتفاقی بیفتد. واقعن این خیلی بد نیست و من هر روز را بیرون خانه می‌گذرانم. بیا، من نشانی و شماره تلفنم را به تو می‌دهم. عزیزم دیدن تو واقعن شگفت‌انگیز بود. قول می‌دهی که باز هم یکدیگر را می‌بینیم؟ من واقعن نیاز دارم که با دوستانم در ارتباط باشم. تو هم که چندان با کسی که یک روح دیده است ملاقات نمی‌کنی!»

- «ولی نگاه کن، تو هرگز یک روح دیده‌ای؟»

- «خوب نه دقیقن. نه نمی‌توانم بگویم که دیده‌ام.»

- «منظورت این است که فقط شنیده‌ای؟»

- «خوب، نه دقیقن...»

- «تو دیده‌ای که اشیاء حرکت کنند؟»

- «خوب من هیچ وقت به موقع سرم را بر نگرداندم تا...»

- «اگر نمی‌توانی بفهمی که قضیه چه بوده است-اصلن متاسفم که این داستان را برای تو تعریف کردم! آن روح نبود-وقتی که همه زندگی مرا نابود کرد! نمی‌بینی، نمی‌توانی بفهمی که یک چیزی باید بوده باشد؟ وقتی کسی به حال خودش رها شده باشد، زندگی خودش را ویران نمی‌کند!»

توضیح: جهت شنیدن این داستان با صدای مترجم، خانم مریم حسینی، به لینک مربوطه روی سایت هفته مراجعه کنید.



گفت‌وگوی اختصاصی هفته با زینب موحد هنرمند نقاش: من به مثابه «زن» در کارهایم حضور دارم

برای من کلمه‌ها تصویرند و تصویرها کلمه و جدایی در آن‌ها نمی‌بینم. این دو درهم‌تنیده می‌شوند و چیزی به نام احساس را در من شکل می‌دهند که این احساس بعد از عبور از فیلتر اندیشه و آگاهی من به سنتزی می‌رسند که اثر را شکل می‌دهد.

به نظر می‌رسد هنرمندان آثار خود را هم تحت تأثیر تجربه‌ی شخصی خلق می‌کنند و هم طبیعتاً بعدی جمعی به آن می‌دهند. در آثار تو عموماً خانم‌ها تصویر شده‌اند در موقعیت‌های مختلف بی‌آنکه چهره‌ی آن‌ها پیدا باشد. این احساس به من دست داد که آثار نوعی «خودنگاری» (Autography) هستند. چون انگار خودت را در موقعیت‌های مختلف تصور کرده‌ای. در عین حال، چهره پیدا نیست. در نتیجه، هم خودت هستی و هم نیستی... خودت هستی به تفریق از چهره‌ات... یعنی زنی در جامعه... آیا این برداشت من درست است؟ در این صورت توضیح می‌دهی؟

سؤالی که مطرح کردید جواب را در خودش مستتر دارد.

در مورد شخص من در جایگاه نقاش، تک‌تک کارهایم از تجارب زیست شده‌ام در دوره‌های مختلف زندگی‌ام از کودکی تا به الان دخیل بوده. آن قدر نزدیک که خیلی از آن‌ها را می‌توانم مستقیماً به دوره‌ها و اتفاقات مشخصی در زندگی‌ام ارجاع دهم. که البته بازگو کردن این جزئیات کمکی به

کارها کرد و مخاطب ارتباط بیشتری با آثار برقرار کرد. جمله معروف محدودیت باعث خلاقیت هست رو اینجا برای بار چندم (در فضای فرهنگی ایران) تجربه کردم.

در مورد شرایط ناپایدار عنوان مجموعه کمی دیر شکل گرفت. شاید اواسط انجام پروژه. برخلاف دوره‌های قبل تصویر من رو با خودش همراه کرد و جلو برد. یک جور عدم قطعیت در تک‌تک اجزا این مجموعه هست. همه چیز در حال تبدیل شدن از چیزی به چیزی دیگر است که اتفاقاً این ناپایداری وعدم ثبات با خود نفس زندگی و هر آنچه دروست تنیده شده. همه چیز گذراست کافیه که فقط کمی دقت کنیم. در دورانی که نام مجموعه شکل گرفت هم دوران اوج کووید بود و هم آشفتگی سیاسی و اقتصادی و فرهنگی ایران، سال ۱۳۹۸ - ۱۳۹۹ و من که همیشه و به‌طور ویژه‌ای معتقد به (دائماً یکسان نباشد حال دوران) و نظاره‌گر عبور و تغییر شرایط، ناپایداری و بی‌ثباتی رو بیشتر از هر زمان دیگری حس می‌کردم. هم‌زمانی این تصاویر در کارهایم و حال و هوای فکری توصیف‌شده من رو به عبارت (شرایط ناپایدار) نزدیک کرد که اتفاقاً برخلاف همیشه که نوعی شاعرانگی در عنوان دوره‌های مختلف کارهایم بود این بار جنبه‌ی خبری داشت و می‌توانست تأثیر متفاوتی بر روی مخاطب بگذارد و از آن گذشته پیدا کردن عنوان درست بر روی مجموعه برای خود من بسیار اهمیت ویژه‌ای دارد که این عبارت کاملاً درست و به‌موقع نمایان شده بود.

زینب عزیز! سال ۱۳۹۷ آثار خودت را با عنوان کلی «باغ محصور» به نمایش گذاشتی... در ۱۴۰۰ عنوان «شرایط ناپایدار» را انتخاب کردی... در ارتباط با هنرهایی که ابزارشان کلمه نیست، بلکه عناصر سازنده‌ی آن‌ها عناصر انتزاعی‌تر مثل رنگ و شکل و طرح است، به گمانم نام‌گذاری هنرمند اهمیت ویژه‌ای پیدا می‌کند. چون نامی که شما بر اثر یا آثار خود می‌گذارید، تا حدی ذهنیت شما را آشکارتر بیان می‌کند. بر این اساس سؤال می‌کنم چرا «شرایط ناپایدار»... چرا «باغ محصور»؟

در حقیقت در مورد باغ محصور قرار نبود این عبارت عنوان مجموعه باشد. از اول به‌عنوان (باغ تن) نام‌گذاری شده بود و با همین دو کلمه تصویرهای زیادی در ذهن من شکل گرفت. یعنی به شوق می‌آورد من رو چون هر آنچه که در آن دوران مشخص می‌خواستم برون‌ریزی کنم از این عبارت ملهم می‌شد. چهار روز قبل از نمایشگاه گالری گفت ارشاد اجازه نداده این عنوان روی پوستر برود و فقط چهل دقیقه به من زمان دادند تا عنوان جدید رو بگویم برای چاپ کاتولوگ و پوستر. دقایق بدی بود و زیر فشار روحی (باغ محصور) به ذهنم رسید که ابراز تمام خفگی‌های تحمیلی و محدودیت‌های موجود چه به‌عنوان زن و چه به‌عنوان نقاش روی من بود. این در حصار بودن تن کمک به مفهوم‌سازی بیشتر

تأثیرگذاری بیشتر اثر حداقل من نمی‌خواهم که بکند و برای من محفوظ خواهد ماند و همین‌که در جایگاه محرک شکل‌گیری اثر عمل می‌کند کفایت.

چیزهایی که گریبان مرا می‌گیرد و شدیداً نیازمند به برون‌ریزی‌ست و تا زمانی که تبدیل به نقاشی نشوند تصاویر جدیدی جایگزین آن در ذهن من نخواهد شد و طبیعتاً در چنین شرایطی چرخه تولید اثر متوقف می‌شود.

این‌ها را به تفضیل گفتم که به اهمیت تجربه شخصی هنرمند (بعضی هنرمندان) در پروسه

از مجموعه «شرایط ناپایدار»



خلق اثر اشاره کنم. پرتره زن به کرات در دوره‌های مختلف کاری من در نقاشی‌هایم حذف‌شده به چند دلیل.

از آنجایی که کارهای من به‌نوعی خودنگاره است ولی هدف من این نیست که مخاطب زینب موحد را در کار ببیند. من به مثابه زن (هر زنی) در کارهایم حضور دارم و این کمک بسیار زیادی به هم‌ذات‌پنداری مخاطب زن در آثارم می‌کند.

شاید یکی از دلایل انتخاب خودم به‌عنوان سوژه این باشد که ارتباط بیشتری با تن و فیگور خودم برقرار می‌کنم و پیدا کردن فرم و رنگ و نور مناسب و پوشش سوژه برایم قابل‌دسترس‌تر است. در بعضی جاها پرتره به این دلیل حذف‌شده که اعتراضی به اهمیت بیش‌ازحد به تن زن باشد.

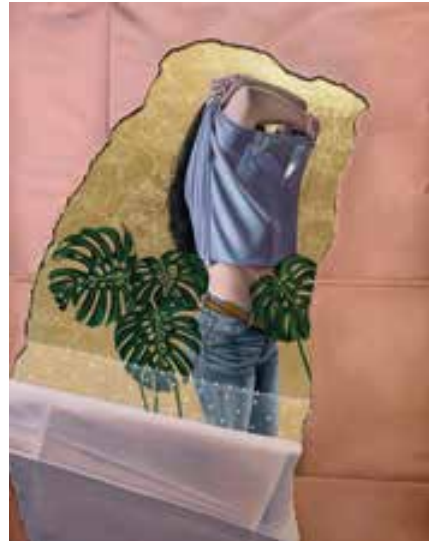
زنی که تنش مهم است چه در جایگاه معشوق چه در جایگاه همسر و مادر، به خاطر جنبه جنسی و کار فیزیکی که در خانه می‌کند صورتش به‌عمد حذف می‌شود و تنش در تصویر باقی می‌ماند. تنی که اتفاقاً منفعل و مطیع نیست. ذهنی آگاه هدایت‌گر آن است. زنی که کتاب و روزنامه می‌خواند و اجازه نمی‌دهد که شرایط تحمیلی و وظایفش او را از دغدغه‌ها و آرزوهایش در جایگاه یک انسان امروزی و آگاه دور نگه دارد. در نتیجه از موقعیت ابژه جنسی بسیار فراتر می‌رود و موقعیت خود را در جایگاهی انسانی آزاده ابراز می‌کند. و حذف سروصورت نتیجه

عکس چیزی که توصیف شد را می‌دهد.

چه عالی... زینب! بگذار بگم که من هیچ پروا نکرده‌ام که خودم را فمینیست بنامم. چون فمینیسم برای من معنای ساده‌ای دارد: اینکه زنانه‌نگری را باید جدی گرفت و باید از دید رنان هم نگریت. هر جامعه‌ی انسانی که نیمی از جمعیت آن زن است، باید بتواند از دید رنان هم به خود نگاه کند. به قوانین خود، به عرف خود، به مذهب خود... من حتی دین تازه‌ای می‌شناسم که زنان را در برگزاری مناسکش در اولویت قرار می‌دهد. اما خود این واژه‌ی «فمینیسم» (زنانه‌نگری) مقاومت‌های بسیاری را برانگیخته است. حتی از ناحیه‌ی مردم تحصیل‌کرده از زن و مرد. نظر تو چیست؟ «فمینیسم» را چطور می‌فهمی؟ مطابق با فهم من، کارهای تو فمینیستی‌ست. (زنانه‌نگرانه) آیا این عنوان را برای خودت و آثارت قبول می‌کنی؟ یا ملاحظاتی داری؟

بین نیما متأسفانه در حق این کلمه اجحاف شده به خاطر رویکردهای نابجا و تندروی‌های عجیبی که دسته‌های مختلف فمینیستی ابراز کردند. در جامعه





باغ محصور ولی با لحن صریح تر و تندتری تصویر شدن. اصل کارها در لندن بود و به دلیل تصمیم و برپایی سریع نمایشگاه کارها به شیکاگو نمی‌رسید ولی به‌رحال به صورتی دیگر به روی دیوار رفت.

همراه که از بطن و بدنه این اتفاقم. سال‌هاست دارم در کارهام فریاد زن زندگی آزادی سر میدم و خوشحالم که بالاخره فریاد ما شنیده شد. یک اثر از مجموعه باغ محصور از من در این نمایشگاه هست و سه اثر دیگر به‌صورت اسلاید بر روی دیوار به نمایش گذاشته میشه که اتفاقاً در راستای مجموعه

ما دقیقاً بعد اشتباه این واژه جا افتاده. یک فمینیست رو مردستیز می‌دونند در صورتی که آن بخش هویت مستقل و داشتن استقلال مالی و اجتماعی زن رو از خواستگاه فمینیسم برداشتند و اون رو تبدیل به مردستیزی کردند.

بله، من فمینیست هم هستم. چه بخوایم و چه نخواهیم، همین‌که آثار من روایت‌های زن محور و مصائب و مشکلات و دغدغه‌ها ویژگی‌ها و حتی لطافت‌های زن رو بازگو می‌کنه زیر بیرق فمینیسم قرار می‌گیره. من نه ابایی دارم از گفتن اینکه آثارم فمینیستیه و نه افتخار می‌کنم.

روان من به‌عنوان یه انسان، یک زن و یک نقاش نیاز به برون‌ریزی‌هایی از این دست داره و تا زمانی که هست من همراهشم و سانسور و یا تکذیبش نخواهم کرد. اصولاً نه با ستایش این رویکرد موافقم و نه با تقبیح و سرکوبش.

تا زمانی که زن هست فمینیسم هم هست پس دشمنی و مقاومت کردن چه در هیئت یک روشنفکر تحصیل کرده و چه در هیئت یک انسان ناآگاه مسخره و بیپوده ست. صحبت‌های زیادی میشه در این مورد کرد که نه من تخصص و دانش کافی دارم و نه اینجا مجال گفتنش هست.

زینب در مورد این نمایشگاه آثارت که در شیکاگو از هشتم دسامبر برگزار شده هم می‌خوای توضیحاتی بدی؟ اسمش «زن، زندگی، آزادی» بود... مفهومش اینکه که تو هم از هنرمندانی هستی که با انقلاب زنان در ایران هم‌دل و همراهی؟

مسلماً و بدون شک منم همراه انقلاب زنانم. نه تنها



بنویس من زن عرب نیستم

نام کتاب: بنویس من زن عرب نیستم
 نویسنده: زنان نویسنده عرب
 مترجم: سمیه آقاجانی
 سال چاپ: ۱۳۹۸
 ناشر: ماهی
 تعداد صفحات: ۲۰۰

درباره نویسنده

«بنویس من زن عرب نیستم» کتابی از مجموعه داستان‌های زنان نویسنده عرب است که به انتخاب مترجم، گردآوری شده است. این داستان‌ها که از میان آثار نویسندگان مختلف و از کشورهای گوناگون عربی انتخاب شده، آثار نویسندگان شاخص و برجسته‌ای همچون «غاده السمان»، «حنان الشیخ»، «آمال مختار»، «علویه صبح»، «رضوی عاشور»، «هیفاء بیطار»، «لیلی عثمان»، «فاطمه یوسف العلی»، «هدی برکات» و «عالیه ممدوح» را از کشورهای سوریه، لبنان، مصر، کویت و تونس در بردارد.

درباره مترجم

سمیه آقاجانی مترجم «بنویس من زن عرب نیستم» کتاب‌های همچون بیروت ۷۵، بی‌قراری، افسانه‌های ملل، شیراز و آثاری دیگر را در کارنامه خود دارد.

درباره کتاب

داستان‌های مجموعه‌ی «بنویس من زن عرب نیستم» محدودیت‌ها و محرومیت‌های زنان عرب را به تصویر می‌کشد و مسائل مختلفی را از حقوق و تنهایی گرفته تا ازدواج، جنگ و مهاجرت، زیر ذره‌بین می‌برد. در فضای قصه‌های این مجموعه غم و اندوه زنان، تبعیض و جرقه‌هایی از شادی و امید به چشم می‌خورد و دیدگاه انتقادی نویسندگان به مسائلی همچون ضعف سیستم قانون‌گذاری پیرامون حقوق زنان، به رسمیت نشناختن حقوق آنان به‌عنوان مادر و همسر و خدشه‌دار شدن آزادی آنان به‌وضوح ملموس است.

گزیده کتاب

شهرهای بسیاری را دیده‌ام، اما هنوز سنگ بیروت را به سینه می‌زنم. آری، بیروت و خیابان‌هایش را می‌پایم، پوشیده از زباله‌ها و آدم‌هایی که بهتر است بی‌سرشماری زندگی کنند. داستان جوانان دیروز این شهر که پیکرشان بر دوش‌ها افتاده بود مرا از هوش می‌برد. اما من... تا امروز بیروت هیچ وعده‌ای به من نداده است... زور این شهر بر هر وعده‌ای می‌چربد و هر که را دست‌خالی و معمولی و بی‌سلاح باشد با هیاهو و تنهایی کیفر می‌دهد. ما کمک کردیم بیروت سرپا بماند. ماندن کار بیروت است، چون ما را خوب نمی‌شناسد، مایی که شکست‌ها شیرهی جانمان را کشیده‌اند.

برای تهیه کتاب به وبسایت پرستوک مراجعه کنید parastook.com

ایران بین دو انقلاب



نام کتاب: ایران بین دو انقلاب
 نویسنده: پرواند آبراهامیان
 مترجمان: احمد گل محمدی، محمدابراهیم فتاحی
 سال چاپ متن زبان اصلی: ۱۹۸۲
 سال چاپ اول: ۱۳۷۷ (نشر مرکز)
 ناشر: نشر نی
 تعداد صفحات: ۷۲۸

درباره نویسنده

پرواند آبراهامیان متولد ۱۳۱۹ در تهران، تاریخ‌نگار ایرانی-آمریکایی و ایرانی ارمنی تبار است. او در تهران به تحصیل پرداخت و سپس روانه انگلستان شد از دانشگاه آکسفورد درجه‌ی کارشناسی ارشد گرفت و از دانشگاه کلمبیا موفق به اخذ درجه دکترا شد. آبراهامیان هم‌اکنون استاد تاریخ عمومی — به‌ویژه تاریخ اروپای جدید و جهان سوم — در کالج باروک دانشگاه نیویورک است. پروفیسور آبراهامیان تاکنون کتاب‌ها و مقالات گوناگونی را خصوصاً درباره ایران معاصر نوشته است.

درباره مترجمان

دکتر احمد گل محمدی مدیر گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی بود. او در مرداد ۱۴۰۰ بر اثر ابتلا به کرونا درگذشت. محمدابراهیم فتاحی فارغ‌التحصیل مقطع کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل از دانشکده حقوق دانشگاه تهران است.

درباره کتاب

آبراهامیان در کتاب «ایران بین دو انقلاب» به تحلیل و تأثیرات متقابل سازمان‌های سیاسی و نیروهای اجتماعی ایران از سده‌ی نوزدهم میلادی تا انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ می‌پردازد. او با تقسیم‌بندی‌های نیروهای اجتماعی به گروه‌های قومی و طبقات اجتماعی و با توجه به دستاوردهای جامعه‌شناسان و بررسی نقش اسلام، تأثیر و تأثرهای نیروهای سیاسی، علت وقوع انقلاب اسلامی را بررسی می‌کند. این کتاب دارای سه بخش و یازده فصل است. پیشینه تاریخی، سیاست ستیز اجتماعی و ایران معاصر عنوان این سه بخش است.

گزیده کتاب

«این مشکلات اقتصادی و فشارهای خارجی موجب بی‌ثباتی رژیم شد. شمار اعتصابات بزرگ در سال‌های ۱۳۳۴-۳۶ بیش از سه مورد نبود، در سال‌های ۱۳۳۶-۴۰ به بیش از بیست مورد رسید که برخی با درگیری‌های خونین میان اعتصابیون و نیروهای مسلح پایان یافت. همچنین، از هنگامی که شاه برای خشنودی واشنگتن اجازه داد تا نامزدهای مستقل و جبهه‌ی ملی هم وارد صحنه انتخابات شوند، انتخابات مجلس بیستم که از خرداد ۱۳۳۹ همچون مسابقه‌ای مهارشده میان دو حزب سلطنت‌طلب آغاز شده بود به‌صورت کشمکش شدیدی درآمد.»

برای تهیه کتاب به کتابفروشی سرای بامداد در تورنتو مراجعه کنید. bamdad_book_store@

تماس با نویسنده بخش معرفی کتاب
 برای پیشنهادهای و یا پرسش‌های مرتبط به
 اینستاگرام خانم فرزانه صفایی مراجعه کنید.

 @safaeefa





فروشگاه دانیکا افتتاح شد

انواع آجیل و محصولات ایرانی، برنج، کنسرو، سبزیجات خشک
انواع چای و دمنوش ایرانی



با قهوه و شیرینی
مهمان ما باشید

5571 Boul. de la Verendrye Montreal, QC H4E 3R6

VANTAGE

همراه با شما در خرید آگاهانه
همگام با شما در فروش موفقیت آمیز

آتوسا تنگستانی فر

مشاور املاک و متخصص وام مسکن

سرویس رایگان و خدمات ویژه برای:

- تهیه فوری وام مسکن
- مشاوره برای فروش مسکن
- کلیه امور مربوط به خرید مسکن

514 995 3041

atosa.far@gmail.com

8290 Boul. Décarie # 150
Montreal, QC H4P 2P5



بهروز باباخانی

Behrooz Babakhani

مشاور رسمی وام مسکن،
بیمه و برنامه‌های بازنشستگی

با بیش از ۱۴ سال سابقه موفق
در زمینه تهیه وام مسکن
در استان کبک

Mortgage Broker &
Financial Security Advisor

Behrooz@Babakhani.ca

514-606-5626



سرور صدر

خدمات حسابداری و دفترداری

Accounting & Bookkeeping Services
With appointment

- ✓ اظهارنامه مالیاتی برای افراد و شرکت‌ها
- ✓ امور دفترداری و حسابداری
- ✓ تاسیس و ثبت شرکت‌ها

(514) 777-3604 loyale.accounting@gmail.com

5263 Boul Cavendish, Montreal, Qc H4V 2R6



The holidays are fast approaching.

Get vaccinated against COVID-19 now so you'll be protected in time.

Make an appointment at Quebec.ca/COVIDvaccine

Votre gouvernement Québec

Agence immobilière GROUPE IMMOBILIERE LONDONO REALTY GROUP INC

خانه شما، خانه ما

شهرام والقان
کارشناس املاک مسکونی

- ✓ خرید، فروش، اجاره، پیش فروش و بیش خرید هوشمندانه
- ✓ کمک به فروش خانه شما در کمترین زمان و بیشترین قیمت
- ✓ ارزیابی رایگان ملک شما

Shahram.alamshahi
Shahram_realtor
shahram@londonogroup.com

(438) 402-9363

ROYAL LEPAGE
Du QUARTIER
AGENCE IMMOBILIÈRE

نازک سلیمانپور
مشاور رسمی املاک مسکونی در استان کبک

- ارزیابی رایگان ملک برای فروشندگان
- مشاوره رایگان برای خریداران
- همکاری با تیم حرفه ای جهت اخذ وام مسکن

(438) 872-7373

Nazak Soleimanpour
Courtier Immobilier Résidentiel
Residential Real Estate Broker

soleimanpournazak@royalpage.ca

Office: 6971 Ch. Côte-de-Liesse, #C, Montréal (St-Laurent), QC H4T 1Z3

وکیل رسمی دادگستری کبک

Niousha Riahi LL.B., J.D., LL.M



Riahi Legal

نیوشا ریاحی

WWW.RIAHILEGAL.COM



مشاوره آن لاین و یا حضوری در دفتر ما
در مرکز شهر مونتreal

514-953-3570

RIAHI@RIAHILEGAL.COM

2001 Blvd. Robert Bourassa #1700 Montréal, Quebec H3A 2A6

+989912535922 تماس از تهران

- ✓ حقوق تجاری
- ✓ حقوق خانواده در کبک
- ✓ طرح دعاوی و دفاع در دادگاه های کبک
- ✓ مهاجرت به کانادا

آنچه رویای شماست، تلاش من خواهد بود

مشاور املاک مسکونی و تجاری

خریده، فروش، پیش فروش و اجاره کلیه املاک
مسکونی، تجاری و صنعتی
خرید و فروش بیزنس ها
کمک به اخذ وام مسکن با کمترین نرخ بهره
همراهی در کلیه امور مربوط به محضر



هلیا حارثی دوست

(514) 996-1065

helia_realtorIntl

helia@londonogroup.com

GRUPE IMMOBILIER
LONDONO
REALTY GROUP INC

Proxim

بیست سال تمام در خدمت جامعه ایرانی

داروخانه پروکسیم شادی کبک

در خیابان سن لوران



PROXIM PHARMACIE CHADI KABAK



دلیوری رایگان به منزل شما
در سراسر منطقه مونتreal بزرگ، لاول و ساوت شور

دسترسی شما به دارو همه روزه
و شبانه روزی توسط صندوق های هوشمند ما

Tel: (514) 288-4864

Fax: (514) 288-4682

4084 Saint-Laurent Blv, Montreal, Qc H2W 1Y8

kabakc@groupeproxim.org



گزارش
ویژه

۲۲ مقام تازه تحریم شده جمهوری اسلامی توسط کانادا (بخش دوم)

عبدالکریم گراوند، به‌عنوان یک بسیجی و مدیر دولتی اصلاح‌طلب شناخته می‌شود. این سیاستمدار ۵۸ ساله در از سال ۱۳۹۶ تا سال ۱۴۰۰ به‌عنوان استاندار بوشهر فعالیت داشت. سابقه شرکت در جنگ ایران و عراق به گراوند کمک کرد تا بتواند در دولت روحانی به‌عنوان استاندار بوشهر هم منصوب شود. این سیاستمدار و بسیجی اهل کوهدشت استان لرستان، در دولت روحانی هم حدود دو سال به‌عنوان معاونت مدیرکل سیاسی وزارت کشور فعالیت داشته است.

او متهم است که در سرکوب اعتراضات آبان ۹۸ در بوشهر نقش پررنگی داشته است. همچنین او متهم است که در سال ۱۳۹۶ هم به‌عنوان استاندار بوشهر، نقش جدی در سرکوب خشن اعتراضات مسالمت‌آمیز مردم بوشهر، ایفا کرده است.



محمد محمودآبادی، آخوندی با سابقه سرکوب خشن اعتراضات سیرجان

مردم سیرجان، دل خوشی از این آخوند ۵۴ ساله ندارند. او از سال ۹۶ تا ۹۸، بدون سابقه تحصیلی و مدیریتی روشنی به‌عنوان معاون حوزه استانداری

که جانشینی فرمانده یگان‌های ویژه ناجا را بر عهده داشته و در این اظهاراتش، خواستار محدودیت ارتباطات بین دختر و پسر، حتی برای کودکان پنج‌ساله است.

این سردار سپاه که اخیراً در لیست تحریم‌های کانادا نیز قرار گرفته است، در مهرماه امسال نیز از سوی دادگاه بین‌المللی مردمی آبان به دلیل نقشش در سرکوب اعتراضات آبان ۹۸ به جنایات علیه بشریت متهم شد.

او در جریان سرکوب اعتراضات سراسری سال ۱۴۰۱ هم نقش پررنگی داشته است و هرچه تجربه در سرکوب سال ۹۸ کسب کرده، به میدان اعتراضات سال ۱۴۰۱ آورده است. نیروهای تحت مدیریت این فرمانده سپاه با ضرب و شتم معترضان، دستگیری آنان و حتی شلیک مستقیم به معترضان، بارها اعتراضات مردمی را به خاک و خون کشیده‌اند. او به‌عنوان معاون آموزش یگان ویژه ناجا نیز مسئولیت داشته است.



عبدالکریم گراوند؛ بسیجی اصلاح‌طلب و متهم به کشتار معترضان بوشهری

اعدام محسن شکاری، جوان معترض در ایران با موجی از واکنش‌های جهانی مواجه شده است. در این بین، کانادا در واکنش به این اعدام، ۲۲ مقام جمهوری اسلامی را تحریم کرد.

به گزارش هفته، این افراد مجموعه‌ای شامل اعضای ارشد قوه قضاییه، مدیران زندان‌ها، فرماندهان نیروی انتظامی و همچنین رهبران سیاسی مانند دستیاران ارشد خامنه‌ای، چهره‌های رسانه‌ای و مقامات نزدیک به بیت رهبری را شامل می‌شود.

در بخش اول این گزارش به معرفی ۱۱ نفر از این افراد تحریم شده توسط دولت فدرال کانادا، پرداخته شده است.



حبیب‌الله جان‌نشاری؛ باتجربه در سرکوب خونین اعتراضات مردمی

«در مهدای کودک تهران به بهانه جشن، موسیقی پخش می‌کنند و دست دختر پنج‌ساله را در دست پسر می‌گذارند. خانواده‌ها باید چنین فرهنگی را از خود دور کنند. دشمن، دین را هدف قرار داده است.»

این‌ها بخشی از گفته‌های حبیب‌الله جان‌نشاری است

استان کرمان منصوب شد. سپس او از اردیبهشت تا آذر سال ۹۸ به‌عنوان فرماندار سیرجان، مسئولیت گرفت. او در ایام اعتراضات آبان ۹۸ متهم است که به‌عنوان فرماندار، دستور شلیک مستقیم به معترضان سیرجانی را صادر کرده و متهم به کشتار شهروندان معترض است.

محمد محمودآبادی، تحصیلات حوزوی دارد و در سیرجان به دنیا آمده؛ یعنی همان جایی که متهم است همشهری‌های خودش را به خاک و خون کشیده است. او مدتی هم به‌عنوان مدیر مرکز اسناد و کتابخانه ملی استان کرمان، در نقش روحانی اهل فرهنگ، مسئولیت داشته است.



قربانعلی دری نجف‌آبادی؛ متهم ردیف اول قتل‌های زنجیره‌ای

او از جمله افراد بانفوذ در دستگاه قضایی جمهوری اسلامی است که پرونده اتهامات او در حوزه نقض حقوق بشر، بسیار گسترده است. از او به‌عنوان یکی از افراد معتمد رهبر جمهوری اسلامی یاد می‌شود که مسئولیت‌های کلانی هم با تحصیلات حوزوی، عهده‌دار بوده است.

این آخوند ۷۷ ساله اهل نجف‌آباد به‌عنوان دادستان کل کشور از سال ۱۳۸۲ تا سال ۱۳۸۸، احکام سنگینی برای معترضان صادر کرد و قبل از آن هم چند دوره نماینده مجلس شورای اسلامی بوده است. پرونده‌های نقض حقوق بشر او از سال ۱۳۷۰ شدت گرفت. او در این سال متهم به آزار و اذیت سیستماتیک دراویش گنابادی شد.

همچنین اتهام قتل روشنفکران و دگراندیشان در سال ۱۳۷۷ نیز یکی دیگر از اتهامات جدی اوست. او در این سال به‌عنوان وزیر اطلاعات، متهم است که یکی از نقش‌های اصلی را در پرونده قتل‌های زنجیره‌ای مخالفان جمهوری اسلامی، ایفا کرده است.

نقض حقوق شهروندان بهائی از اسفند ۱۳۸۶ تا شهریور ۱۳۸۸ و مشارکت جدی در سرکوب اعتراضات ۱۳۸۸ از دیگر اتهامات سنگینی است که دری نجف‌آبادی تاکنون به آن پاسخ نداده است. در تاریخ ۲۳ فروردین ۱۳۹۰ هم اتحادیه اروپا، دری نجف‌آبادی را به دلیل برگزاری دادگاه‌های نمایشی معترضان به نتایج انتخابات سال ۱۳۸۸ به فهرست تحریم‌های حقوق بشری اضافه کرد.



احمد علم‌الهدی، حاکم خراسان و مدافع سرسخت حجاب اجباری

احمد علم‌الهدی از سال ۱۳۹۴ تاکنون به‌عنوان نماینده ولی‌فقیه جمهوری اسلامی در استان خراسان رضوی، قدرتی فراتر از استاندار خراسان داشته است.

جلوگیری از برگزاری کنسرت‌های موسیقی و برنامه‌های هنری در مشهد، او را به شخصیتی مشهور و البته منفور در بین علاقه‌مندان به فرهنگ و هنر تبدیل کرد.

او با دعوت به سرکوب و مجازات زنانی که حجاب اسلامی را رعایت نمی‌کنند و درخواست تفکیک جنسیتی در دانشگاه‌ها، پیشینه سنگینی در نقض حقوق زنان دارد. او حتی در یکی از سخنرانی‌هایش گفته بود که بدحجابی گناهی بدتر از اختلاس است. او بارها در خطبه‌های علنی خود از پلیس و شهروندان خواسته است که با افراد بدحجاب، مقابله کنند.

او اوایل انقلاب به‌عنوان رئیس کمیته امداد و کمیته انقلاب در تهران نیز مسئولیت داشت. واعظ طبسی از روحانیون پرنفوذ در جمهوری اسلامی بود که بعد از مرگ واعظ طبسی، ستاره اقبال علم‌الهدی نیز درخشید. علم‌الهدی که از سال ۱۳۸۴ به‌عنوان امام‌جمعه موقت در مشهد شناخته می‌شد، بعد از مرگ واعظ طبسی به‌عنوان نماینده ولی‌فقیه و

جانشین تاج‌وتخت واعظ طبسی منصوب شد. او در جریان اعتراضات سراسری امسال نیز بارها خواستار تشدید برخورد با معترضان شده است. او در خطبه‌های نمازجمعه مشهد در ۲۷ آبان ۱۴۰۱ گفته بود: «این‌هایی هم که روسری از سر برمی‌دارند و برای رضایت آمریکا کشف حجاب می‌کنند، بدانند که آمریکا به آنان به چشم همان روسپی‌های کودتای ۲۸ مرداد نگاه می‌کند. آیا راضی هستید که عفت خود را رها کنید تا آمریکا خوشش بیاید؟» علم‌الهدی که به‌عنوان نماینده مجلس خبرگان جمهوری اسلامی هم مسئولیت دارد، در جریان اعتراضات سال ۱۳۸۸ هم مواضع تندی داشت. او در بحبوحه اعتراضات در آن سال‌ها، مخالفان خامنه‌ای را به تعبیر قرآن از حزب شیطان دانست. او در آن زمان گفته بود که جنگ ما در دنیا جنگ با مخالفان ولایت‌فقیه است.

هیچ سابقه علمی و تحصیلی از علم‌الهدی در دسترس نیست؛ به جز تحصیلات حوزوی. او حتی یک جایی گفته بود: «زبان انگلیسی نه‌تنها زبان علم نیست، بلکه زبان جهل است.»



ایمان افشاری؛ مهره نظام برای صدور احکام قضایی سنگین

او به‌عنوان رئیس شعبه ۲۶ دادگاه انقلاب در تهران، ید طولایی در صدور احکام سنگین علیه مخالفان جمهوری اسلامی دارد. او با صدور حکم زندان برای فعالان حقوق زنان، روزنامه‌نگاران، فعالان دانشجویی و فعالان مدنی در سال ۱۳۹۷، صدور احکام قضایی سنگین برای اقلیت‌های مذهبی در همین سال، به مهره جمهوری اسلامی برای صدور احکام قضایی سنگین علیه مخالفان نظام تبدیل شده است. در اعتراضات امسال هم ایمان افشاری به‌عنوان قاضی، نقش مهمی در صدور حکم شکنجه و زندان علیه معترضان داشته است.

محمدتقی اصائلو؛ فرمانده قرارگاهی برای سرکوب کردها

محمدتقی اصائلو از جمله فرماندهان رده بالای سپاه پاسداران شناخته می‌شود که در جنگ ایران و عراق هم حضور داشته است. او به‌عنوان فرمانده قرارگاه حمزه سیدالشهدا، به‌عنوان یکی از عوامل سرکوب معترضان کرد شناخته می‌شود. قرارگاهی که اصائلو به‌عنوان فرمانده‌اش شناخته می‌شود، در سال ۱۳۶۰ و در جریان درگیری بین سپاه و کردهای مخالف جمهوری اسلامی تأسیس شد. این قرارگاه مستقر در ارومیه، در نقاط مختلف شهرهای کردنشین حضور پررنگ دارد و مسئولیت سرکوب کردهای معترض همچنان در دستور کار این قرارگاه قرار دارد.



محمدرضا عموزاد؛ ماشین صدور حکم زندان و اعدام برای معترضان

محمدرضا عموزاد، از جمله قضاتی است که در صدور حکم زندان و اعدام برای مخالفان رژیم، دست کمی از قاضی صلواتی ندارد. او ریاست شعبه ۲۴ دادگاه انقلاب را برعهده داشته است و در جریان اعتراضات آبان ۱۳۹۸، احکام سنگینی علیه معترضان نظام صادر کرد. حکم زندان برای آتنا دائمی، فعال مدنی شناخته شده، مشارکت در صدور حکم اعدام برای روح‌الله زم، روزنامه‌نگار مخالف جمهوری اسلامی و صدور حکم ۱۱ سال زندان برای آرش گنجی، نویسنده و عضو کانون نویسندگان ایران از جمله مشهورترین احکامی است که عموزاد در صدور آنها نقش پررنگی داشته است. صدور احکام ناعادلانه، گوشه‌ای از اتهامات او در زمینه نقض حقوق بشر است. او در جریان اعتراضات امسال نیز همان رویه سال ۱۳۹۸ را تکرار کرده و به پشتوانه حمایت مسئولان ارشد قوه قضاییه جمهوری اسلامی، نقش مهمی در صدور حکم قضایی برای معترضان، داشته است.

سنگین برای مخالفان حجاب اجباری

محمدجعفر منتظری، دادستان کل در جمهوری اسلامی و رئیس دادگاه ویژه روحانیت است. نقض حقوق اقلیت بهایان، مشارکت در سرکوب اعتراضات سال ۸۸، بازداشت فعالان محیط زیست، سرکوب اعتراضات سال ۱۳۹۶، بازداشت زنان معترض به حجاب اجباری و صدور احکام سنگین برای آنها، گوشه‌ای از کارنامه منتظری در پرونده‌های نقض حقوق بشر است. در جریان اعتراضات امسال هم او نقش پررنگی در تعقیب قضایی و پرونده‌سازی برای مخالفان جمهوری اسلامی برعهده دارد.



حسن عسگری، دست‌هایی آغشته به خون کردهای معترض

حسن عسگری را کردهای مخالف جمهوری اسلامی به خوبی می‌شناسند. او از سال ۱۳۹۶ به‌عنوان فرمانده سپاه سنندج، نقش جدی در سرکوب اعتراضات مردمی داشته است. دستور استفاده از سلاح‌های مرگبار علیه معترضان غیرمسلح در اعتراضات سال ۱۳۹۸ و اعتراضات امسال از جمله اتهاماتی است که عسگری درباره آن پاسخگو نبوده است. عسگری در فروردین امسال به‌عنوان فرماندار سنندج هم انتخاب شد. در جریان اعتراضات و اعتصابات امسال در سنندج، نقش عسگری در سرکوب مخالفان، چشمگیر بوده است.



ابوالقاسم صلواتی؛ قاضی اعدام، ملقب به خلخالی دوم

نام قاضی صلواتی با صدور حکم زندان و اعدام برای مخالفان نظام گره خورده است. این قاضی ۵۵ ساله به‌عنوان رئیس شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی، به دلیل صدور احکام متعدد برای مخالفان نظام به خلخالی دوم معروف است.

هیچ اطلاعات مستندی از گذشته او وجود ندارد. حتی گفته می‌شود که شاید اسمش هم ساختگی باشد و نام واقعی‌اش چیز دیگری باشد. این قاضی مخوف از سوی برخی مجامع جهانی نیز تحریم شده است.

براساس بیانیه اتحادیه اروپا، ابوالقاسم صلواتی به‌عنوان مسئول رسیدگی به پرونده‌های اعتراضات سال ۱۳۸۸ شناخته می‌شود که در آن بیش از ۱۰۰ زندانی سیاسی، فعال حقوق بشر و معترض را به اعدام و تحمل حبس‌های بلندمدت محکوم کرده است. در ۲۸ آذر ۱۳۹۸ هم وزارت خزانه‌داری ایالات متحده آمریکا، ابوالقاسم صلواتی را به اتهام دست داشتن در مجازات مردم ایران و شهروندان دو تابعیتی در فهرست تحریم‌های خود قرار داد.



محمدجعفر منتظری و صدور احکام

اولگا فرمان، وکیل ایرانی تبار برجسته کبکی جایزه خود را به زنان ایران تقدیم کرد



کنم.»
در دوره پاندمی کرونا، اولگا با راه‌اندازی کمپنی بسیاری از همکاران خود را ترغیب کرد تا جوانانی را که در جامعه با انبوهی از مشکلات روحی و روانی به انزوا رانده شده‌اند، از اندوه و اضطراب خارج کنند. وکیل جوان ضمن اذعان به وجود مشکلات گسترده روحی و روانی می‌گوید گاهی از خودم می‌پرسم چه معجزه‌ای باعث شده تا در مواجهه با این مشکلات کم نیاورم؟ و خودش جواب می‌دهد که بدون تردید این معجزه چیزی جز کار و تلاش نبوده است.

تلاش برای ارتقای جایگاه زنان

آرزوی این وکیل کارآفرین ایرانی-کبکی این است که زنان بیشتری به سمت‌ها و موقعیت‌های متنوع‌تر و عالی‌تر دست پیدا کنند. اولگا از جمله کسانی است که می‌کوشد راه را برای نسل‌های آینده هموار کند. باینکه می‌داند نسبت به زنان هم‌وطن خود در ایران از چه موقعیت و امتیازاتی برخوردار است، اما اذعان دارد که هیچ امتیاز و دستاوردی برای همیشه نمی‌تواند قطعی و پایدار باشد، حتی اینجا در کبک.

اولگا می‌گوید: «ایران در قبال زنان رفتاری افراط‌آمیز دارد اما واقعیت این است که مبارزه زنان (دنیا) با چالش‌هایی که فراروی خود می‌بینند، دائمی است. تهدید، زن‌ستیزی، خشونت جنسی و بسیاری از چالش‌های دیگر اینجا هم وجود دارد.»
روش اولگا برای مقابله با این توهین‌ها و مبارزه با افراط‌گرایی علیه زنان، این است که به یک جایگاه برجسته در جامعه دست یابد که بتواند با استفاده از آن هر جا که ممکن است، تغییراتی مثبت ایجاد کند.

منبع: وبسایت شبکه خبری ژورنال دو کبک

مهاجرت باز کنم و به همه نشان دهم که چگونه می‌توانیم صرف‌نظر از ریشه‌های متفاوت و مختلفی که داریم، به بهترین نحو به ارتقا و اعتلای جامعه کمک کنیم.

زندگی با سرعت ۱۰۰ مایل در ساعت

اولگا برای تحقق هدف خود یعنی اعتلای جامعه کبک، همه توان خود را به کار بسته و نقش‌های متعددی را برعهده گرفته است. اولگا مادر یک پسر ده‌ساله است و می‌کوشد او را مطابق با ارزش‌های فمینیستی بزرگ کند. او یک وکیل متخصص در حقوق تجارت و علوم زیستی است و مدیریت یک دفتر را بر عهده دارد که ۱۵۰ نفر در آن کار می‌کنند.

اولگا که در شش هیئت‌مدیره از جمله هیئت‌مدیره صندوق سپرده و سرمایه‌گذاری نیز عضویت دارد، می‌گوید: «زندگی پر مشغله‌ای دارم اما سنگینی آن را احساس نمی‌کنم. انرژی بالای من ذاتی است و مشغله زیاد به من انرژی بیشتری می‌دهد.»

روزهای اولگا از نظر کار و تلاش واقعاً حیرت‌انگیز است. او هر روز قبل از طلوع آفتاب ساعت چهار و نیم از خواب بیدار می‌شود، با مرور روزنامه‌های جهان از تازه‌ترین تحولات آگاه می‌شود و با همکاران طرف صبح خود ارتباط برقرار می‌کند و پس‌از آن که صبحانه را به همراه پسرش صرف کرد، ساعت هفت و نیم فعالیت‌های حرفه‌ای خود را شروع می‌کند و هر شب تا دیروقت کار می‌کند. اولگا تعطیلات آخر هفته‌اش را به خانواده اختصاص می‌دهد تا بتواند در کنار همسر و پسرش باشد.

اولگا با همه مشغله‌ای که دارد، به وظیفه مادری خود نیز کاملاً آگاه است و حتی برای بزرگ کردن پسرش پرستار هم نگرفته است. او می‌گوید می‌توان هم‌زمان در عرصه‌های مختلف فعال بود: «هفته گذشته پسرم پل تب داشت و من یک روز کامل برنامه‌هایم را کنار گذاشتم تا از او مراقبت

اولگا فرمان جایزه معتبر «رهبری زنان» را که اتاق بازرگانی صنایع کبک به او اعطا کرده است، به زنان ایران تقدیم کرد و گفت وقتی مبارزه شجاعانه خواهران ایرانی‌ام را دیدم که با کنار گذاشتن حجاب اجباری به خیابان‌ها آمده‌اند و سرنگونی رژیم تمامیت‌خواه حاکم بر کشورشان را فریاد می‌زنند، به امتیازاتی که امروز اینجا در یک سرزمین دموکراتیک از آن‌ها برخوردار هستم، پی بردم و تصمیم گرفتم جایزه خودم را به آن‌ها اعطا کنم.

اولگا که دستیار مدیر یک شرکت حقوقی در کبک است، از والدینی ایرانی در ریویئر-دو-لو Rivière-du-Loup به دنیا آمده و به گفته خودش با مشاهده تحولات دردناک این روزهای ایران، متوجه شده که برخلاف خواهران خود در ایران، از امتیازات و زندگی متفاوتی در کبک برخوردار است.

اولگا در مواجهه با سرکوب جنبش اعتراضی زنان ایرانی و با مشاهده کشته شدن زنان و کودکانی بی‌دفاعی که در برابر نیروهای سرکوبگر رژیم تنها سلاحشان شهادت، موسیقی و شعر است، به خاطر امتیاز برخوردار از آزادی، داشتن یک زندگی متفاوت، بهره‌مندی از یک شغل استثنایی و درو کردن جویای حرفه‌ای یکی پس از دیگری، به‌عنوان یک کبکی که ریشه در خاک ایران دارد، احساس گناه کرده است اما به گفته خودش احساس گناه جز تأسف و انفعال چه ثمری می‌تواند داشته باشد؟ اولگا ضمن این‌که تازه‌ترین جایزه خود را که از اتاق بازرگانی و صنایع کبک دریافت کرده، به زنان ایرانی تقدیم کرده است، می‌گوید با توجه به موقعیتی که دارد تلاش می‌کند انرژی حیاتی خود را به سرزمینی اعطا کند که با آغوش باز او را پذیرفته است. اولگا می‌گوید کبک به من کمک کرد تا روبه‌جلو حرکت کنم و من امروز می‌خواهم چشم همه را به روی جنبه متفاوتی از

BMO Bank of Montreal

مهرداد مرادخانی
مشاور وام مسکن

با مناسب ترین نرخ بهره
و
در سریع ترین زمان ممکن
در سرتاسر کانادا

514-834-8053
mehrdad.moradkhani@bmo.com

Top Performer
of years
2020 & 2021

ELAN ACCOUNTING SERVICES INC.

انجام امور مالیاتی به صورت Online یا حضوری
با توجه به انتخاب شما

(514) 225 3500

کلیه خدمات حسابداری و مالیاتی جهت بیزینس و انفرادی
توسط تیم مجرب و کار آزموده

- خدمات حسابداری و دفتری
- تهیه، تکمیل و ارسال اظهارنامه مالیاتی (اشخاص و شرکتها)
- تهیه، تکمیل و ارسال مالیات بر فروش و خدمات GST / QST
- خدمات مربوط به حقوق و دستمزد - Payroll
- ارزیابی و مشاوره مالی جهت خرید و فروش بیزینس

Mojdeh Miri
(514-562-3493)
CPA Candidate

Iraj Mohammadi
(514-625-6292)
CPA Candidate

360-3285 Cavendish Blvd.
Montreal, QC H4B 2L9

<http://elanaccounting.ca>
info@elanaccounting.ca

دریچه مهاجرت

سهیل احمدی
مشاور رسمی مهاجرت به کانادا

عضو انجمن مشاورین رسمی مهاجرت کانادا

CICC CCIC

کلیه خدمات مهاجرتی و شهروندی کانادا از طریق تخصص، کار،
تحصیلی، دانش آموزی، سرمایه گذاری، پناهندگی و الحاق خانواده
با تعیین وقت قبلی

www.ImmigrationDoor.com

لغات مستقیم از ایران با دفتر کانادا

ImmigrationDoor

+1 (514) 232-1326 +1 (514) 748-0949

4055 Rue Saint-Catherine, Unit 165, Westmount, Montreal H3Z 3Z6

Century 21
Century 21 Unique

نینوس گیورگیزنیا
مشاور ارشد املاک در کانادا

عضو دائمی کانون بین المللی مهندسان نقت

- خرید، فروش، پیش فروش و اجاره
- املاک مسکونی، تجاری، صنعتی، کشاورزی و بیزینس
- با ۲۲ سال سابقه فعالیت در حوزه املاک

Ninous Givargiznia B.Sc
Professional Real Estate Broker
(514) 816-4080
ngivargiznia@gmail.com

Amelie Wang
Real Estate Broker Residential
(514) 916-1151
hongshan.wang@century21.ca

www.Century21.ca/ninous.givargiznia
203 Boul Hymus, Suite 208, Pointe - Claire, Qc, H9R1E9



سیاست
اقتصاد
جامعه



» لاریجانی‌ها، پنج برادر که روزی دو سوم قوه‌های نظام را در دست داشتند



ماجرای شغل مدیریتی سینا لاریجانی در ونکوور چیست؟ لاریجانی‌ها و رویال بانک کانادا

یک روز کاری چند صد نفر در تقاطع دو خیابان اصلی شهر جورجیا و بورارد جمع شدند. برخی حضاران پرچم شیر خورشید ایران را در دست داشتند. بعضی‌ها هم نوشته‌هایی که از بانک می‌خواست دلیل همکاری با یکی از خانواده‌های گرداننده حکومت ایران توضیح دهد.

شعبه اصلی بانک در ونکوور به دلیل این تجمع توسط مدیرانش تعطیل شد. این رخداد بی‌اهمیت در واقع تنها واکنش علنی بانک به درخواست ایرانیان تا زمان انتشار این گزارش است؛ هرچند باید از جلسه خصوصی مارتین تیودو هم یاد کرد. چند روز پس از دست‌به‌دست شدن پست کوتاه اینستاگرامی، ارشدترین مدیر بانک در استان بریتیش کلمبیا هم تحت فشار افکار عمومی جلسه‌ای با تعدادی از همکاران ایرانی‌اش تشکیل داد.

او پس از شنیدن صحبت‌های همکارانش و دغدغه آن‌ها که سینا لاریجانی امکان دسترسی به حساب تمام ایرانیان کانادا را دارد. پاسخ داد که از نظر وی حضور این فرزند مقام دولتی حکومت ایران در بانک مشکلی ندارد. او حتی عنوان کرد که به دلیل تهدیدهای جانی که به او شده پیشنهاد داده تا نیروی محافظ برایش استخدام کنند. مارتین تیودو در واقع آب پاکی را روی دست همکارانش ریخت و با گفتن جملاتی حساب‌شده خواست دستکم صداهای داخل مجموعه کاری‌اش را خاموش کند.

استخدامی هم گزینه‌ای وجود دارد که از فرد می‌خواهد اگر وابستگی به افراد شناخته‌شده سیاسی دارند (politically exposed person) اعلام کنند. سینا اردشیر لاریجانی نه تنها به خاطر چهار عمویش موظف بوده این موضوع را در زمان استخدام برساند بلکه موقعیت شغلی پدرش نکته جالب‌تری دارد. فاضل اردشیر لاریجانی پدر این مدیر ارشد بانک، رایزن فرهنگی سفارت جمهوری اسلامی ایران در خاک کانادا بوده است. همان سفارتخانه‌ای که دولت کانادا نزدیک به یک دهه قبل درش را بست. سینا لاریجانی در مدارک مالی دیگری که به رؤیت شخصی‌ام رسیده در پاسخ به این پرسش رایج گزینه منفی را انتخاب کرده است. به عبارت ساده‌تر او اعلام کرده که هیچ‌یک از نزدیکانش از افراد شناخته‌شده سیاسی نیستند! این در حالی است که به‌جز مشاغل پدر، آملی لاریجانی یکی از عموهای سینا رئیس قوه قضاییه ایران بوده و علی لاریجانی عموی دیگر هم سال‌ها ریاست مجلس را بر عهده داشته است.

یک هفته پس از گزارش درباره «آقازاده» دو تابعیتی و عدم واکنش بانک تعدادی از ایرانیان در مقابل ساختمان اصلی رویال بانک در ونکوور تجمع کردند.

می‌دانیم که در سراسر کانادا، از جمله در بریتیش کلمبیا تجمع مسالمت‌آمیز آزاد است. در روز بیست و چهارم نوامبر پس از یک فراخوان آنلاین توسط مخالفان جمهوری اسلامی در ونکوور عصر

«سینا لاریجانی فرزند فاضل لاریجانی یکی از پنج برادر مافیای قدرت در جمهوری اسلامی از مدیران ارشد رویال بانک RBC در ونکوور کانادا است.»

این نقل به مضمون پست اینستاگرامی مشترک من و دوستی به نام میرا نصیری در هفته اول نوامبر یعنی یک‌ماه قبل است. نوشته‌ای کوتاه که سرآغاز مقاله‌ای بود که یک رسانه معتبر فارسی‌زبان خارج از ایران حاضر به انتشارش نشد و حالا در یک فایل کامپیوترم خاک می‌خورد.

آن پست ویدیویی و توییت‌های بعدی‌ام درباره سینا لاریجانی هرچند کمتر از مقاله بازتاب نداشت. اولین کامنت‌ها بر اساس شک و شبهه بود. چند نفری نوشتند که بهتر است بجای بردن آبروی مردم مطمئن شوم فرد معرفی شده همانی است که مدعی‌ام. در واقع داستان آن‌قدر برای مخاطبان غیرمعارف بود که حاضر نبودند آن را باور کنند. کار به جایی رسید که مجبور شدم به یکی از طرفداران حکومت که به شدت موضوع را انکار می‌کرد پاسخ دهم. تأکید کردم که تحقیقات کاملی قبل از انتشار انجام شده است. از جمله یک‌بار با موبایل شخصی فرزند فاضل لاریجانی تماس گرفته‌ام.

تماسی که چند ثانیه بیشتر طول نکشید و او پس از پی بردن به اینکه شناخته‌شده گویی را قطع کرد. در کانادا افراد وابسته به مقامات سیاسی موظفند در روابط مالی، پولی و اقتصادی این ارتباط خود را اعلام کنند. در اغلب فرم‌های

گروه ترجمه هفته

بازتاب گسترده دومین اعدام معترضان ایرانی در رسانه‌های کانادایی

روز پنجشنبه هم محسن شکاری به اتهام مجروح کردن یک مأمور امنیتی رژیم با چاقو و بستن خیابانی در تهران در جریان اعتراضات به جرم محاربه با خدا اعدام گردید - اعدامی که جهانیان یک‌صدا آن را محکوم کردند. گروه‌های حقوق بشری گفته‌اند که شکاری زیر شکنجه ناچار به اعتراف علیه خود شده است.

حداقل ۲۰ نفر دیگر با مجازات اعدام روبه‌رو هستند عفو بین‌الملل گفته که مقامات جمهوری اسلامی با محاکمات نمایشی برای ترساندن معترضان ایرانی در تلاش برای اعدام حداقل ۲۰ نفر دیگرند.

جوآرپ بورل، مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا، روز دوشنبه، گفت که این اتحادیه با یک بسته تحریمی بسیار سخت علیه جمهوری اسلامی موافقت خواهد کرد تا از این راه حمایت خود را از اعتراض مسالمت‌آمیز شهروندانی ایرانی نشان دهد.

ناصر کنعانی، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی، روز دوشنبه، با تکرار این ادعا که ناآرامی‌ها در ایران ریشه در تحریکات دشمنان خارجی رژیم مانند آمریکا و اسرائیل دارد، انتقاد غرب از نقض حقوق بشر در جریان سرکوب اعتراضات را رد کرد و آن را دخالت در امور داخلی ایران خواند.

یکی از مقامات امنیتی اسرائیل که انقلاب ملی ایران را زیر نظر دارد گفته است که گمان نمی‌کند اعدام‌ها مانع از انقلاب معترضان شود و این امر بیشتر به نابودی رژیم خواهد انجامید.

گروه‌های حقوق بشری گفته‌اند که در این اعتراضات نزدیک به ۵۰۰ تن کشته و بیش از ۱۸ هزار نفر هم بازداشت شده‌اند.

منبع: وبسایت شبکه‌های خبری «سی‌بی‌سی»، «سی‌تی‌وی»، «گلوب اند میل»

اعدام مجیدرضا رهنورد، معترض ۲۳ ساله، در رسانه‌های کانادایی بازتاب گسترده‌ای داشته است. به گزارش هفته، این دومین اعدام معترضان توسط جمهوری اسلامی سرخط «سی‌بی‌سی»، «سی‌تی‌وی»، «گلوب اند میل» و دیگر رسانه‌های کانادایی شد.

خبرگزاری میزان وابسته به قوه قضائیه گزارش داد که دومین معترض جنبش اخیر ایران، در کمتر از یک هفته گذشته، در ملاء عام اعدام شده است. مجیدرضا رهنورد به کشتن دو بسیجی متهم شده بود. رسانه‌های حکومتی تصویری از مردی پخش کرده‌اند و او را رهنورد معرفی کرده‌اند. در این تصویر، به نظر می‌رسد مردی نخست به یک فرد افتاده روی زمین و سپس به فرد دیگری چاقو می‌زند.

کاربران شبکه‌های اجتماعی اعدام این جوان ۲۳ ساله را اقدام جنایتکاران ملایان حاکم بر ایران برای بازداشتن معترضان از ادامه اعتراضات خوانده‌اند.

رهنورد به محاربه متهم شده و این اتهامی است که پس از انقلاب اسلامی وارد احکام قضایی ایران شده است. میزان گفته که رهنورد ۲۳ روز پیش و هنگام تلاش برای فرار از کشور دستگیر شده است.

در تصاویر اعدام او، بنری با آیه ۳۳ سوره مائده از قرآن مسلمانان به چشم می‌خورد: «کسانی که با خدا و پیامبرش می‌جنگند و در زمین فساد می‌کنند، باید کشته شوند یا به دار آویخته گردند یا دست‌وپایشان در خلاف جهت یکدیگر بریده شود و یا از آن سرزمین تبعید شوند.»

اعدام‌هایی که در ملاء عام با جرثقیل انجام می‌شوند در سال‌های اخیر نادر بوده است، اگرچه جمهوری اسلامی از همین شیوه اعدام برای سرکوب اعتراضات پس از انتخابات جنجالی ریاست‌جمهوری ۱۳۸۸ هم استفاده کرد.

فردای انتشار پست کوتاه آنلاین که هزاران بازدید گرفته بود افسر خامنی از پلیس ونکوور با تلفن تماس گرفت. با توپ پرگفت که بهتر است پشت عنوان روزنامه‌نگاری‌ام قایم نشوم. سینا لاریجانی یک شهروند موفق و سخت‌کوش کانادایی دانست که به‌طور قطع و یقین ارتباطی با رژیم ایران ندارد. اصرار داشت همان چند خط معرفی کوتاه جان وی را به خطر انداخته و باید سروه قضیه را هم بیاورم. وقتی پرسیدم آیا می‌داند که چه نوشته‌ام گفت فارسی بلد نیست اما هرچه که هست نباید ادامه پیدا کند. در جواب با صدای لرزان گفتم که بهتر از من می‌داند در این کشور آزادی بیان حرف اول را می‌زند. تهمت و تهدیدی انجام‌نشده و تنها معرفی یک فرد است. جمع‌بندی کردم. که پست‌ها سرچایشان خواهند ماند و مکالمه ناخوشایند به پایان رسید.

ناگفته نماند بعدتر این رویه تغییر کرد و دو افسر ارشد پلیس ونکوور و پلیس سواره نظام سلطنتی در جلسه‌ای حضوری اطمینان دادند تا زمانی که در حریم قانون به کار ژورنالیستی ادامه بدهم مشکلی نخواهم داشت.

تجمع مقابل بانک RBC

حال با علنی شدن پیشینه این مدیر ارشد این سؤال مطرح است که آیا بانک از این ارتباط خانوادگی مطلع بوده و اگر مطلع بوده چه اقدامات پیشگیرانه‌ای انجام داده است؟ هرچند شواهد نشان می‌دهد پاسخ به این پرسش منفی است.

حال که از این سوابق خانوادگی وعدم ابراز آن توسط کارمند به قول مدیر ارشد بانک توانمند، دوست‌داشتنی و سخت‌کوش مطلع شده چه اقدامی کرده است؟

چرا بانک حاضر نیست به نگرانی‌ها در این باره پاسخ دهد؟ آیا هرگونه پاسخی به ابهام نشان خواهد داد که رویال بانک کانادا تخلفی مرتکب شده و یا اشتباه کرده است.

مقامات بانک رویال بر این باورند که سکوت در این زمینه موجب فراموشی موضوع خواهد شد چیزی که بعید است جامعه چند صد هزار نفری ایرانی کانادایی حتی با گذشت زمان براحتی از کنارش بگذرند.

توضیح: این گزارش توسط آقای کامران ملک‌پور، روزنامه‌نگار مستقل ساکن ونکوور تهیه شده و برای انتشار به هفته ارسال شده است.

کانادایی‌ها برای مقابله با هزینه‌های زندگی چه می‌کنند؟



همه‌گیری بیکار شدند، به‌ناچار به مشاغل جانبی روی آوردند.

افرادی که به کارهای کوچک و مشاغل جانبی مشغول هستند، به‌عنوان پیمانکار خصوصی قلمداد می‌شوند یعنی این‌که آن‌ها از حمایت‌های شغلی مشابه با سایر کارگران برخوردار نیستند.

جنیفر اسکات که از سال ۲۰۱۷ کار تحویل سفارش‌ها با دوچرخه را در تورنتو آغاز کرده است، می‌گوید برای ما هیچ امتیاز کاری از جمله بیمه یا مرخصی بیماری وجود ندارد بنابراین باید خیلی مراقب باشیم که در انجام کار خود دچار حادثه نشویم چراکه نه‌تنها حمایتی از ما به عمل نخواهد آمد بلکه حتی ممکن است کار خود را از دست بدهیم.

خانم آربور خطاب به آن‌هایی که به دنبال مشاغل جانبی هستند، می‌گوید قبل از هر کاری با بیمه‌گر خود مشورت کنید و اطلاعات لازم را درباره شرایط کاری، امتیازات و خطرات احتمالی آن بگیرید.

مشاغل جانبی چه تحویل غذا با دوچرخه که می‌تواند خطر تصادف را به همراه داشته باشد یا تبلیغ در فضای آنلاین، وقتی در کنار یک شغل تمام‌وقت قرار می‌گیرد، ساعات اضافی کار و خستگی بیشتر را برای شما به همراه خواهد داشت.

خانم راپاپورت نیز به همین مسئله اذعان می‌کند: «صرف وقت برای یک کار کوچک در کنار یک شغل تمام‌وقت خسته‌کننده است اما پول بیشتری که بابت این زحمت اضافی در می‌آورم انگیزه کافی را برای ادامه کار به من می‌دهد.»

منبع: وب‌سایت شبکه خبری لزا

۴۱ درصد کانادایی‌ها قصد دارند قبل از جشن‌های پایان سال به کارهای جانبی مانند نگهداری کودکان، به گردش بردن سگ‌ها و فروش اقلام آنلاین بپردازند تا درآمد بیشتری کسب کنند و برای خرید در ایام تعطیلات دستشان بازتر شود. بر اساس نتایج نظرسنجی از ۱۵۱۰ کانادایی که در شش ماه گذشته کالایی را برای استفاده شخصی خریداری کرده‌اند، تقریباً از هر ده پاسخ‌دهنده، چهار نفر یا به عبارتی ۳۹ درصد آن‌ها گفتند که این روزها ساعت‌های بیشتری کار می‌کنند تا کمی پول بیشتر به دست آورند.

آن آربور، سخنگوی موسسه Credit Counselling می‌گوید صرف‌نظر از این که هدف از روی آوردن به مشاغل جانبی صرفه‌جویی در بلندمدت یا کوتاه‌مدت باشد، اولین و مهم‌ترین مسئله برای این افراد این است که ارزیابی کنند فشار بودجه روی آن‌ها چقدر افزایش یافته است. به گفته خانم آربور، مسئله بعدی که این افراد باید مدنظر قرار دهند این است که برای هر شغل جانبی چقدر زمان دارند و از چه مهارت‌ها یا نقاط قوتی می‌توانند برای ایجاد درآمد اضافی استفاده کنند.

باین‌حال برای کسب درآمدهای اضافی، عوامل دیگری نیز وجود دارد که نباید از آن‌ها غافل بمانید. به‌عنوان مثال، شما باید میزان درآمد خود را اعلام کنید، درخواست کسر مالیات داشته باشید و اطمینان حاصل کنید که شغل جانبی شما با منبع اصلی درآمد شما تضاد منافع ایجاد نخواهد کرد.

در طول پاندمی و به‌ویژه قرنطینه، بسیاری از مردم وقت آزاد بیشتری داشتند و به همین علت داشتن یک منبع درآمد ثانویه محبوبیت بیشتری پیدا کرد. همچنین بسیاری از کسانی که در طول

نرخ فزاینده تورم و افزایش هزینه‌های زندگی خانواده‌ها را تحت‌فشار قرار داده و بسیاری از کانادایی‌ها را که شغل ثابت هم دارند، وادار کرده است برای این‌که بتوانند دخل‌وخرج خود را مدیریت کنند، به مشاغل جانبی و به ظاهر کم‌اهمیت بپردازند. از جمله مشاغلی که در دوره همه‌گیری کرونا طرفداران زیادی پیدا کرد، کار به‌عنوان راننده در شرکت‌های اشتراک سفر یا خدمات تحویل غذا بود.

فروش کالاهای دسته دوم، به گردش بردن سگ‌ها، رانندگی برای شرکت‌های فعال در زمینه تحویل سفارش‌ها و تبلیغات برای شرکت‌های تولیدی از جمله مشاغلی هستند که این روزها به شغل دوم بسیاری از کانادایی‌هایی تبدیل شده‌اند که با توجه به افزایش هزینه‌ها، به دنبال کسب چند دلار بیشتر هستند.

ارین راپاپورت، شهروند مونترال، تلاش می‌کند از راه‌های مختلف درآمد ماهانه خود را افزایش دهد. خانم راپاپورت هر ماه محصولات و کالاهای چندین شرکت را تبلیغ می‌کند. او در مراکز مهمی مثل Centre Bell نمونه‌هایی از این محصولات را به‌طور رایگان عرضه می‌کند و اطلاعات مهمی درباره آن‌ها ارائه می‌دهد. خانم راپاپورت همچنین از پلتفرم‌های فروش مجدد مانند Poshmark و Facebook Marketplace برای فروش کفش‌ها، لباس‌ها و اثاثیه دست دوم خانه استفاده می‌کند.

او می‌گوید: «میزان فروش مشخصی ندارم. همه چیز به شرایط بستگی دارد. برخی هفته‌ها فروش خوبی دارم اما گاهی هم هیچ فروشی ندارم.»

داده‌های جدیدی که شرکت خدمات حرفه‌ای Accenture منتشر کرده است، نشان می‌دهد که



» میزان بدهی خانواده‌ها و افراد کانادایی از دهه نود نیز که نرخ بهره حدود ۱۳ درصد بود بیشتر شده است.

وضعیت اقتصادی کانادایی‌ها در آستانه سال جدید میلادی چگونه است؟

می‌کنند در کوتاه‌مدت در شغل فعلی خود باقی بمانند و تنها حدود ۱۳ درصد تمایل به تغییر شغل داشتند. در میان جوانان، حدود ۲۵ درصد افراد نیز شرایط کنونی را برای بازگشت به تحصیل و ارتقاء درجه تحصیلی و شغلی مناسب می‌دانند. نظرسنجی دیگری نیز توسط موسسه رابرت هاف انجام شده بود که در آن حدود نیمی از شرکت‌کنندگان جوان قصد تغییر شغل داشتند. لازم به ذکر است که تعداد افراد شرکت‌کننده در نظرسنجی لجر بیشتر از موسسه رابرت هاف بود.

درآمد و بودجه

از میان شرکت‌کنندگان حدود ۲۲ درصد از شرایط اقتصادی‌شان اظهار خرسندی کردند و ۲۸

توسط شرکت لجر به انجام رسیده است. جوان کانادایی نسبت به شرایط اقتصادی سال آینده خوش‌بین نیست و از این‌رو چندان میلی به ماجراجویی حرفه‌ای و تغییر شغل نشان نمی‌دهد و به احتمال قوی بخش بزرگی از این افراد به کارشان در شغل‌های کنونی ادامه خواهند داد. در این نظرسنجی حدود سه هزار فرد مابین ۱۵ تا ۳۹ سال به سؤال‌هایی در مورد شرایط مالی، بازار کار و آینده اقتصادی پاسخ دادند. در میان این پاسخ‌ها آنچه جالب به نظر می‌رسید رضایت عمومی حدود ۶۷ درصد از پاسخ‌دهندگان نسل جوان از زندگی بود.

بازار کار

اکثر شرکت‌کنندگان جوان نظرسنجی فکر

در حالی که به سال نو میلادی نزدیک می‌شویم به خوبی سایه تورم و تهدید رکود در سطح جامعه قابل احساس است. این بار اما خبری از کووید و نگرانی‌های مربوط به بحران همه‌گیری به گوش نمی‌رسد که امیدبخش است. با این حال، جامعه در حالی سال جدید را آغاز می‌کند که به آنچه در سال آینده قرار است بر اقتصاد کانادا بگذرد با بیم و امید می‌نگرد.

وضعیت بازار کار کانادا - از لحاظ فراوانی شغل - بد نیست اما از گوشه و کنار خبر از تعدیل نیرو در برخی از شرکت‌های کوچک و بزرگ به گوش می‌رسد. با این وجود، به نظر اقتصاددانان به دلیل بازنشسته شدن بخش قابل توجهی از کارمندان و حقوق‌بگیران سالخوره فرصت‌های شغلی به اندازه کافی در دسترس هستند. در تحقیقی که

میلادی به حدود ۱۳ درصد رسیده بود و با این حال افراد امروزه بیشتر از آن دوران خود را زیر بار قرص قرار داده‌اند و میزان کل بدهی‌ها از آن روزگار بیشتر است.

وضعیت املاک مسکونی و اجاره‌بها

در نظرسنجی لجر حدود ۴۴ درصد شرکت‌کنندگان صاحب خانه هستند و بیشتر آن‌ها از افزایش نرخ بهره استقبال نمی‌کنند. مابقی افراد -بیش از نیمی از شرکت‌کنندگان- اجاره‌نشینند و از این میان ۷۷ درصد افراد به دلیل سخت بودن شرایط خرید خانه مجبور به اجاره‌نشینی شده‌اند.

متوسط اجاره‌بها در سطح کانادا در ماه نوامبر و برای اولین بار در تاریخ این کشور از مرز دو هزار دلار گذشت. این میزان برای تمام اشکال خانه محاسبه شده است و نسبت به نوامبر گذشته حدود ۱۲ درصد بیشتر است. با در نظر گرفتن نرخ تورم که اکنون در حدود هفت درصد است این عدد (درصد میزان افزایش اجاره‌بها) اهمیت خود را نشان می‌دهد. تورنتو و ونکوور در بالای فهرست اجاره‌بها قرار دارند. اجاره متوسط یک واحد دوخوابه در تورنتو و ونکوور به ترتیب ۳۳۴۷ و ۳۵۹۸ دلار محاسبه شده است. عامل مهم در اضافه شدن اجاره در سطح کشور افزایش بی‌سابقه نرخ بهره وام مسکن است. با وجود کمبود خانه، افزایش هزینه‌های تعمیرات و نگهداری، افزایش نرخ بهره وام مسکن و همچنین افزایش تعداد مهاجران در سال‌های پیش رو بعید به نظر می‌رسد که اجاره‌بها به زودی روندی نزولی پیدا کند.

مالیات وضع‌شده بر خانه نیز رفته‌رفته رو به افزایش است. دفتر شهردار مونترال، خانم پلانت، اشاره کرد که برای کسر بودجه شهرداری، میزان مالیات منازل مسکونی نیز به‌طور متوسط حدود ۴ درصد افزایش یافته است. تاکنون میزان مالیات بر منازل تا به این حد افزایش نیافته بود. در سال ۲۰۱۱ و در زمان شهرداری جرالد ترامبلی، میزان مالیات حدود سه و چهار دهم درصد افزایش یافته بود.

منابع: وبسایت شبکه‌های خبری فایننشال، سی‌بی‌سی، سی‌تی‌وی و مونترال گزت

با وجود تورم بالا، بخش مهمی از شاغلین به افزایش دستمزدهایشان در سال آینده خوش‌بین هستند و ۶۰ درصد افراد در صورت افزایش حقوق کارشان را ترک نخواهند کرد.

دارند اظهار کردند که اگر کارفرما دستمزدهایشان را افزایش دهد ممکن است از تغییر شغل منصرف شوند. حدود ۲۴ درصد نیز معتقدند اگر کارفرما شرایط کار را بهبود بخشند و کار کمتری از کارمندان درخواست کنند حاضر به ماندن در شغل فعلی هستند. در حالی که کارمندان به افزایش حقوق و دستمزد خود در سال آینده امیدوارند، کارفرمایان ممکن است قادر نباشند رضایت کارمندان را در این زمینه تأمین کنند. طبق آمار بیشتر کارکنان منتظر افزایش حقوقی معادل ۵ و نیم درصد در سال آینده هستند در حالی که این رقم برای کارفرما - در شرایط امروز - بین سه و نیم تا چهار و نیم درصد است. ممکن است یک یا دو درصد تفاوت در حقوق چندان جدی به نظر نرسد اما در سطح کلان این مقادیر معادل با میلیون‌ها دلار هستند.

افزایش بدهی‌های شخصی

بدهی افراد و خانواده‌های کانادایی نسبت به گذشته بیشتر شده است که از جانب اقتصاددانان عامل نگرانی است. در حالی که نرخ بهره معیار به چهار و بیست‌وپنج درصد رسیده است طبیعی است که بخش مهمی از زندگی مالی افراد خرج پرداخت هزینه -یا بهره بانک- شود. اما نباید تمام تقصیرها را به گردن نرخ بهره انداخت. سرعت بدهکاری در افراد امروزی بیشتر است. با توجه به آمار، میزان کل بدهی در سطح کشور از سال‌های دهه نود بیشتر است. اما باید این نکته را نیز در نظر گرفت که نرخ بهره در دهه نود

درصد نیز خود را در طبقه ضعیف جامعه در نظر گرفتند. چهل و چهار درصد از افراد شرکت‌کننده در نظرسنجی لجر اظهار کردند که برای امرارمعاش به حقوقشان کاملاً وابسته هستند و اگر یک نوبت حقوق دریافت نکنند قادر به ادامه نخواهند بود. در این میان حدود یک‌سوم امیدوار بودند در آینده وضعیت مالی بهتری نسبت به والدین خود خواهند داشت و این در حالی است که باقی شرکت‌کنندگان هیچ‌گونه پس‌اندازی نداشتند. همچنین ۶۷ درصد افراد عنوان کردند که کار برایشان از اهمیت بالایی برخوردار است و مابقی گفتند که تنها برای پوشش بخشی از هزینه‌های زندگی کار می‌کنند و خود کار برایشان چندان اهمیتی ندارد.

با توجه به میزان درآمد و سرعت افزایش قیمت‌ها، بخش بزرگی از جامعه زیر بار قرض رفته یا اگر هنوز مقاومت کرده‌اند با هزینه‌های کم‌سابقه روبرو هستند. به‌تازگی در سطح فروشگاه‌های کانادا دزدی از مغازه‌ها بیشتر از پیش شده است که مهم‌ترین عامل آن تورم و بدتر شدن شرایط زندگی مردم است. دزدی از مغازه به قدری در ماه‌های اخیر افزایش یافته است که زنگ خطری برای صنف فروشندگان مواد غذایی است و بسیاری از آنان مأموران محافظ درب ورودی فروشگاه‌ها گماشته‌اند. همچنین هستند فروشگاه‌هایی که برای جبران این خسارت ناشی از دزدی بر قیمت متوسط تمام کالاهایشان افزودند. فروشگاه‌ها و المارت یکی از این دسته از فروشندگانی است که از دزدی فروشگاه‌های بی‌نصیب نمانده و در قیمت اجناس به نفع فروشگاه دخل و تصرف کرده است. به‌هرحال، وقتی از کسی دزدی شود فردی دیگر باید هزینه آن را بپردازد و در این موارد، افرادی که قرار است این خسارت را جبران کنند سایر مشتریان هستند. فروشگاه‌های بزرگ سایه، مترو و لابلو از پاسخ دادن در این موضوع امتناع کردند. دزدی فروشگاه‌ها در سال گذشته حدود پنج و نیم میلیارد دلار خرج بر دستان فروشگاه‌های کوچک و بزرگ گذاشت.

امید کارمندان به افزایش دستمزد در سال آینده حدود ۶۰ درصد از آن افرادی که قصد تغییر شغل



لوگو: ترودو به جای ابراز نگرانی درباره افول زبان فرانسه، بهتر است کاری انجام دهد

مسئولیت بخش عمده این پناهجویان یا به عبارتی ۷۸ درصد آن‌ها را بر عهده بگیرد. فرانسوا لوگو که لیخدنی هم بر لب داشت، با مطرح کردن این رقم، در واقع به وزن جمعیتی بقیه استان‌ها و سرزمین‌های کانادا در مقایسه با کبک در کل کشور اشاره می‌کرد.

آقای لوگو افزود: «منصفانه نیست که فقط کبکی‌ها هزینه‌های این پناهجویان را متحمل شوند و لازم است که سایر استان‌ها نیز سهم عادلانه خود را بپردازند. ضمن این‌که دولت فدرال نیز باید روند رسیدگی به تقاضای این افراد را تسریع کند.»

فرانسوا لوگو در پاسخ به سؤالی درباره درخواست اخیر ترودو که گفته است کبک ظرفیت پذیرش ۱۱۲ هزار مهاجر را در سال دارد، تأکید کرد اگر آقای لوگو به فکر کمک به کبک برای حفظ زبان فرانسوی است، بهتر است از همین ۵۰ هزار مهاجر که در حال حاضر سالانه در کبک پذیرش می‌کنیم، شروع کند تا بتوانیم صد درصد مهاجران فرانسوی‌زبان جذب کنیم.

فرانسوا لوگو یادآوری کرد که در حال حاضر کبک ۶۰ درصد مهاجرانی را که در کبک مستقر می‌شوند، انتخاب می‌کند و ۴۰ درصد بقیه را اتاوا گزینش می‌کند. از بین مهاجرانی که اتاوا انتخاب می‌کند، فقط نیمی از آن‌ها به زبان فرانسوی صحبت می‌کنند.

منبع: وبسایت شبکه خبری رادیو کانادا

ارائه‌شده و در حال حاضر در کمیته مجلس عوام در دست بررسی است.

نخست‌وزیر کبک خاطرنشان کرد هدف بزرگ و اصلی قانون ۹۶ این است که اطمینان حاصل کنیم که در محیط‌های کار در استان کبک از زبان فرانسوی استفاده می‌شود بنابراین من از آقای ترودو خواهم خواست که در این زمینه پیامی روشن ارسال کند.

آقای لوگو افزود: «واقعاً برای من جای تعجب و سؤال است که چرا از شرکت بزرگ و مهمی مثل ایرکانادا و بمباردیه الزامات زبانی مشابه و یکسانی خواسته نمی‌شود درحالی‌که هر دو تحت صلاحیت فدرال هستند.»

فرانسوا لوگو ادامه داد: «آقای ترودو در جلسات علنی و خصوصی خود بارها از روند انحطاط زبان فرانسوی ابراز نگرانی کرده اما بهتر است که به جای حرف زدن، دست به اقدام مؤثری بزند چراکه در این شرایط آن چه اهمیت دارد، اقدامات ملموس است.»

پرونده مهم و فوری دیگری که فرانسوا لوگو قصد دارد در دیدار با ترودو مطرح کند، مسئله جاده روکسام است. طبق آمار رسمی از ابتدای سال تا کنون بیش از ۳۶ هزار پناهجو به‌طور غیرقانونی از این مسیر وارد کشور شده‌اند. به گفته آقای لوگو، دولت کبک برای تأمین نیازهای این افراد، ارائه خدمات مناسب به آن‌ها و یاددادن زبان فرانسوی به آن‌ها با چالش‌های جدی روبروست. اتاوا باید

فرانسوا لوگو، نخست‌وزیر کبک، از همتای فدرال خود خواست به‌جای ابراز نگرانی از تضعیف زبان فرانسوی که از مهم‌ترین دغدغه‌های دولت کبک است، در جهت رفع نگرانی‌های کبک کاری انجام دهد.

آقای لوگو در کنفرانسی مطبوعاتی به موضوعاتی اشاره کرد که قرار است در دیدار با همتای فدرال خود مطرح کند. افول زبان فرانسوی در کبک و کانادا، جاده روکسام و مشکل فزاینده پناهجویان، آستانه مهاجرت و کمک‌های مالی دولت فدرال در زمینه بهداشت به کبک از مهم‌ترین موضوعاتی است که آقای لوگو قصد دارد در دیدار با آقای ترودو مورد بررسی قرار دهد.

فرانسوا لوگو یادآوری کرد که ائتلاف آینده کبک مه گذشته قانون ۹۶ را تصویب کرد تا شرکت‌های بزرگ تحت صلاحیت فدرال قانون ۱۰۱ را که هدفش تقویت جایگاه زبان فرانسوی است، به اجرا گذارند.

به گفته آقای لوگو از مجموع ۴۰۰ شرکت، بیش از ۳۷۰ شرکت قبول کرده‌اند که در «اداره زبان فرانسوی کبک» ثبت‌نام کنند و در حال حاضر فقط ۲۸ شرکت هستند که می‌گویند برای موضع‌گیری در این زمینه منتظر تعیین تکلیف لایحه C-۱۳ فدرال می‌مانند.

این لایحه به‌منظور اصلاح قانون زبان‌های رسمی و اجرای قانون استفاده از زبان فرانسوی در شرکت‌های خصوصی تحت صلاحیت فدرال

SHEMIRAN
Auto Services

اتوسرویس شمیران

تعمیر و خدمات انواع خودرو

- فروش انواع لاستیک تا ۸۰ دلار تخفیف
- جلوگیری از زنگ زدگی Rust Proofing
- تعمیرات ترمز و جلوبندی



سرویس و خدمات
در کوتاه‌ترین زمان
کیفیت مطلوب و قیمت مناسب

514-487-6262
5755 Maisonneuve W. Montréal, QC H4A 2A1
www.aufoshemiran.com



Panneton & Panneton

Moving & Storage

تخفیف ویژه برای هموطنان عزیز در نظر گرفته خواهد شد

خدمات انبارداری پنتون و الیمپیا

- ✓ بیش از ۵۰۰ فضای انبار در اندازه‌های مختلف
- ✓ تمیز و ایمن با دوربین‌های نظارتی
- ✓ سیستم‌های اعلام خطر و کنترل دما
- ✓ ۷ روز هفته قابل دسترسی



514 939 0099
8660 Jeanne Mance,
Montreal, QC H2P 2S6

info@pannetonpanneton.com

RE/MAX RE/MAX Platine
Agence Immobilière

رکسان صمیم

مشاور املاک مسکونی

Cell: 438-397-3212

با آشنایی کامل به مونترئال و حومه خدمات کامل را به شما ارائه می‌دهیم. مسلط به زبان فرانسه و انگلیسی همراهی در تمامی مراحل خرید و فروش



Roxanne Sameem
Residential Real Estate Broker
Remax Platine
1850 Av. Panama #110
Brossard, QC J4W 3C6
Rokchan.sameem@remax-quebec.com
www.rsameem.com

Pharmacie
Golnasim Riahi

داروخانه دکتر گل نسیم ریاحی

اولین داروخانه آنلاین فارسی زبان در کانادا

www.riahipharma.com
Tel: (514) 519-3060



ارسال رایگان
در کبک و اونتاریو

1111 Boulevard Dr. Frederik-Philips, Suite 600
Montreal, Quebec H4M 2X6
514 519 3060 438 600 3691
www.riahipharma.com info@riahipharma.com

-  نوشتن نسخه
در تمام داروخانه‌های ما
-  واکنش‌یون
-  تست‌های پزشکی
-  مشاوره درمانی
-  دریافت نسخه
از طریق اینترنت
-  دسترسی آنلاین
به تمام خدمات داروخانه‌ها
-  انتقال پرونده
به سایر داروخانه‌ها



سیاست
جامعه





کارزار ایرانیان کانادا: نمایندگان مجلس با کفالت سیاسی مانع اعدام معترضان شوند

«گلناز فخاری» غمگین است. این ایرانی ساکن ونگوور، مانند بیشتر اعضای باهمستان ایرانیان کانادا، با نگرانی از راه دور شاهد اعدام هم‌میهنانش است.

گلناز می‌گوید: «وقتی اولین اعدام رخ داد، نفسم بند آمد، نمی‌توانستم فکر کنم، فلج شده بودم.» اعدام معترضان ایرانی، آن هم بدون برخورداری از بدیهیات یک محاکمه عادلانه مانند داشتن وکیل، او را اندوهگین کرده، اما او این غم و اندوه را به عمل بدل کرده است.

فخاری از نمایندگان پارلمان کانادا می‌خواهد که کفیل سیاسی زندانیان سیاسی ایرانی شوند که اکثر آن‌ها به اتهامات ساختگی در خطر اعدام قریب‌الوقوع قرار دارند.

او درباره کفالت سیاسی چنین توضیح می‌دهد: «نماینده مجلس مسئولیت یکی دو زندانی را بر عهده می‌گیرد. او آگاهی در مورد شخصی که کفالتش را به عهده گرفته است افزایش می‌دهد، اخبار مربوط به او را پیگیری می‌کند و از دولت خود می‌خواهد که برای آزادی آن فرد مبارزه کند.» گفتنی است، تاکنون هیچ زندانی ایرانی محکوم به اعدام تحت کفالت سیاسی اعدام نشده است.

فخاری به ده‌ها تن از نمایندگان مجلس کانادا برای به عهده گرفتن کفالت سیاسی زندانیان ایرانی نامه

نوشته است.

در این راستا، هدی فرای، نماینده ونگوور، گفته است که اکنون در نظر دارد کفیل سیاسی شود، زیرا این کاری است که نمایندگان مجلس کانادا می‌توانند انجام دهند.

ایده کفالت سیاسی معترضان دربند ایرانی با نمایندگان مجلس آلمان آغاز شد و اکنون ده‌ها نماینده از مجالس آلمان و سوئد و دیگر کشورهای اروپایی کفالت سیاسی آن‌ها را برعهده گرفته‌اند.

این روش به این منجر می‌شود که تمرکز تنها روی یک یا چند زندانی سیاسی نباشد و همه زندانیان در خطر توجه جهانیان را به یک اندازه داشته باشند.

یکی از نمایندگان آلمانی که کفالت سیاسی توماج صالحی را برعهده گرفته است، گفته نمایندگان پارلمان کانادا را تشویق می‌کند که از این روند پیروی کنند. یه‌وان رای گفته است که اگر یک سیاستمدار بتواند از اختیارات خود برای تغییر زندگی مردم برای بهتر شدن استفاده کند، باید این کار را انجام دهد.

او خاطرنشان کرده است که می‌خواهد جمهوری اسلامی بداند که نمایندگان مجلس در سرتاسر جهان با دقت رفتار آن‌ها را زیر نظر دارند.

در همین راستا، به تازگی یکی از نمایندگان فرانکفورت کفالت دکتر حمید قره‌حسنلو و

همسرش فرزانه را برعهده گرفته است.

قره‌حسنلو ریشه عمیقی در کانادا دارد و بسیاری از دوستانش، پس از تحصیل پزشکی در ایران، به کانادا مهاجرت کرده‌اند.

کفالت این زوج برای دکتر مجتبی یکرنگ صفاکار، ایرانی-کانادایی که ۳۰ سال است با قره‌حسنلو دوست است، خبر خوشایندی است.

او می‌گوید: «آنچه در دادگاه‌های جمهوری اسلامی نمی‌بینید عدالت است. رفتار آن‌ها مصداق عینی بی‌عدالتی و ستم است. او (قره‌حسنلو) را با دنده‌های شکسته به دادگاه آوردند. وقتی دستگیر شد سالم بود و هیچ دنده‌اش نشکسته بود. هیچ‌وقت قاضی از حمید نپرسید که با دنده‌های چه کرده‌اند؟! چه بلایی سرت آورده‌اند؟!»

تلاش برای عدالت همان چیزی است که فخاری را به ادامه کار تشویق می‌کند. او امیدوار است که کارزار او برای همراهی نمایندگان کانادایی برای بر عهده گرفتن کفالت سیاسی زندانیان، اعدام‌ها را متوقف کند.

فخاری می‌گوید که وقتی با رژیم جمهوری اسلامی سروکار دارید که به قواعد بین‌المللی هیچ اعتنایی ندارد، اگر راهکاری برای پاسخگو کردن آن‌ها پیدا کردید، باید آن را قبول کنید.

منبع: وب‌سایت گلوبال نیوز

تلاش دانشجویان ایرانی در کانادا برای پیوستن همسرانشان به آنها



من از دولت کانادا می‌خواهم که به همه مردم ایران کمک کند. همه کسانی که از ایران به کانادا مهاجرت می‌کنند تحصیل کرده هستند. شوهر من استاد رایانه است و کانادا به متخصصان زیادی در اینجا نیاز دارد. لادن می‌افزاید که برای کمک گرفتن به نمایندگان نیوفاندلند و لابرادور، شیموس اورینگان و جوآن تامپسون مراجعه کرده و به دفتر نخست‌وزیر، جاستین ترو، هم ایمیل زده است.

در آرزوی یک زندگی بهتر

در ایران، لادن و همسرش شغل و خانه خوبی داشتند، اما چون آزاد نبودند آن‌طور که می‌خواهند زندگی کنند، تصمیم گرفتند به دنبال زندگی بهتر برای دخترشان به کانادا بیایند. با شکل‌گیری انقلاب ملی ایران، لادن می‌گوید که این امر برقراری ارتباط ایرانیان در کشورهای دیگر با اعضای خانواده‌شان در ایران را دشوارتر کرده است.

لادن می‌گوید: «هر پدر و مادری دوست دارد فرزندان خود را در شرایطی آرام و نه در شرایط سخت بزرگ کند. بنابراین همه ایرانیان که از ایران به کشورهای دیگر مهاجرت می‌کنند می‌خواهند زندگی بهتری را تجربه کنند، بنابراین تمام زندگی خود را رها می‌کنند و به کشور دیگری می‌روند. من و شوهرم هم تصمیم گرفتیم این کار را انجام دهیم. ما کار و خانه و زندگی خوبی داشتیم، اما متأسفانه چون آزادی نداریم و کشورمان آرام نیست، مخصوصاً برای بزرگ شدن دخترم، تصمیم گرفتیم به کانادا مهاجرت کنیم.»

منبع: وبسایت سلت‌وایر

بابانول نوشته تا پدرش را برای کریسمس بیاورد.»

راه‌اندازی گروهی برای پیگیری

لادن می‌گوید که ۱۰ دانشجوی ایرانی دیگر در دانشگاه او (MUN) در همین وضعیت‌اند. او حدس می‌زند که در سرتاسر کانادا ۱۰۰۰ دانشجوی ایرانی در این وضعیت باشند.

بدین منظور، یک گروه فیس‌بوکی تشکیل شده است که در آن اعضا اطلاعات مربوط به وضعیت خود را به اشتراک می‌گذارند و همچنین برای کمک گرفتن به دولت نامه می‌نویسند.

در نامه‌ای از این گروه آمده است: «ما گروه بزرگی از ایرانیان هستیم که در کانادا مشغول تحصیل یا کاریم و منتظر هستیم تا همسرانمان که برای روایت کاری درخواست داده‌اند دوباره به ما بپیوندند. ما ماه‌ها و در برخی موارد بیش از یک سال منتظر بوده‌ایم که بیش از زمان عادی پردازش پرونده‌هاست. همه ما با موقعیتی چالش‌برانگیز دوری از عزیزانمان دست‌وپنجه نرم می‌کنیم و این روابط از راه دور به طرز وحشتناکی بر سلامت روحی و جسمی و درنتیجه کل زندگی ما تأثیر گذاشته است.»

لادن خاطرنشان می‌کند که دولت کانادا ماه گذشته برنامه‌ای را برای استقبال از نیم میلیون مهاجر در سال تا سال ۲۰۲۵ اعلام کرده است. باین‌حال، او نمی‌داند که چرا در مورد همسرش و بسیاری دیگر از ایران چنین تأخیری وجود دارد. لادن می‌گوید که چنین وضعیتی برای او و دخترش آسیب‌زاست.

او می‌گوید که نمی‌خواهم دختر هفت‌ساله‌ام این شرایط سخت را تجربه کند، زیرا من اینجا هستم تا دخترم را در کشوری بهتر با شادی بزرگ کنم. بدون پدرش البته او از نظر عاطفی در رنج است.

لادن جهان‌خواه و دختر هفت‌ساله‌اش لیانا از ماه اوت که از ایران به سنت جانز آمده‌اند چیزهای تازه‌ای را تجربه کرده‌اند.

لادن که در مقطع کارشناسی ارشد در دانشگاه مموریال ثبت‌نام کرده است، اولین سال نو میلادی را با دخترش در کانادا جشن می‌گیرد. لیانا حتی به بابانول نامه نیز نوشته است.

این روزها، این مادر و دختر از پیاده‌روی‌های عصرانه و نگرستن به خانه‌هایی که با چراغ‌های کریسمس تزئین شده‌اند لذت می‌برند. اما بیش از این‌ها، بودن در کانادا و احساس آزادی که اینجا دارند را ارزشمند می‌دانند.

باین‌حال، این شادی را غمی فراگرفته و آن نبودن شوهر خانواده، محمدرضا، است که هنوز نتوانسته به همسر و دخترش بپیوندد. دولت کانادا به همسران دانشجویان بین‌المللی این اجازه را می‌دهد تا با مجوز کار برای پیوستن به خانواده‌های خود در طول دوره تحصیل به کانادا بیایند.

به نظر می‌رسد که پردازش این درخواست‌ها بسیار بیشتر از بازه زمانی مشخص شده در سایت اداره مهاجرت، پناهندگان و شهروند کانادا طول می‌کشد. لادن می‌گوید که به نظرش رسیدگی به درخواست‌ها از ایران بیش از دیگر کشورها زمان‌بر است و محمدرضا هفت ماه پیش درخواست داده که هنوز پاسخی نگرفته است.

لادن می‌گوید: «مردم در سنت جانز بسیار دوست و مهربان هستند. آن‌ها حمایت‌گرند و به دانشجویان خارجی کمک می‌کنند. باین‌حال، ما تنها هستیم و من به حمایت همسرم نیاز دارم، به‌خصوص از نظر عاطفی و به‌ویژه برای دخترم که به پدرش بسیار وابسته است. او هر شب، قبل از این‌که بخوابد، برای پدرش گریه می‌کند و می‌گوید که چقدر دلش برای او تنگ شده است. او نامه‌ای به



پناهجویان زبان یاد بگیرند و حقوق دریافت کنند؛ برنامه جدید دولت کبک

مسئله اختلاف برانگیز جاده روکسام گفت‌وگو کند. درست است که اتاوا مطابق با درخواست کبک، متعهد شده مدت انتظار برای اعطای مجوز کار به پناهجویان را از سیزده ماه به یک ماه کاهش دهد اما وزیر مهاجرت جدید کبک خواستار آن است که دولت فدرال برای حمایت از کبک در مسئله پناهجویان بیشتر از پیش سر کیسه را شل کند. دولت کبک علاوه بر این که از دولت فدرال خواسته است هزینه‌های مرتبط با پناهجویان در کبک را بازپرداخت کند بلکه انتظار دارد اتاوا بابت این که کبک بخش عمده پناهجویان را در خاک خود پذیرش می‌کند، به دولت استانی غرامت بپردازد. طبق آمار رسمی تا اکتبر امسال ۳۱ هزار پناهجو از طریق جاده روکسام وارد خاک کانادا شدند. مقامات کبک می‌گویند هزینه اقامت پناهجویان برای دوره ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۰ بالغ بر ۳۰۰ میلیون دلار ارزیابی شده ضمن این که مبالغ زیادی نیز صرف هزینه‌های درمانی، ادغام و دیگر نیازهای پناهجویان شده است اما به گفته خانم فرشت این وضع نباید ادامه پیدا کند زیرا منصفانه نیست که در میان استان‌های کانادا، کبک به تنهایی همه این هزینه‌ها را متقبل شود.

منبع: وبسایت شبکه خبری لودروآ ledroit

دستش باز نیست و از دولت فدرال انتظار حمایت دارد. خانم فرشت افزود دولت کبک امیدوار است که اعتبارات لازم برای اجرای این برنامه حمایتی در بسته اعتباری گنجانده شود که اتاوا در حال حاضر به نام «کمک به فرانسوی سازی» در اختیار کبک قرار می‌دهد. گر چه هنوز دولت کبک هیچ درخواست رسمی در این زمینه به دولت فدرال ارائه نکرده، اما اتاوا در مواجهه با این پیشنهاد کبک آشکارا جانب احتیاط را در پیش گرفته است. دفتر شان فریزر در واکنش به این پیشنهاد یادآوری کرد که دولت کبک طی دو سال گذشته ۶۹۷ میلیون دلار بر اساس توافق کانادا و کبک در زمینه مهاجرت دریافت کرده است. وزیر مهاجرت کبک و کانادا در دیدار خود که یک ساعت طول کشید، تقریباً منحصر به زبان فرانسوی که زبان دوم آقای فریزر است، صحبت کردند. دو سیاستمدار در این دیدار درباره موضوعات مختلف مربوط به مهاجرت از جمله اختلاف کبک و اتاوا درباره سقف پذیرش مهاجران و مسئله جاده روکسام گفت‌وگو کردند. در پایان این دیدار، خانم فرشت گفت من دیدگاه‌های کبک را تشریح کردم اما به نظر رسید که آقای فریزر مایل نیست درباره

دولت کبک در راستای تلاش‌های خود برای حفظ و تقویت زبان فرانسوی در نظر دارد با حمایت مالی از آن دسته از پناهجویانی که منتظر مجوز کار هستند، آن‌ها را به یادگیری زبان فرانسوی ترغیب کند. دولت آقای لوگو در این زمینه از اتاوا هم کمک خواسته اما اتاوا از این مسئله چندان استقبال نکرده است. کریستین فرشت، وزیر مهاجرت کبک، روز سه‌شنبه در دیدار با همتای فدرال خودشان فریزر اعلام کرد دولت کبک قصد دارد هر هفته چند صد دلار به پناهجویان در انتظار دریافت مجوز کار کمک کند تا زبان فرانسوی را یاد بگیرند. هدف دولت فرانسوا لوگو تسهیل و تسریع ادغام آن دسته از پناهجویانی است که مایل به کار در استان کبک هستند. خانم فرشت خاطرنشان کرد کبک انتظار دارد که دولت فدرال سرمایه‌گذاری کبک را در این زمینه بازپرداخت کند. استدلال خانم وزیر این است که بسیاری از افراد متقاضی پناهندگی که عمدتاً از راه‌های غیرقانونی به‌ویژه جاده روکسام وارد استان می‌شوند، کبک را برای کار و اقامت برمی‌گزینند اما برای ترغیب این افراد به حضور در دوره‌های زبان‌آموزی لازم است که حمایت‌های مالی از آن‌ها صورت گیرد اما دولت کبک نیز در این زمینه



اشتباه بزرگ و مضحک وزارت مهاجرت فدرال: دهها هزار پرونده به ماموران غیرفعال سپرده شده است

با افراد مسئول رسیدگی به پرونده صحبت کنیم، اما اکنون از هر طرف که می‌رویم به در بسته یا دیوار برمی‌خوریم و نمی‌توانیم پاسخ مردم را بدهیم. درست است که رویه‌هایی باید وجود داشته باشد اما واقعیت این است که این رویه‌ها آن قدر زیاد شده و فاصله بین کاربر، متقاضی مهاجرت، نمایندگان او و کارکنان وزارت مهاجرت آن قدر زیاد شده که اطلاع‌رسانی لازم دیگر ممکن نیست. آقای بودرو معتقد است که با وجود این همه پیچ‌وخم و رویه‌های طولانی، مهلت‌های تعیین‌شده دیگر چندان معنایی ندارد به همین علت به داوطلبان مهاجرت توصیه می‌کنیم که با دقت و جدیت روند رسیدگی به پرونده خود را پیگیری کنند و اگر زمان انتظار از مهلت‌های تعیین‌شده در وبسایت وزارتخانه بیشتر شد، به سرعت اقدام کنند.

در این ماجرا کد SM10353 با حدود ۹۵۴۰ درخواست مهاجرتی که به آن محول شده، مشکل‌سازترین کد شناخته شده است. این کارمند یا کاربر سابق ساکن سیدنی آخرین بار بیست و سوم مارس ۲۰۲۱ وارد سیستم شده است. وزارت مهاجرت اعلام کرده است که نمی‌تواند حساب‌های کاربری را که دیگر فعال نیستند حذف کند زیرا این کار باعث از بین رفتن قابلیت ردیابی پرونده‌ها می‌شود.

اما اینکه چرا وزارت مهاجرت تقاضاهای مهاجرت را به کاربران غیرفعال اختصاص داده است یا این که برای درخواست‌های مربوط به این کدها چه اتفاقی می‌افتد، مشخص نیست و مسئولان وزارت مهاجرت پاسخی به این سؤالات نداده‌اند.

منبع: وبسایت شبکه خبری رادیو کانادا

پرونده‌های مهاجرت برای رسیدگی به آن‌ها محول شده است، از ۱۵ سال پیش غیرفعال بوده‌اند. کارمندان و عوامل وزارت مهاجرت فدرال را می‌توان با کدهایی که از ترکیب حروف و اعداد تشکیل شده است (مثل AB12345) شناسایی کرد. بررسی داده‌های سیستم جهانی مدیریت پرونده‌ها حکایت از آن دارد که در این ماجرا، قدیمی‌ترین اتصال به سیستم جهانی مدیریت پرونده‌ها به ششم اکتبر سال ۲۰۰۶ و یک کد مستقر در مونترال بازمی‌گردد. علاوه بر این ۱۹ درخواست دیگر نیز به یک کد یا یک کارمند مستقر در ادمونتون برمی‌گردد که آخرین بار ۹ مه سال ۲۰۰۷ به سیستم متصل شده بود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیشترین کدهای غیرفعال مربوط به اتاوا و پس از آن مربوط به ادمونتون، ونکوور و سیدنی در نوا اسکوشیا بوده است.

آندره آ بوت که برای اقامت دائم کانادا درخواست داده و پرونده‌اش در اختیار یک کاربر غیرفعال قرار گرفته است، گفت من از اینکه وزارت مهاجرت فدرال چنین خطای عجیب و مضحکی را مرتکب شده است، واقعاً متحیر شده‌ام. مگر می‌شود برای این مدت طولانی متوجه چنین اشتباه فاحشی نشد؟ با این اشتباه، دهها هزار پرونده که به سرنوشت دهها هزار نفر گره‌خورده، به مسیری نادرست هدایت شده‌اند.

اما ژان سباستین بودرو که وکیل مهاجرت است، از دیدن یا شنیدن این داستان‌ها شگفت زده نمی‌شود. او صبح دوشنبه در برنامه «abord D info» گفت پیش‌ازاین شرایط به‌گونه‌ای بود که می‌توانستیم با افسران مهاجرت تماس بگیریم و

در ماه‌های اخیر دهها هزار پرونده مهاجرتی به برخی از مأموران یا عوامل وزارت مهاجرت محول شده که اساساً چندین سال است به سامانه جهانی مدیریت پرونده‌ها دسترسی ندارند.

شبکه انگلیسی‌زبان رادیو کانادا اطلاعاتی به دست آورده است که نشان می‌دهد وزارت مهاجرت، پناهندگان و شهروندی کانادا IRCC دهها هزار پرونده تقاضای مهاجرت را در ماه‌های اخیر به مامورانی محول کرده است که از مدت‌ها قبل و حتی از یک دهه پیش غیرفعال هستند یا این که دیگر به سیستم پردازش درخواست‌ها دسترسی ندارند.



سیستم جهانی مدیریت پرونده‌ها SMGC در وزارت مهاجرت فدرال، یک سامانه داخلی پردازش درخواست‌های مهاجرت و شهروندی است که در سرتاسر جهان مورداستفاده قرار می‌گیرد.

داده‌های این سیستم نشان می‌دهد که وزارت مهاجرت فدرال ۵۹ هزار و ۴۵۶ پرونده درخواست مهاجرت را از فوریه گذشته برای بررسی و پردازش در اختیار ۷۷۹ کارمند سابق یا کاربر غیرفعال قرار داده است.

مسئولان وزارت مهاجرت در گفت‌وگو با س‌ی‌بی‌سی تصریح کردند که وقتی یک کاربر غیرفعال می‌شود، به معنای آن است که دیگر از سیستم خود استفاده نمی‌کند و دسترسی‌های لازم را دیگر ندارد.

داده‌های سیستم جهانی مدیریت پرونده‌ها همچنین نشان می‌دهد که هر کارمند یا کاربر آخرین بار در چه تاریخی وارد سیستم وزارتخانه شده است.

برخی از نمایندگان و مأموران وزارت مهاجرت که

Académie de Piano TwinMuse
(514) 814-1749
twinmuse.ca

استاد شیدا قره چه داغی اهنگساز پیانیست

چند شاگرد پیشرفته پیانو می پذیرد
 جهت آماده شدن برای امتحان های
 دانشکده ها یا مدارس عالی
 موسیقی و کنسرت



514 484 8748
sheida.g@hotmail.com



نماشوم

هر دوشنبه شب از ۷ تا ۹
 از اکتبر ۲۰۰۱ تا کنون

ما ادعای کنیم که حرفی برای گفتن داریم!

Ottawa Persian Radio
Namaashoum
 Every Monday 7-9 PM Since Oct. 2001
www.PersianRadio.net

رادپونماشوم
 اولین رادیو پارسی زبان مردم اتاوا

نماشوم همیشه جویای همکاری همکاران تازه است
www.PersianRadio.net
[@namaashoum_radio](https://t.me/ottawaradio)

صابر جلیل زاده

آموزش سنتور

ابتدایی
 مقدماتی
 ردیف



saberjallizadeh@yahoo.ca **514-549-4697**



آريانا
مقاله
گزارش



>> میرمن قمرگل با پسرش ایمل زاخیل

درگذشت میرمن قمرگل؛ آوازخوان شناخته شده‌ی افغانستان در کانادا

افغانستان خانم قمرگل در فقر چشم از جهان بست. فرهاد دریا، آوازخوان شناخته شده، در مورد درگذشت میرمن قمرگل در صفحه‌ی فیسبوک‌اش نوشت: «در اوج هیاهوی زن‌آزاری و زن‌بیزاری، افغانستان زن بزرگی را از دست داد.»

آقای دریا افزود: «در جو تعصبات و یورش لشکر حذف و سپاه دُورباش و کورباش، چه بگویم که بانو قمرگل کی بود و برای خانواده‌ای موسیقی زخمی افغانستان چه جایگاهی داشت، او از انگشت شمار علمبرداران موسیقی بانوان افغانستان «زن‌گریز» بود. همه رفتنی استیم، اما وقتی انسان بزرگی مانند قمرگل به ابدیت می‌پیوندد و وطنی که تمام عمر از خدمت و هنر او بهره برده، اجازه ندارد از او تجلیل شایسته به عمل آورد، خیلی دردانگیز است.»

وجیهه رستگار یکی از آوازخوانان افغانستان نیز با زمزمه‌ای یک آهنگ از خانم قمرگل در صفحه‌ی فیسبوک‌اش گفته است که او رسالت‌اش را به بهترین شکل در برابر هنر و مردمش ادا کرده و بهترین آهنگ‌ها را ثبت تاریخ موسیقی افغانستان نموده است.

خانم نغمه، آوازخوان سرشناس افغان نیز مرگ قمرگل را خلای بزرگی برای هنر و موسیقی افغانستان خواند.

وحید قاسمی هنرمند بی‌بدیل افغانستان در مراسم خاکسپاری میرمن قمرگل؛ او را مادر خطاب کرد و گفت که امروز خانم قمرگل جسماً با ما نیست اما یادها و آهنگ‌های‌شان همیشه با ماست.

شاه ولی افغان؛ در حالیکه در مراسم خاکسپاری میرمن قمرگل اشک می‌ریخت؛ گفت: من هفده سال در خانه‌ی این مادر نان خورده‌ام و موسیقی را فرا گرفته‌ام. او نه تنها هنرمند حنجره طلایی بود بلکه مادر مهربان و متدین نیز بود.

زندگینامه میرمن قمرگل

میرمن قمرگل فرزند گل شیرین خان به تاریخ ۲۷ جدی سال ۱۳۳۰ هجری شمسی مطابق به ۲۱ جنوری سال ۱۹۵۲ میلادی در قریه شگه ولایت ننگرهار

میرمن قمرگل آوازخوان مشهور و چند بعدی و یکی از پیشگامان نهضت زن در افغانستان؛ روز جمعه، ۱۸ قوس در یکی از شفاخانه‌های شهر تورنتو به عمر ۷۱ سالگی چشم از جهان بست.

خانواده میرمن قمرگل مرگ او را تایید کرده و جامعه افغان‌های شهر تورنتو در صفحه‌ی فیسبوک‌شان؛ خبر مرگ خانم قمرگل را منتشر کرده و علت مرگ او را بیماری طولانی مدت عنوان نمودند. جسد میرمن قمرگل در حضیره شهر همیلتون به روز دوشنبه با حضور جمعی کثیری از هنرمندان به خاک سپرده شد.

میرمن قمرگل درسال ۱۹۹۷ میلادی وطن را ترک کرد و به پاکستان اقامت گزید و درسال ۱۹۹۸ میلادی با دو فرزندش «ایمل زاخیل و خیبر زاخیل» در کانادا اقامت دائمی حاصل نمود.

خانم قمرگل که با اجرای آهنگ «زه سپینه کوتره یم اوچته پروازونه کرم» به شهرت رسید؛ از طرف سردار محمد داوود خان، نخستین رییس جمهور کشور در زمان ریاست جمهوری او، مدال طلا دریافت کرد. درسال ۱۹۸۳ از طرف ببرک کارمل رییس جمهور وقت افغانستان نیز ملقب به هنرمند حنجره طلایی گردید و مدال طلا بدست آورد. دکتور نجیب الله درسال «۱۹۸۸» میلادی به پاس آهنگ‌های میهنی، رزمی در رابطه با صلح و آشتی ملی، مدال طلا حاصل نمود و از طرف وزیر دفاع آن وقت برایش اعطا گردید.

درسال «۱۹۹۸» از طرف سازمان فرهنگی افغان‌های ایالت کالیفرنای متحده آمریکا، خانم قمرگل خوبترین خواننده همان سال شناخته شد.

علاوه بر این، ذوالفقار علی بوتو، صدراعظم پیشین پاکستان، درسال ۱۹۷۲ خانم قمرگل را هنرمند حنجره طلایی افغانستان نامید و به او جایزه و تحفه اهدا کرد.

شماری از سرشناسان افغانستان از جمله حامد کرزی، رییس جمهور پیشین کشور مرگ خانم قمرگل را به خانواده موسیقی افغانستان تسلیت گفت و در توییتی نوشت: «با تأسف اطلاع حاصل نمودم که ستاره درخشان موسیقی



میرمن قمرگل



میرمن قمرگل با اسد بدیع و ایمل زاخیل

بود، بهترین اشعار خودش و شاعران معروف زبان پشتو مانند؛ رحمان بابا، امین الله ملنگ جان، نصرالله حافظ، مرحوم امان الله سیلاب، حمزه شنواری، بابری شنواری، وحدت و غیره را انتخاب و برای همسرش کمپوز می نمود.

زندگی شخصی

میرمن قمرگل بر علاوه پشتکار و حوصله مندی هنری، یک مادرمهربان و با عاطفه برای فرزندانش و یک همسر نجیب و با محبت برای مرحوم استاد زاخیل بود.

او هشت فرزند به دنیا آورد، از جمله دو فرزندش محترم اسدالله زاخیل و ایمل زاخیل قدمهای پدر و مادر را در عرصه هنر آوازخوانی، کمپوز و سرودن اشعار تعقیب می دارند.

میرمن قمرگل در سال «۱۹۹۷» میلادی در اثر جنگها و ظلمت نافرجام طالبانی که صدای هنرمندان را خفه نموده بودند، ترک وطن نمود و در سال «۱۹۹۸» م به کشور کانادا آمد.

این مادر صبور و رنج دیده در سال «۱۹۹۰» میلادی پسر جوانش داوود زاخیل را به سن ۲۲ ساله گی در اثر جنگ داخلی از دست داد و پسر جوان دیگرش میرویس زاخیل از سن ۱۹ سالگی تا اکنون مفقود می باشد. این مادرنمند که به قلب دیگران خوشی و سرور می آورد، خود دندان برجگر و چشم به راه فرزندش بود و شوهرش مرحوم محمد دین زاخیل را در سال ۱۹۹۱ میلادی برابر با ۱۳۷۰ خورشیدی در اثر تکلیف قلبی از دست داده بود.

منبع: صفحات اجتماعی

دیده به جهان گشود.

میرمن قمرگل فقط هشت سال داشت که در عروسیها و محافل قریه اش آواز می خواند. آوازه هنرش در قریهها پیچید و سرانجام به ولایت ننگرهار رسید و توجه هندوستان را جلب نمود و مقام خواننده محلی را از سوی هم شهریان حاصل کرد. پس از چندی یکی از همشهریان او را با استاد خیال معرفی نمود. استاد خیال از وی خواست، تا آهنگهایش را در رادیو تلویزیون ملی افغانستان وقت ضبط کند تا مردم در سرتاسر کشور از شنیدن آوازش لذت ببرند. میرمن قمرگل دعوت استاد خیال را پذیرفت و نخستین آهنگش را تحت عنوان (په ما مینه سترگی دی سری دی ...) و آهنگ دیگری به نام (زه انتظار کوم دستا د سترگو) را ضبط نمود که بعد از نشر آن آهنگ، نام قمرگل بر سر زبانها افتاد. میرمن قمرگل بعد از کسب شهرت، بوجود یک آهنگساز ضرورت پیدا نمود تا آهنگهایش را به شکل اساسی ضبط و از شیوه محلی بیرون کند. استاد زاخیل که خود شاعر و آهنگساز خوب ولایت ننگرهار بود، با میرمن قمرگل معرفت حاصل کرد و آهنگش را به نام (زه چه په تورو سترگو تور رنجه کومه پوری موری) و آهنگ (زه به جارو کرم زیارتونه شنکی بابا) را برایش کمپوز نمود. قمرگل در سن نوزده سالگی با استاد زاخیل ازدواج نمود. این زوج هنری بعد از تشکیل خانواده با پشتکار و حوصله مندی به کارهای هنری شان ادامه دادند. قمرگل بخاطر ادامه کار هنری با رادیو افغانستان، از ولایت ننگرهار به کابل آمد و در سید نورمحمد شاه مینه سکونت اختیار کرد.

میرمن قمرگل با آهنگ زیبایی (ورو ورو کیژده قدمونه آشنا) سرآمد هنرمندان زبان پشتو گردید و از طرف ظاهرشاه، پادشاه وقت به اخذ مدال طلا موفق شد. مرحوم استاد زاخیل که خود هنرمند چند بعدی و شاعر، آواز خوان و آهنگساز

کابوس مرگ

مرگ او پیش چشمانم مجسم می‌گردید. مقابل تعمیر قصر سفید نشسته بودیم که یک مرد لاغر اندام و قد بلند با کلاه شیوی نضاری کنار ما در پارک نشست و به گوشه‌اش زنگ آمد. او فارسی گپ می‌زد. برقی بر دلم درخشید. به بهانه‌ای از بنفشه فاصل گرفتم و به آن آقا گفتم:

شما افغان هستید؟ وی حیرت‌انگیز سرا پام را ورنه‌انداز نموده سرش را جنباند و راهش را گرفته دور شد. بنفشه مشغول گپ زدن با همکارش بود که عقب مرد دویده گفتم:

آقا به نظر من رسم افغانیت این نیست که بدون معرفی و مهر وطن داری بروی. . . مرد در حالی که عینک‌اش را با دستمال پاک می‌کرد دستی به سر تاس‌اش کشید. رویش را از من گشتاند و گفت: از من چی می‌خواهی خواهر. . . ؟ گفتم؛ فقط یک سوال. . . ایستاد و متعجبانه به من نگاه کرد. با شتاب گفتم:

چطور بفهمم که دخترم سرطان ندارد. . . ؟ مرد تبسم تمسخرآمیز زد که خجالت شدم و با صدای بنفشه از وی فاصله گرفتم. مرد در حالی که از من دور می‌شد گاهی عقب‌اش را می‌دید و سرش را شور می‌داد. بر ناچاری خودم گریستم که حتی زبان حرف زدن ندارم.

آسمان دور و زمین سخت. درد و غم کلافه‌ام نموده بود. روزهای که در پارک نزدیک خانه می‌نشستم و گریه امانم نمی‌داد. به دیدار اطفال کودکانستان مردم محل آنجا دل می‌بستم. به طفل‌های معصوم و کوچک نگاه می‌کردم که معلمین آن‌ها را بهم بخیه می‌زدند و با پارک بازی کنار کودکانستان می‌بردند و با احتیاط تمام از آن‌ها حمایت و

غذا داشتیم و نه خواب به چشمانم می‌آمد. در آن آتش کده یک هفته‌ای تمام به سر بردم تا بالاخره حوصله‌ام سر رفت و از دخترم پرسیدم:

مادرجان! مگر تو مریض هستی که هیچ چاق نشده‌ای. ؟؟ وی خندیده گفت:

مادرجان! چاقی خودش مرض است، پس ببین که من جور و تیار هستم. . . زیر زبان گفتم:

پس. . . ؟ نه نه نباید خودش بدانند، زیرا او خیلی جوان است. هنوز سن‌اش به بیست سال نرسیده. . . اوه خدایا! مرا نسوزان. . . به عوض او. . .

بنفشه که مشغول کمپیوترش بود گفت:

مثلی که پشت بابایم دق شدی. . . تکتات را تبدیل کنم که بخیر نزد او برگردی. . . ؟ عاجل گفتم:

نی نی. من همراهی تو می‌مانم، دوری ترا تحمل نمی‌توانم. بنفشه حیران حیران طرفم نگاه نموده گفت:

مادر ترا چه شده است. . . ؟ تا دیروز می‌گفتی اینجا را خوش ندارم و حالا. . . بالاخره تو می‌روی و من یک سال دیگر باید درس بخوانم و تنهایی را متقبل شوم. بدون سنجش گفتم:

من نمی‌گذارم تو تنها باشی و با تنهایی همراهی مرض بجنگی. . . بنفشه وارخطا شده گفت:

کدام مرض. . . ؟ گفتم:

هیچ. . . شوخی کردم. خدا نکند که مرض داشته باشی. زیر لب گفتم:

مادرت بمیرد. هنوز خبر نداری. . . او درحالی که موهای درازش را شانه می‌زد گفت:

برخیز لباس بپوش که بیرون چکر برویم. حتماً دق آوردی. ناگزیر همراهش بیرون رفتم ولی با دیدن وی اشک ناخودآگاه از چشمانم جاری می‌شد و

هیچ نمی‌دانم که من خورده‌گیر یا منفی‌باف شده‌ام و یا اشتباهاتی صورت می‌گیرد که گلو گیر عزت و آبرویی خانوادگی ما شده می‌تواند؟ دلم گرفته است حین روزیکه با دنیایی از امید به محفل فراغت دخترم به امریکا رفته بودم و نامردی از تیروتبار خودم بیرحمانه برایم گفتم: «خبر داری دخترات سرطان دارد؟» آه. . . چه خبر ناگواری. . . نه نه.

دود از دماغم که نمادی از آتش درونم بود برآمد، شعله‌ور شدم. غم و غصه به سان غار چنگ قلب و روحم را چنگ زد و تصور کردم دنیا حلقه شده به گردنم افتاد. چندین روز با بارگران وجودم را همچو لاشی اینطرف و آنطرف می‌کشاندم تا راهی پیدا نمایم و حقیقت برایم آشکار گردد. زبان نمی‌فهمیدم و وسیله‌ای تماس را بلد نبودم. دخترم یک تیلیفون دستی داشت که با خودش سر کار می‌برد و من ناچار بودم الی آمدنش از وظیفه انتظار وی را بکشم. وقتی او بر می‌گشت دریک اتاق به سر می‌بریدیم، که نمی‌شد مقابل او احوال دلم را به کسی ابراز نمایم. در گرفته بودم و کسی شعله‌ور شدنم را نمی‌دید، کسی دودی که از آتش برافروخته‌ای درونم بلند بود، مشاهده نمی‌توانست و دردی را که روح و تنم را احتوا نموده بود، حس نمی‌کرد.

روزها گریستم و عذاب کشیدم. وقتی دخترم طرف کار می‌رفت. با عالمی از غم و غصه، نابلدی و عاری از هر نوع اختیاری به پارک مقابل آپارتمانش می‌رفتم و با گل و درخت و سبزه درد دل می‌کردم. می‌گریستم و بدون نتیجه به اتاق که در منزل ششم بود، خودم را حبس می‌نمودم. نه میل به

نگهداری می کردند. یگانه دلی خوشی من همان‌ها شده بودند.

در میان چمن سبز پارکی که من در آن می‌نشستم؛ زنی با یک کراچی بزرگ طیر دار می‌آمد. بیرق‌های رنگی امریکا را بر روی چمن هموار می‌نمود و بالای تکه پارچه‌های بیکاره و کاغذهای باطله بیرق رسم می‌نمود. با صدای بلند همراهی خود حرف می‌زد و بار دیگر بیرق‌ها روز چمن هموار می‌نمود. من زبانش را نمی‌فهمیدم، ولی از حرکاتش معلوم بود که درد دلش را به رسامی همان نقوش کاهش می‌داد. از ترس نزدیکش نمی‌رفتم. زیرا زبان بلد نبودم که همراهش درد دل نمایم.

روزی از روزها دیدم همان مرد افغان بار دیگر بالای دراز چوکی پارک نشست و ه دود سگرت پناه بود. او چنان در دود غلیظ سگرت محو شده بود که حتی موجودیت مرا حس نکرد. بدون صدا نزدیک‌اش نشستم. او دود را حلقه حلقه به آسمان می‌فرستاد و زیر لبانش شور می‌خورد. به اصطلاحی مردم عوام ما؛ «بز درغم جان کندن و قصاب درغم چربو.»

ممکن مرد غم بزرگ‌تر از من داشت. ولی من در پی مقصد خود آهسته کنارش نشستم و با دادن سلام آغاز سخن کردم. وی جتکه‌ای خورد و جواب سلام مرا داد. ناشیانه طرفم دید و پرسید:

تو افغان هستی...؟ سرجنباندم، بلی.

- از کدام شهر افغانستان هستی؟

- از شهر کابل. جرقه‌ای در چشمان بی‌فروغش درخشید و پرسید:

- از کجای شهر کابل...؟

- از چاردهی کابل... .

- خوب است من هم از دشت برچی هستم. در دید نخست فکر می‌کردم مرد به یاد خواهد داشت که آن روز همراهش مشکلم را مطرح کرده بودم. ولی نه او حال بدتر از من داشت. پرسیدم:

- تنها آمده‌ای...؟

- نه همراهی پسر و فامیل اش... .

- من هم همراهی دخترم... .

- دختر شما متاهل است...؟

- نخیر... او محصل است و نصف روز کار می‌کند. یکی از افغان‌های خود ما برایم خبر بدی داد که تمام استخوان‌هایم می‌سوزد. مرد آه طولانی کشید و سگرتش را به به سطل کثافات انداخت و دوباره به کنارم نشست. گفتم:

- مثلی که خودات هم دق آوردی...؟

- تصور می‌کنم، در قفس طلایی اسیرم که صرف می‌خورم و نفس می‌کشم... وسیله‌ای که درد دل ما را کاهش بدهد بیکاره ساخته‌اند و کلام همچو زهر، تن و روح ما را می‌خورد. گفتم:

- هاه، راست می‌گویدی... من درد بزرگ‌تر از خودات دارم... بدون اینکه به حرف من توجه نماید. گفت:

- به غضب خدا شوند... ما را بی‌آشیانه ساختند... پرسیدم:

- تیلیفون داری...؟ گفت:

- بلی ولی صرف داخل امریکا کار می‌کند که راهم را گم نکنم. پسر دلسوزی زیاد دارد ولی... .

دعا دعا می‌کردم که کاش مشکلاتش را بازگو نکند. اصلاً حوصله شنیدن غم دیگر را نداشتم. ازش پرسیدم:

سرطان چه علایم می‌داشته باشد. کاله‌اش را برداشت و گفت:

علامه‌ای نخست‌اش تاس شدن یعنی کل شدن است... .

شما سرطان دارید...؟

- بلی... به دقت طرفش نگاه کردم. با خودم گفتم: بنفشه‌ای من موهای دراز و قوی دارد... او گفت:

این مرض خیلی نامرد است رگ رگ امید آدم را می‌برد... گرم قصه و درد دل بودیم که همان زن نقشه کش مقابل ما آمد و سبزه‌ای را از زمین برداشته پیش روی ما گرفت و گفت:

این سبزه جان دارد، همین طور نیست...؟ اینها چه حق دارند که مملکت‌های دیگر را نا امن می‌سازند...؟

مرد که کم‌کم زبان بلد شده بود، جسسته و گریخته برایم حرف‌های آن زن را ترجمه می‌کرد. دلم برای زن سوخت. مرد که بیشتر از شش هفت سال متواری به آن کشور شده بود، تجربه‌ای اندکی آموخته بود. با آه دل خراشی گفت:

بیچاره زن... یگانه پسرش را در جنگ‌های افغانستان از دست داده است و درد و غم جانکاه دارد. همان است که فکرش را از دست داده و هر روز بلا ناگه اینجا می‌آید و نقشه‌ای امریکا را رسامی می‌نماید. می‌فهمی چرا...؟

- نه... .

- پسرش را در همان بیرق پیچانده بودند و بی خبر برایش آورده بودند.

سرانجام به کمک همان مرد همسفرم و هم

وضعیتم توانستم به پسر در کابل تماس بگیرم و علت مریضی خواهرش را دریابم.

پسر ضمن اینکه مانند من نگران شد، مرا تسلا می‌ماند خالی داد. الی آمدن دخترم گریستم و به گنجشک‌های که عقب ارسی اتاق می‌آمدند دانه می‌ریختم و از آب چشمانم آن‌ها را سیراب می‌ساختم. شب بدون اینکه لقمه نانی از گلویم فرو برود به خواب عمیق رفتم. شاید هم علت خوابم بیدار خوابی چندین شبه‌ام بود. دیدم در اتاق خودم نشسته‌ام. آسمان دودی می‌شود. نخست دمه و غبار سفید به سان آبرهای پاکیزه پایین و پایین‌تر می‌آید و بعدش غبار همانند دود سیاه سفیدی را محو نموده تمام زمین را احتوا می‌کند. رنگ دمه و غبار تیره و تاریک می‌شود؛ همانند قبر و یا شب‌های بی‌ستاره و ابری... نفسم تنگی می‌کند. به یخن پراهنم چنگ می‌زنم تا نفسی تازه نمایم ولی نمی‌شود. دل‌تنگی‌ام بیش از آن می‌شود که از خوابم لذت ببرم. بی‌تاب شده از خواب می‌پریم.

دیدم که دخترم بیدار است و از پنجره‌ای اتاقش به بیرون نگاه می‌کند. دست پاچه شده از بستر بلند شدم.

- تو تا حال نخوابیده‌ای...؟ تبسم نموده گفتم:

هنوز سر شب است. کنارش ایستادم. مقابل آپارتمان ما جمعی از افراد ته و بالا می‌رفتند. پرسیدم:

چه گپ است...؟ مثلی که... عاجل گفتم:

فکر کنم همان مرد افغان که مرض سرطان داشت فوت کرده... تو اینجا باش من پایین بروم که... گفتم:

ها برو... رسم وطن داری را به جا کنیم و همراهی‌شان غم شریکی نمایم... بنفشه بر گشت و هر دو آماده شده سرجنازه رفتیم.

- آه خدای من... متوفا همان مرد هم صحبت من بود. از ورای دماغم تمام تنم سوخت. به بهانه‌ای با صدای بلند گریستم. در قاب عکس مرد تصویر دخترم را دیدم و هوش از سرم پرید.

- بنفشه دستی به پشتم کشید و گفت: بیچاره مرد آرام کرد. پسر زنگ زد و برایم اطمینان داد که خواهرش سرطان ندارد.

تدریس خصوصی Trading

• فارکس
• بورس
• ارز دیجیتال

مبتدی - حرفه‌ای
جلسه اول رایگان

سازگ (438) 220-1204

خاطره تعویلداری یکتا

مترجم رسمی کبک، آلبرتا و ایران
Commissioner for Oaths
در محدوده کبک و خارج از کبک

کلیه خدمات ترجمه، تنظیم دعوت نامه، تکمیل فرمها
گواهی امضاء برابر اصل و خدمات مرتبط در اسرع وقت
حتی در روزهای تعطیل

(438) 390-0694 (514) 675-0694
khaterehyekta@yahoo.ca

Spa Illusion

ÉSTHÉTIQUE | ÉLECTROLYSE | LASER

514 694-3735

6600 Trans-Canada Hwy, Suite 511
Pointe-Claire, Qc H9R 4S2

**Artistic Men Haircut
by Sirous**

متخصص
مدل‌های هنری
برای آقایان

514-240 1493

ترجمه رسمی و دعوت نامه توسط شهریار بخشی

514-624-5609 - 514-655-5609
bakhshibakhshi@gmail.com

مشاوره: درمانی، تحصیلی و مهاجرت
حسین ترکیور، مددکار اجتماعی

www.psynaquebec.com 514-846-8872

استخدام

TRUCK DRIVER

PREFERABLY BILINGUAL WITH EXPERIENCE IN A
FULL-TIME JOB FOR MONTREAL.PLS. SEND YOUR
CV TO:

ghasemi1356@yahoo.com

موسسه خدمات خانگی، یک شرکت کانادایی-
کره‌ای با ۱۰ سال سابقه، استخدام می‌کند:

ما به تعدادی نیروی کار متعهد نیاز داریم و پرداخت ما عالی
است.
نوع کار: تمیزکاری منازل، نگهداری از کودکان و سالمندان و...
شکل کار: فردی، تیمی یا خانوایی
مشتریان: ۹۰ درصد کانادایی و ۱۰ درصد آسیایی‌های متمول
دریافتی شما: در حد عالی (به صورت نقدی یا چک)
ساعات کاری: روز یا شب، کاملاً منعطف

Hiring by: Family Care Services
Please contact Ms. Anna Lee
514-690-7005
Resumes to: 4familycareservices@gmail.com

بیزنس برای فروش

خیاطی در منطقه ایرانی نورت یورک به فروش می‌رسد

416-918-9540



خانواده
آشپزی
سرگرمی



سالاد یلدایی

6	2			5		1		
9		7		6		5		
	5					9		3
		8		9	1	7		6
		1	7		2	8		
4		9	5	8		3		
8		5						3
		2		1		6		5
		6		4				1
								7

		9		3	6			2
	5				1			
						3	5	9
		1			5		3	4
9	3		2		4		1	7
4	6		7			2		
5	2	6						
			3					6
1			6	5		9		

				3	2			6
	9			4	2			5
		7						1
	4	6	3	5				
	5							6
				1	6	9	3	
	3					7		
	6		2	9				8
7		8	5					

		4	2					9
		6	1					4
				6				2
		2						5
		7		6	3			8
3	1							7
	5			7				
		1			2	9		
9					8	5		



«سالاد یلدایی» یکی از انواع سالادهای خوشمزه ایرانی است که از ترکیب کلم بنفش و انار درست می‌شود و بیشتر در مناسبت شب یلدا تهیه و سرو می‌شود.

طرز تهیه:

کلم را ۴ تکه کرده، شسته و آن را بصورت رشته‌های نازک خرد کنید. برای آنکه بوی بد کلم از بین برود آن را بمدت ۱۵ دقیقه در آب یخ قرار دهید و سپس آبکش کنید. با این ترفند بوی بد کلم گرفته می‌شود. انارها را دانه کرده و به همراه کلم و گردو در ظرفی ریخته و با هم مخلوط کنید. سس مایونز، آبلیمو، گلپر و نمک و فلفل را مخلوط کنید تا یکدست شود. به دلخواه می‌توانید یک قاشق غذاخوری روغن زیتون نیز به مواد سس اضافه کنید. سس را به مواد سالاد افزوده و مخلوط کنید. حتما اجازه دهید سالاد حداقل یک ساعت در یخچال استراحت کند تا مزه مواد با هم ترکیب شود. سالاد را در ظرف سرو کشیده و آن را به دلخواه تزیین کنید. نوش جان

مواد نان:

- ۱. کلم بنفش
- ۲. انار بزرگ
- ۳. گردو خرد شده
- ۴. سس مایونز
- ۵. آبلیمو
- ۶. گلپر
- ۷. نمک و فلفل سیاه

توضیح: خانه‌های جداول روبه‌رو را با عددهای ۱ تا ۹ چنان پر کنید که در هر رج (سطر) و ستون و نیز در هر یک از جدول‌های درونی هر عدد تنها یک بار استفاده شده باشد.

جدول سودوکو

SUDOKU TABLE

سخن ستارگان (برای تفنن و سرگرمی)

فال شما برای ۲۲ تا ۲۸ دسامبر / ۱ تا ۷ دی

ترجمه: خاطره تحویل‌داری یکتا



متولدین تیر (۲۲ ژوئن - ۲۲ ژوئیه)

شما بسیار خوشبخت هستید، زیرا سه سیاره در خانه اشتغال شما حضور داشته و به کار تشویق‌تان می‌کنند. این شرایط به شما انگیزه می‌دهد که کارها را به خوبی انجام دهید. می‌خواهید سخت کار کنید و مفید باشید! البته ممکنست برخی همکاران با شما بحث کنند، اما شما توانایی متقاعد کردن آن‌ها را دارید و می‌توانید به همان شکلی که موردنظران است پیش بروید. این بدان معناست که موانع با توجه به توانایی‌تان از سر راه برداشته می‌شوند.



متولدین مرداد (۲۳ ژوئیه - ۲۲ اوت)

نیاز به زمانی برای استراحت، روابط اجتماعی و تفریح با دوستان و بچه‌ها دارید. همه چیز اخیراً خسته‌کننده بوده است، زیرا بیش از زمان مورد انتظار شما به طول انجامیده. برنامه‌ریزی‌ها یا به تعویق افتاده یا هزینه بیشتری برایتان به همراه داشته‌اند. خوشبختانه نصیحت‌های عملی و کمک یک دوست نزدیک یا همسر راه را برایتان هموار می‌کند. از این کمک‌ها و از انرژی خلاق خود در این هفته استفاده کنید و اهدافتان را به خوبی پیش ببرید.



متولدین شهریور (۲۳ اوت - ۲۲ سپتامبر)

همچنان به مسائل خانه، خانواده، تغییر دکوراسیون و پروژه‌های تعمیر خانه مشغول هستید. ایده‌هایی در سر دارید اما با مخالفت مواجه می‌شوید. دلسرد نشوید و به برنامه‌های خود بپردازید. راه جدیدی برای هماهنگ کردن نظرات خود و طرف مقابل پیدا کنید. ژوئیه‌تیر همچنان برای چند هفته دیگر در مقابل موقعیت شماسست و این بدان معناست که شما و طرف مقابل باید با کمک یکدیگر کارها را انجام دهید. فراموش نکنید هر اتفاقی که بیفتد به نفع هر دو طرف است.



متولدین فروردین (۲۱ مارس - ۱۹ آوریل)

تمایل شما به سفر و ماجراجویی همچنان قوی است. به همین جهت بسیاری از شما به جاهای آفتابی گریز زده و قصد تفریح دارید. اما بسیاری هم برنامه‌های جدی برای آینده داشته و به استقبال پروژه‌هایی می‌روید که برایتان خوشایند هستند. باید زیرک بوده و علیرغم مشکلات با برخی افراد، تا آنجا که می‌توانید کارها را انجام دهید. عقب‌نشینی مریخ چالش‌هایی را برایتان به همراه دارد اما باز هم، حتی اگر کندتر، موفق به پیشبرد کارها می‌شوید.



متولدین اردیبهشت (۲۰ آوریل - ۲۰ مه)

تمرکز قوی بر پول، درآمد و جریان نقد، حتی از منابع دیگر و بانک‌ها و مؤسسات مالی دارید. همچنان به برنامه‌ریزی ادامه داده و به بهترین‌ها امیدوار باشید. فراموش نکنید شما در میان برج‌های دوازده‌گانه نابغه مالی بوده و به کار خود واقف هستید. دیگران به شما گوش می‌دهند. زحل همچنان در بالای موقعیت شماسست و این بدان معناست که اکنون زمان برداشت است. همچنان می‌توانید به گنج دست‌یافته و رؤیایان به حقیقت می‌پیوندند.



متولدین خرداد (۲۱ ژوئن - ۲۱ مه)

انجام کارها چندان آسان نبوده است، زیرا مریخ علیرغم قصد و اهدافی که دارد، در موقعیت شما عقب‌نشینی دارد. این بدان معناست که با وجود تلاش‌ها، کمتر به نتیجه می‌رسید. امیدتان را از دست ندهید. این هفته از ابزار ماهرانه‌ای در ارتباط با همسر و دوستان نزدیک برای رسیدن به خواسته‌هایتان استفاده می‌کنید. این شرایط نیازمند سازگاری یا بده‌بستان دوطرفه است. خوشبختانه با حضور عطارد و ونوس در موقعیت شما، دیگران با شما موافقت می‌کنند.



استخدام

موسسه خدمات خانگی، یک شرکت کاتادایی - کره‌ای با ۱۰ سال سابقه، استخدام می‌کند.
ما به تعدادی نیروی کار متعهد نیاز داریم و پرداخت ما عالی است.

- نوع کار: تمیزکاری منازل، نگهداری از کودکان و سالمندان و...
- شکل کار: فردی، تیمی یا خانوایی
- مشتریان: ۹۰ درصد کاتادایی و ۱۰ درصد آسیایی ممتول
- ساعات کاری: روز یا شب، کاملاً منعطف

باحقوق عالی (به صورت نقدی یا چک)

Hiring by: Family Care Services
Please contact Ms. Anna Lee
514-690-7005
Resumes to:
4familycareservices@gmail.com

متولدین دی (۲۲ دسامبر - ۱۹ ژانویه)



خورشید همچنان در موقعیت شما پنهان است. اکنون زمان خوبی برای برنامه‌ریزی‌های مالی جدی است که بر ثروت و دارایی شما تأثیر می‌گذارد. اجازه ندهید بحث و جدال با همکاران شما را از رسیدن به اهدافتان ناامید کند. می‌دانید که راز موفقیت شما همان توانایی خستگی ناپذیرانه شما در پیشرفت روز به روز است. از عهده کارها به خوبی برمی‌آید! ظرف چند هفته به راه‌هایی دست پیدا می‌کنید که بتوانید شرایط خانه و املاکتان را بهتر کنید.

متولدین بهمن (۲۰ ژانویه - ۱۸ فوریه)



شما بسیار باهوش و تعداد زیادی هم از نظر فکری تنها هستید. دیگران به سطح فکری شما نمی‌رسند. به دوستی‌ها ارزش می‌دهید و به همین جهت این هفته هنگام کار با دیگران نباید عصبانی شوید. شاید افرادی با شما مقابله کنند. باید از هوشمندی‌تان برای برقراری آرامش استفاده کرده و دیگران را برای رسیدن به اهدافتان با خود همراه کنید. باید راه‌های عملی برای استفاده از ایده‌های خود بیابید. بنابراین به دیگران گوش دهید، حتی اگر از ابتدا با شما مخالف باشند.

متولدین اسفند (۱۹ فوریه - ۲۰ مارس)



علیرغم چالش‌های بسیار، شما بیشتر از برج‌های دیگر به اهدافتان می‌رسید، زیرا این هفته در نظر دیگران عالی هستید! به دلیل حضور خورشید در بالای موقعیتتان، دیگران تحت تأثیر شما قرار می‌گیرند. چشمان منتقدی دارید و هر آنچه نیاز به تغییر یا اصلاح داشته باشد از نظر شما پنهان نمی‌ماند. اما فقط منتقد نباشید. پارافراتر گذاشته و کمک کنید آنچه از نظر شما باید بهبود یابد، عملی شود. حضور ژوپیت در موقعیت شما همچنان نعماتی را به همراه دارد.

متولدین مهر (۲۳ سپتامبر - ۲۲ اکتبر)



می‌خواهید به سفرهای کوتاه رفته و با دیگران صحبت کنید. به خواندن، نوشتن و مطالعه مشغول هستید. این شرایط جالب و هیجان‌انگیز بوده و از طرفی هم حواس شما را پرت می‌کند. فهرستی از کارهایی که باید انجام دهید تهیه کرده و سعی کنید بحث‌های دیگران شما را ناامید نکنند. شما در ارتباطات ماهر بوده و قادر به همکاری با دیگران هستید. برای سال آینده خود برنامه‌ریزی کنید، زیرا می‌خواهید سخت به تلاش ادامه دهید.

متولدین آبان (۲۳ اکتبر - ۲۱ نوامبر)



به دنبال راه‌هایی برای جذب پول هستید، زیرا فکر هزینه کردن آن را در سر دارید. فرزندانان منبع لذت زندگی هستند و می‌خواهید آن‌ها را خوشحال کنید. اما از طرفی به ارزش‌های خود در زندگی یا به عبارت دیگر آنچه برایتان اهمیت دارد، می‌اندیشید. برنامه‌ریزی کردن بسیار خوبست، اما بهترین برنامه‌ریزی آنست که فکر کنید چطور بهترین بهره را از امروز ببرید. در دو هفته آینده ژوپیت به خانه اشتغال شما آمده و امکان بهبود شرایط کاری را برایتان فراهم می‌کند.

متولدین آذر (۲۲ نوامبر - ۲۱ دسامبر)



بررسی اخیر برج‌های دوازده‌گانه نشان می‌دهد که متولدین آذر بیلیونری‌ها می‌باشند. تعجب نمی‌کنم، زیرا ژوپیت حاکم شماسات و این سیاره سمبل ثروت است. اما بالاتر از همه آنکه شما مثبت اندیش بوده و به نتایج خوبی می‌رسید. خورشید، عطارد و ونوس همچنان در موقعیت شما بوده و مزیت بسیار خوبی برایتان به همراه می‌آورند. مراقب عدم توافق با دوستان و همسر باشید و اجازه ندهید ذهن شما منفی شود. امید شما بهترین دوست شماسات.

Bazaar

غذای گرم، شیرینی، خشکبار و انواع مواد غذایی ایرانی و خارجی در شعب

فروشگاه ایرانی بازار

Downtown: 1905 Saint-Catherine St W, H3H1M3 (514) 846 1617
Westmount: 4051 Saint-Catherine St W, H3Z3J8 (438) 771 8778

www.bazaarfood.ca | www.bazaar.epicerie | www.superbazaar | www.bazaariraniansuper

We Make Your Dreamy Building a Reality

طراحی، نظارت و اجرا

کلیه خدمات ساختمانی، تاسیساتی و برقی

دارای مجوز رسمی از اداره ساختمان کبک
R.B.Q #: 5773-7520-01

- طراحی و نوسازی کامل ساختمان
- بازسازی کامل ساختمان به انضمام طراحی و دکوراسیون داخلی منزل
- تغییر محل پله، تغییر و تقویت اسکلت ساختمان
- بازسازی کامل آشپزخانه، تعویض کابینت، حمام و سرویس بهداشتی
- اجرای عایق‌بندی دیوارهای بیرونی جهت کاهش مصرف برق ساختمان
- تعویض سیستم قدیمی گرمایش و سرمایش یا سیستم مدرن و کم‌مصرف

طراحی، بازدید و برآورد رایگان
(514) 942-9969
www.amajco.ca

شعر هفته

درخواست انتقال

جهان داد است و بیداد، ای اداره
 بیا ما را کن آزاد، ای اداره
 بهسوی حق زدم پل با توکل
 تو را بر من نشان داد، ای اداره
 در این دنیا همه در ابتلا بیم
 چو تیشه دست فرهاد، ای اداره
 بیا دانیم اگر شد قدر ایام
 که چون ابر است و چون باد، ای اداره
 بیا دانیم اگر شد قدر ایام
 که چون ابر است و چون باد، ای اداره
 رود فرصت ز دست و ما تهی دست
 چه سود از آه و فریاد، ای اداره!
 ز تو خواهیم بخوانی نامه ام را
 که دادم غصه بر باد، ای اداره!
 دو ده تا سال و شش دارم سوابق
 کجا شد عدل و کو داد، ای اداره؟
 موقت انتقام کن به سالی
 غریبم! خواهیم امداد، ای اداره
 ندادی رأی مثبت، گر بدانی
 ز من کندی تو بنیاد، ای اداره
 من اکنون دست یاری ام دراز است
 مبر ما را تو از یاد، ای اداره
 چو برداری تو بار از دوش یاران
 زمینت گردد آباد، ای اداره
 دعاگوی توأم جانا من از دل
 بمان پیوسته دل شاد، ای اداره!
 منبع: (پینوکیو کجایی؟، سید هادی حیدری.
 یزد: نیکوروش، ۱۳۹۳)

شیرین تر از قند و نبات

حکایت هفته

دهها سال است که داری طنز می نویسی، مطالعه می کنی و برای خودت تجربهها اندوخته ای و خیالات به سرت زده است که چه طنزنویس شیرین سخنی هستی. آن وقت ناگهان می بینی که یک خدمت گزار بی ادعای دولت مردمی، در یک مصاحبه رسمی و درست و حسابی، چنان شکر می پراکند و قند می شکند و کامها را شیرین می کند که متوجه بشوی: «آنکه می داند با آنکه نمی داند برابر نیست.» بفرمایید سخنان شیرین تر از قند و نبات آن برادر نابرابر را بخوانید و با این نوشته های بی خاصیت و بی مزه من مقایسه کنید: «در گفت و گو با خبرنگار بهداشت و درمان فارس در پاسخ به این پرسش که آیا تفاوت سرانه درمان بین بیمه های مختلف به معنای تبعیض بین مردم نیست؟ وزیر بهداشت فرمود: ما در کشور ۱۴ صندوق بیمه ای داریم و روشن است که برخی بیمه ها وضعیت بهتری از نظر اعتبارات دارند و سرانه درمان برای بیمه شدگان آنها نسبت به صندوق های دیگر بیشتر است. مثلاً بیمه شرکت نفت یا بیمه بانکها مقداری سرانه درمانشان بیشتر است.

وی در پاسخ به این پرسش خبرنگار که آیا این تفاوت سرانه تبعیض نیست گفت: ما تبعیض نداریم. اینجا کشور کمونیستی نیست. همه باید کم کم متوجه شوند که عدالت با مساوات فرق دارد. قرآن می فرماید: هَلْ يَسْتَوِي يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ. در همه دنیا بیمه ها تفاوت دارند. بیمه های تکمیلی و بیمه های مازاد داریم. کمونیست ها هم که دنبال این نوع مساوات بودند، رفتند. شما هم دنبال این نوع عدالت بین مردم نباشید.»
 اطلاعاتیه:

کلیه بیمه شدگانی که هزینه درمان و داروی بیمارانشان از شندرغاز بیشتر است، با مراجعه به سازمان بیمه مربوطه در امتحان تعیین سطح شرکت کنند تا با توجه به رتبه «یعلمون» ایشان، سقف تعهدات بیمه شان تعیین شود. کسانی که از عهده آزمون برنایند و تحت پوشش بیمه شرکت نفت یا بانکها قرار نگیرند، برای حفظ سلامت و ادامه زندگی باید سر کیسه را شل کنند و بیخود دنبال عدالت نباشند که دیگر دوره این حرف ها گذشته است.

منبع: (لب خط قرمز، اسماعیل امینی. تهران: شرکت انتشارات سوره مهر، ۱۳۹۵. قسمتی از حکایت «شیرین تر از قند و نبات»)

لطیفه های هفته

www.hafteh.ca

- ☺ اگر به جای دشمنی با دشمنان ... دوستانه به هر خانواده یک پراید رایگان داده بودیم ... تا حالا نسلشون منقرض شده بود!
- ☺ پدر و مادر ایرانی تحت هر شرایطی: ... «بیچاره اونی که می خواد با تو زندگی کنه»
- ☺ از بین کشورها به کانادا خیلی علاقه دارم ... هم سرعتش خوبه هم وقتی وصل میشی زبان سایتها همچنان انگلیسی می مونه ... با این حال گاهی به آلمان هم فکر می کنم!
- ☺ خواستم به یه دختر خانم پیشنهاد بدم ... دستش رو آورد جلو ... فکر کردم حتماً می خواد امتحانم کنه ... گفتم: شرمنده بانو ولی تا محرم نشدید من لمستون نمی کنم ... گفت: یوزارسیف دارم حلقم رو نشونت می دم، من نامزد دارم!
- ☺ به گذشته فکر می کنی پشیمات می ریزه ... به آینده فکر می کنی پشیمات می ریزه ... به حال فکر می کنی پشیمات می ریزه ... خدایا این زندگیه به ما دادی یا قیچی پشم زنی!
- ☺ ما آشغالای رو می ریزیم دور ولی اونا فک میکنن ما لیاقتشونو نداشتیم ...

نکته هفته

به یاد داشته باش؛ تا زمانی که نفس می کشی، هیچ وقت برای یک شروع جدید دیر نیست.

نقل قول هفته

جان اشتاین بک: قدرت فاسد نمی کند؛ ترس است که فاسد می کند. ترس از دست دادن قدرت!

ضرب المثل هفته

پارسی: عاشقی زین دو حالت برتر است، بی بهار و بی خزان، سبز و تر است!
 ژاپنی: زغال های گرم به سادگی برافروخته می شوند.

نیازمندی‌های شما در تورنتو

سی دی-ویدئو	بیمه ویزیتوری و دانشجویی	اتومبیل (فروش)
عکاسی و فیلمبرداری	پس انداز تحصیلی	اتومبیل (تعمیرگاه)
فرش و موکت	پزشکی - روانشناسی - مشاوره	آرایشگاه - زیبایی - اسپا
فروشگاهها	ترجمه و دعوتنامه رسمی	ارز و صرافی
نانوایی سوپر آرینا 11108 Yonge St, Richmond Hill, L4C 0M6 ۹۰۵-۷۷۰-۲۴۰۰	چاپ و کپی	آژانس مسافرتی
کامپیوتر و خدمات	حسابداری	آموزش - مدارس و موسسات
بابک یزدی ۴۱۶-۲۲۶-۶۹۳۹	حمل و نقل	درسون ۸۷۷-۳۷۰-۳۲۷۷
کتاب فروشی - کتابخانه	داروخانه	سارنگ (Trading) ۴۳۸-۲۲۰-۱۲۰۴
پرستوک ۶۴۷-۲۲۷-۸۰۷۷	Hustmill Park Pharmacy ۴۱۶-۹۰۱-۴۷۰۰	موسسه فنوران ۶۴۷-۳۵۵-۲۲۵۵
پگاه ۴۱۶-۲۲۳-۰۸۵۰	World Pharmacy ۹۰۵-۵۹۷-۵۱۵۰	آموزش - موسیقی
سرای بامداد ۶۴۷-۶۸۰-۶۴۶۲	دندان پزشکی	آموزش (زبان)
محضر رسمی	دندانپزشکی دانا ۹۰۵-۵۰۳-۰۳۵۹	املاک - مشاور املاک
مراکز مذهبی	رسانه‌های گروهی	سیامک شکیبی ۴۱۶-۳۰۲-۱۱۰۶
مشاور مهاجرت	رستوران - کیتترینگ	املاک - تعمیرات ساختمان
نفیسه پرورنده ۴۱۶-۹۳۹-۹۵۵۲	بمبویج (ساندویچ و پیتزا) ۹۰۵-۲۳۵-۸۲۲۲	املاک - بازرسی ساختمان
ویزا فکتوری ۴۱۶-۵۶۱-۸۷۶۵	سازمان‌های فرهنگی	املاک - وام مسکن
نان و شیرینی	بنیاد پریا 344 John St., Thornhill, L3T 5W6 ۹۰۵-۷۶۴-۰۲۰۲	بیمه عمر و سرمایه‌گذاری
وکیل	تیرگان 4191 Yonge St #802, Thornhill, L3T 0C4 ۴۱۶-۶۴۰-۲۴۱۲	Insufin Insurance ۹۰۵-۳۷۰-۰۰۱۱
		بیمه (خودرو-خانه-سفر)

نیازمندی‌های شما در مونتریال و اتاوا

پیش شماره‌های
نوشته نشده ۵۱۴ هستند

۵۷۶-۵۰۲۳ کتی کرچی (Desjardins Bank)	املاک - مشاور املاک	اتومبیل (فروش)
۸۳۴-۸۰۵۳ مهرداد مرادخانی	محمد اجزاجی	۴۵۰-۴۶۵-۰۸۸۶ Auto Highlander
بیمه عمر و سرمایه‌گذاری	مینو اسلامی	www.autohighlander.com
۵۵۳-۰۹۷۸ مهدی امانی	مهدی انصاری	1080 Rue Victoria, Ville Lemoyne, QC J4R 1P7
۲۹۶-۹۰۷۱ علی پاک‌نژاد	مهرک ایرانفر	اتومبیل - تعمیرگاه
۶۹۰-۶۱۸۱ متین تیره‌دست	بهار ایزدی	۴۸۴-۴۴۸۱ اطلس
۲۹۶-۷۳۰۶ مزگان رجبی	کاظم پرتوتهرانی	6000 saint jaque H4A 2E9
۴۶۷-۸۴۹۱ عبدالله صفوی	آتوسا تنگستانی‌فر	۴۸۷-۶۲۶۲ شمیران
۴۳۸-۳۴۵-۵۰۶۶ فریبا عزیزاده	نادر خاکسار	آرایشگاه - زیبایی - اسپا
بیمه - خودرو - خانه - سفر	محمود رحیم‌زاده	۹۳۴-۳۳۷۴ رویا
۶۹۰-۶۱۸۱ متین تیره‌دست (بیمه سفر)	نازک سلیمان‌پور	۲۴۰-۱۴۹۳ سیروس
مشاور فارسی زبان بیمه Allstate	آرش شکور	۴۸۷-۰۸۰۰ فریبا
۴۳۸-۷۹۶-۱۱۵۰ مهرداد ملک جمشیدی	شهره شهریان	۲۰۹-۷۳۰۴ مهرناز
۸۶۶-۲۴۶۳ محمد تائبی	سحر صمدایی	۶۹۴-۳۷۳۵ Spa Illusion
بیمه - ویزیتوری و دانشجویی	رکسان صمیم	ارز و صرافی
۶۹۰-۶۱۸۱ متین تیره‌دست	هلیا عارفی‌دوست	۷۳۱-۸۸۳۹ آپادانا
۷۴۶-۹۳۹۹ امین ظاهری	آرزو گتمیری	۸۰۶-۰۰۲۰ بیستی
پزشکی - روانشناسی - مشاوره	نینوس گیورگیزنیا	۸۴۶-۰۲۲۱ پنج ستاره
۸۴۶-۸۸۷۲ حسین ترکپور	حامد ملکی	۲۲۳-۶۴۰۸ شریف
۴۳۷-۹۷۴-۲۹۹۴ لاله رهبین	الهام نیاجامی	۲۸۹-۹۰۱۱ پاسیفیک
۴۳۱-۲۸۲۶ الهام گرامی	مانیا نیازی	۸۴۴-۴۴۹۲ Expert FX
ترجمه و دعوتنامه رسمی	شهرام والقان	آژانس مسافرتی
۶۲۴-۵۶۰۹ شهریار بخشی	هایک هارتونیان	سلطان تراول
۷۳۰-۷۴۶۲ آرزو تحویل‌داری یکتا	فیروز همتیان	آموزش - مدارس و موسسات
۴۳۸-۳۹۰-۰۶۹۴ خاطره تحویل‌داری یکتا	املاک - تعمیرات ساختمان	کالج فنی و حرفه‌ای اوپرون
۶۹۱-۴۳۸۳ رضا داوودی	شرکت آماج	انجمن خوشنویسان
۴۳۸-۸۷۶-۴۸۲۲ حمید شورکایی	شرکت بن	مدرسه دهخدا
۸۸۴-۰۱۰۶ سارا کیانی	لوله‌کشی پتانسیل	مدرسه فردوسی
۴۳۸-۹۲۰-۹۳۰۵ فیروزه مسیحا	Pars Constraction Group	کالج فنگی
چاپ و کپی	املاک - بازرسی ساختمان	مدرسه وست آیلند
۴۸۸-۵۳۳۳ فتوکپی ان دی جی	محمودرضا اسکندری	آموزش - موسیقی
حسابداری	حسین فرهنگد	استاد پیانیست قرمچه داغی
۵۴۹-۱۳۴۴ حجت رستمی	املاک - وام مسکن	پیانو / فخاریان
۸۸۶-۷۴۷۱ مهديه سلیمی	صبا المعی	پیانو / TwinMuse
۸۰۶-۰۰۶۰ عباس شفیعی	بهرز باباخانی	سنتور / صابر جلیل‌زاده
۷۷۷-۳۶۰۴ سرور صدر	هومن بصیر	آموزش - زبان
۴۵۸-۷۵۹۹ اردشیر معین افشاری	آتوسا تنگستانی‌فر	دکتر رضا یاوریان
۲۲۵-۳۵۰۰ Elan Accounting	مریم رمضانلو	

کتاب فروشی - کتابخانه	کتاب سرا - انواتر	حمل و نقل
۴۸۵-۳۶۵۲ کتابخانه نیما	۹۳۳-۰۹۳۳ 755 Atwater Ave.	۹۳۵-۳۳۰۰ المپیک
۷۸۷-۸۸۴۰ نوروززمین	۷۶۶-۲۸۵۵ کتاب سرا - نانزآیلند	۸۸۷-۰۴۳۲ قربان
مخضر رسمی	7, Place de Commerce, Porte #102 Verdun	۲۳۴-۳۳۹۹ Loadex Transport
۹۰۳-۸۵۶۰ مونا صالحی	سی دی - ویدیو	داروخانه
مراکز مذهبی	۲۲۲-۳۳۳۶ تپش	۲۸۸-۴۸۶۴ پروکسیم
۸۴۹-۰۷۵۳ انجمن بهایی	عکاسی و فیلمبرداری	۵۱۹-۳۰۶۰ گلنسیم ریاحی
۳۴۱-۲۲۳۵ موسسه خوبی	استودیو رز	۴۵۰-۶۲۸-۸۱۰۰ فارماپری لاوال
مشاور مهاجرت	۹۸۴-۸۹۴۴ استودیو فتوبوک	۴۵۰-۶۲۸-۴۰۰۷ فارماپری لاوال
روادید	۶۶۰-۸۲۶۰ عکاسی مهنان	دندآپزشک
۲۸۹-۹۰۴۴ معصومه علی محمدی	فرش و موکت	۶۳۴-۷۲۸۱ راضیه رضوی
www.GanjiCo.com گنجی	۷۳۹-۴۸۸۸ قالی شویی و رفو	۷۳۱-۱۴۴۳ شریف نائینی
۹۰۳-۴۷۲۶ علی مختاری	فروشگاه‌ها	۹۳۳-۶۸۰۰ فریدون هرنیدیان
۷۴۸-۰۹۴۹ سهیل ملااحمدی	بازار	رسانه‌های گروهی
نان و شیرینی	۸۴۶-۱۶۱۷ بازار	بازار
۶۳۴-۶۳۶۳ سنگک آذر	۹۰۳-۹۹۹۳ دانیکا	۹۹۶-۹۶۹۲ پیوند
کندم	۷۳۸-۱۳۸۴ Exo Fruits	۹۹۶-۱۶۲۰ ر-می
وکیل	۶۷۵-۱۴۹۹ Marche RS	۸۳۴-۷۲۵۴ هفته
۹۵۳-۳۵۷۰ نیوشا ریاحی	کامپیوتر و خدمات	رستوران - کیتترینگ
	۲۵۸-۸۱۸۶ بیژن جلالی	پوشاپ (هندی)
		۷۳۷-۴۵۲۷



www.hafteh.ca

info@hafteh.ca

هفته در تورنتو

هفته در اتاوا

Caspian supermarket
2052 Sheppard Ave E
Kurosh supermarket
740 Sheppard Ave E # 2
Restaurant Shamshiri
280 Sheppard Ave E
Ava food market
193 Sheppard Ave E
Pegah bookstore
5513 Yonge St
Hafteh Media Group
6012A Yonge St
Parya
344 John St
World Pharmacy
7163 Yonge St, # 128
Saraye Bamdad
7181 Yonge St # 127
Shops on Yonge
7181 Yonge St
Ladan pastry
7073 Yonge St
Super Tehran
7327 Yonge St

Super Parsian
8129 Yonge St
Super talaei
9625 Yonge St
Shirini Hel-va-Golab
8147 Yonge St
Restaurant Khansalar
9325 Yonge St
Taftan Kabab (Richmond Hill)
9625 Yonge St
Apadana Drugstore
9631 Yonge St
Daryani Bakery
10670 Yonge St
Ramand bakery
9631 Yonge St
Toranj supermarket
9737 Yonge St # 214
Arash Exchange
9993 Yonge St
Shiva exchange
10997 Yonge St
Khaki express Restaurant
10210 Yonge St

Arina super bakery
11108 Yonge St
Super Haftseen
26 Levensdale Rd
Sahar bread
12 Levensdale Rd
Heeva food
10454 Yonge St
Sabzineh
10145 Yonge St
Daei Reza Bakery
9580 Yonge St Unit 105
Richmond I.D.A. Pharmacy
9206 Yonge St
Chef Burger
8910 Yonge St
Pantea Pastry
8910 Yonge St Unit 6
Baran Bakery
8950 Yonge St

Arya Food Market
508 Gladstone Ave, K1R 5P1
Shiraz Store
725 Somerset St W . K1R 6P7
Kabul Store
355 Montreal Rd, K1L 6B1
Donerma Reataurant
129a Bank St. K1P 5N7
Afghan Kebab Express
249 Bank St. K2P 1X2
Ravaddid - Immigration Office
310 Miwate Privet, #311, K1R 0E2

16. Histoire de couverture

Adhésion au scrutin secret, révocation à la majorité

Le rôle du Canada dans l'expulsion des IR De la Commission NU sur le statut de la femme

■ Pegah Sharifi



Cover NO.710

25 Interview: Khosro Shemiranie
Avec Sahin Khalili, l'un des cadres du Parti Komala
Le point de vue des militants politiques au Canada sur les développements en Iran



25

12 Reportage: Sepideh Salehi
Trois jours de manifestations pour l'Iran devant le parlement dans le froid glacial d'Ottawa



12

38 Critique de livre: Farzaneh Safaei
Critique de livre : L'Iran entre deux révolutions par Ervand Abrahamian



38

52 Économie: Armin Aryanpour
Comment est la situation économique des Canadiens à la veille de la nouvelle année?



52

63 Afghanistan: Nargis Hashimi
À la mémoire de Mirman Ghamargol; Un chanteur afghan bien connu au Canada



63

Publication: Journal HafteH / 4479777 Canada Inc

Un magazine hebdomadaire pour la communauté Afghane/iranienne a Canada

A weekly Magazine for the Afghan/Iranian Community in Canada

22 dec 2022, numéro 710

HafteH will not be published on the following dates during 2022:

January 6th March 24th
July 7th October 13th

(514) 834-7254
• www.hafteH.ca
• info@hafteH.ca
• news@hafteH.ca
• ad@hafteH.ca
• ISSN 1918-4379 HafteH

Bureau de Montréal
1980 Rue sherbrooke O
Suite#: 900
Montreal H3H 1E8

Bureau de Toronto
6012A Yonge Street
North York, ON M2M 3V9

Rédacteur en chef: Khosro Shemiranie

Editeur en ligne : Arash Mohebi

Photographe: Mahnaz Zangirzani

Dessinateur: Siros Yahyaabadi

Littérature: Farangis Shakiba

Psychologie: Dr Elham Gerami

Economie: Armin Aryanpour

Immigration: Masoumeh Alimohammadi

Cinema: Aref Mohammadi

Medicine: Dr. Faegheh Ebrahimi

Droit: Me Niousha Riahi

Communauté afghane: Nargis Karimi Hashimi,

Actualité Communauté: Sepideh Salehi



le prix: \$3.50

Les frais de l'abonnement annuel: 160 dollars

This project is funded in part by the Government of Canada.
Ce projet est financé en partie par le gouvernement du Canada.





ساختمان جدید پریا
 با ظرفیت ۱۰ هزار فوت مربع با کمک‌های دولتی
 و مردمی در حال ساخت می‌باشد



بنیاد پریا
 Parya Trillium
 Foundation

بنیاد پریا

اولین و تنها کامیونیتی سنتر ایرانی در دنیا
پیست ساله شد

کمک‌های مالی خود را توسط E-Transfer
 به admin@parya.org و یا به ایمیل
[www.canadahelps.org/en/charities/
 parya-trillium-foundation](http://www.canadahelps.org/en/charities/parya-trillium-foundation)

ارسال فرمایید.

کمک‌های بیش از ۱۰۰ دلار، رسید مالیاتی دریافت خواهند کرد
 برای جزئیات بیشتر، از وب سایت ما بازدید کنید
www.parya.org



Parya Construction Site - September 2022



Your \$2000 gift will be recognized
 as a **Brick** for five years.



Donations exceeding \$5000
 will be permanently recognized
 on the **Recognition Wall**
 at the building entrance.



2010



2011



2023

صرافی
بیستی
مونترال



Montreal
BISTI
EXCHANGE

ارسال حواله



خرید و فروش ارز



خرید و فروش ارزهای دیجیتال



وسترن یونیون



Competitive rates - Fast transfers - FINTRAC-regulated



+1(514) 806 0020 | www.bisti.ca | bisti@bisti.ca | [instagram.com/bistifx](https://www.instagram.com/bistifx)

Marche RS

MARKET



1.99\$
JUICE 1&1
EACH

4.99\$
WALNUT AVANTINA
CALIFORNIA

4.99\$
ALMOND SLICE

5.99\$
WHOLE CHICKEN
حلال
HALAL

با خیال راحت خرید کنید!

در وست آیلند افتتاح شد
فروشگاه بزرگ مواد غذایی ایرانی و افغانی

تخفیف‌های ویژه به مناسبت گشایش

514-675-1499



15400 boul de Pierrefonds, Montreal, H9H 4K3



INSTITUT TECHNIQUE
AVIRON
TECHNICAL INSTITUTE
DE MONTRÉAL

80 année écoulées pour le bon service

• امکان دریافت وام و بورس
• مشاوره برای کارهایی ارانه می شود

Service de Placement Disponible




رویاهای خود را واقعیت بخشید

Les cours sont disponibles en français ou en anglais
Le cours de dessin industriel est offert en ligne ou en présentiel

Programmes D.E.P 1800 heures:

دوره های حضوری

- Soudage-montage
- Mécanique automobile
- Électricité
- Soutien Informatique

- جوشکاری و مونتاژ
- مکانیک اتومبیل
- برق کاری
- پشتیبانی کامپیوتر

دوره های آنلاین

- Dessin industriel

امتحانات: حضوری یا آنلاین

- طراحی صنعتی



5460 Royalmount, Ville Mont-Royal De La Savane

www.avirontech.com

514-739-3010



à vendre

10550 Place de L'acadie, #901

Centris No. 13171601
\$319,000



à vendre

1808, Rue de Beaulac, Chambly

Centris No. 10936619
\$859,000



à vendre

6315-6317, Rue Garnier, Rosemont

Centris No. 221688739
\$919,000

مهندس مهدی انصاری

مشاور املاک

۵۰۰۰ دلار پست هدیه
ویژه خریداران عزیز تا پایان ماه دسامبر

514-588-0609

